



جمع نماز

در مذاهب اربعه‌ی اهل سنت



صلاح‌الدّین مفیدی

جمع نماز
در
مذاهب اربعه‌ی اهل سنت

صلاح‌الدّین مفیدی

نشر واتا

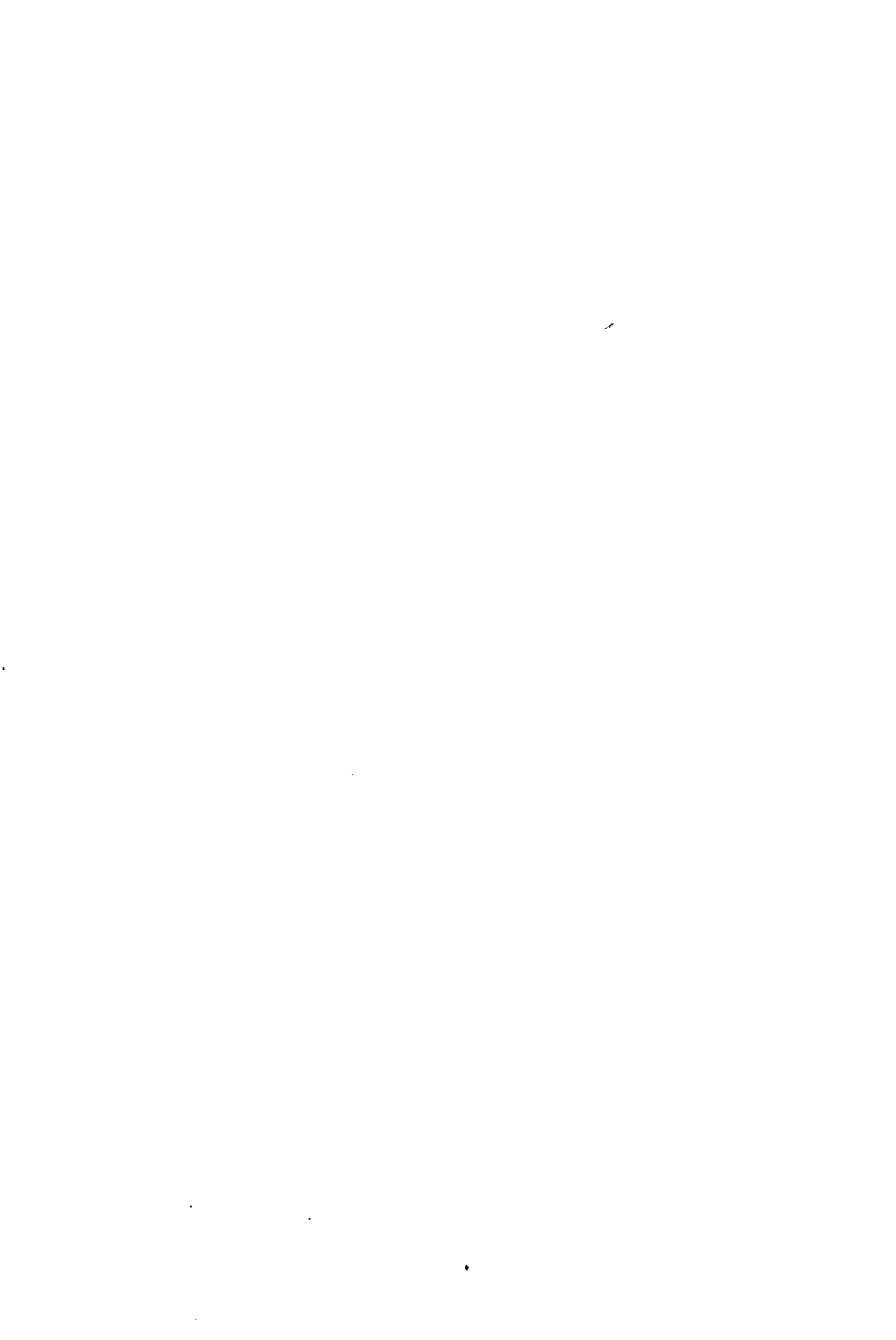
جمع نماز در مذاهبِ اربعه‌ی اهل سنت
نویسنده: صلاح‌الدّین مفیدی
طراح جلد: شعیب مکتب‌داری
ناشر: نشر واتا
چاپ اول: بهار، ۱۳۹۵
تیراژ: ۱۰۰۰
قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان
شابک: ۵-۱-۹۵۷۰۵-۶۰۰-۹۷۸
نشانی: سنندج، پاساژ عزتی، دفتر نشر واتا، تلفن: ۳۳۱۵۶۱۰۰-۰۸۷
پست الکترونیک: wata.books@gmail.com

سرشناسه	: مفیدی، صلاح‌الدین، ۱۳۴۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: جمع نماز در مذاهب اربعه اهل سنت/ مولف صلاح‌الدین مفیدی.
مشخصات نشر	: سنندج: واتا، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۱۸۲ ص.
شابک	: 978-600-95705-1-5
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: متن کتاب حاضر در اصل پایان‌نامه‌ی دوره‌ی کارشناسی ارشد مولف در رشته‌ی الهیات و معارف اسلامی با گرایش فقه شافعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران است.
موضوع	: نماز (فقه اهل سنت)
موضوع	: نماز -- اهل سنت
رده بندی کنگره	: BP۱۸۶/م۶۷ج۸ ۱۳۹۴
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۳۵۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۸۷۸۸۸۹

تقدیم به:

روح بلنـــد و عرفــانی مرحوم پـــدر بزرگوارم جنــاب ماموستا ملا محمّد صالح مفیدی (رحمه الله) که در وادی شریعت محمّدیﷺ قدم برداشت و عمر گرانبهای خود را صـــرف خدمت به حوزه‌های علوم دینی و تعلیم و تربیت مردم منطقـــه نمودنـــد. و تقـــدیم بـــه همه پویندگان راه حقیقت و همه عاشقان عبادت و بندگی حق تعالی.

و تقدیم می‌کنم به اساتید فاضل و باعزت خودم جناب آقایان دکتر سید اسعد شیخ‌الاسلامی، دکترمحمد عادل ضیائی، دکتر جلال جلالی‌زاده، که با هدایت و رهنمودهای ارزنده‌ی خود بنده را در نگارش و تألیف اثر حاضر تشویق و تقبل زحمت فرمودند.



فهرست

عنوان	صفحه
مقدمه:	۹
فصل اول: کلیاتی درباره‌ی نماز و جمع آن	۱۳
اهمیت و جایگاه نماز:	۱٤
۱-۱ عزیمت و رخصت؛ رفع حرج و نفی مشقّت	۱۵
۱-۲ تقسیمات نمازها	۱٦
۱-۳-۱- تقسیم‌بندی نمازها به طور کلی:	۱۷
۱-۳-۲- تقسیم نماز به اعتبار وقت انجام آن:	۱۷
۱-۳-۳- تقسیم نماز به اعتبار وجوب و عدم آن:	۱۸
۱-۳-٤ – تقسیم نماز به اعتبار فردی یا گروهی بودن:	۱۹
۱-۳-۵- تقسیم نماز به اعتبار انجام در سفر یا حضر:	۲۰
۱-۳-٦- تقسیم نماز به اعتبار جمع نماز و عدم آن:	۲۰
۱-٤-تعریف جمع و جمع نماز:	۲۰
۱-٤-۱- جمع نماز و انواع آن:	۲۲
۱-٤-۲-جمع نماز در اصطلاح فقها:	۲۳

۱-۵- فرق قصر و جمع: ۲۵
۱-٦- مشروعیت جمع نمازها و منشأ اختلاف فقها در مشروعیت جمع:... ۲٦
۱-٦-۱- مشروعیت جمع نماز و ادله آن به طور کلی: ۲٦
۱-٦-۲- منشأ اختلاف فقها در جمع نمازها: ۲۸
۱-۷- حکم و حکمت: ۳٤
۱-۸- حکمت مشروعیت جمع بین نمازها: ۳٤
۱- ۹ - حکم جمع نمازها: ۳۸
فصل دوم: جواز جمع نمازها و اسباب آن.. ٤۵
۲-۱- قول به جواز جمع نماز به طور مطلق:.. ٤٦
۲-۲- قول به تفصیل جواز جمع نمازها و ادلهی آن: ٤٦
۲-۲-۱- اسباب جمع نماز به طور کلی: ۵۵
۲-۲-۲- جواز جمع نمازها به سبب عذر و منع آن در غیر حالت عذر:.... ۵٦
وجه استدلال به طریق خبر ابن عباس بر مشروعیت جمع نمازها:......... ۸۵
تحلیل قول ابن خزیمه و ترمذی:.. ۸۹
تأویل‌های خبر ابن عباس:.. ۹۳
ادله مخالفان جمع نمازها:.. ۹۹
جواب و ردّ ادلّه‌های مانعان جمع نمازها:.. ۱۰۵
۲-۲-۲-۱- مفهوم عذر و مصادیق مهم آن: ۱۱۷
۲-۲-۲- ۲- ضابطه عذر جمع نماز: ۱۱۸
۲-۲-۳- جواز جمع نمازها در سفر و ادله آن: ۱۱۸

۲-۲-٤- جواز جمع نماز به سبب مریضی و ادلهٔ آن: ۱۲۹
۲-۲-۵- جواز جمع نماز به سبب باران و ادله آن:........................ ۱۳۱
۲-۲-٦ - جواز جمع نماز به سبب سایر اسباب (حاجت و نیاز و...)..... ۱۳٤
فصل سوم: احکام جمع نمازها.. ۱۳۷
۳ -۱- نمازهای قابل جمع شدن:.. ۱۳۸
۳ -۲ - نیت جمع:.. ۱۳۹
۳ -۳- ترتیب بین نمازها:.. ۱٤۲
۳-٤- موالات:.. ۱٤۳
۳-۵- یقین بر صحّت نماز اولی:.. ۱٤۵
۳-٦- اذان و اقامه در جمع نمازها:.................................... ۱٤۷
۳-۷- نمازهای سنت رواتب هنگام جمع نمازها:........................ ۱۵۰
۳-۸- نماز سنت وتر هنگام جمع نمازها:............................... ۱۵٤
۳-۹- نماز جمعه هنگام جمع نماز:..................................... ۱۵٦
۳-۱۰- افضلیّت جمع تقدیم و جمع تأخیر: ۱۵۷
کلام آخر:.. ۱۵۹
فهرست منابع و مآخذ:.. ۱٦۵

مقدمه

یکی از مهمترین وظایفی که شـریعت اسـلامی بر عهده مسـلمانان گذاشته است خواندن نماز است. از نماز به ستون دین تعبیر شده است و از ارکان دین مبین اسـلام شمرده شذه است. ادای نمازهای فرض در موعد مقرر از جمله تکالیفی است که بر عهده مسلمانان قرار داده شده است و مطابق آن موظفنـد کـه نمـازهای فرض یومیه را در اوقات معینی که برا ی آنها قرار داده شده است، بخوانند.

از طرف دیگر دین اسلام دین یُسر و آسان‌گیری است و هدف خداوند از تشریع احکام، آن نبوده که مردم در حرج واقع شده و در انجام تکالیف دینی خویش در عُســری فراتر از حد معمول واقع شــوند. این تیســیر در اسلام در نماز هم نمود یافته است. تشریع قصر نماز در سفر، وجود احکام متفاوت برای نماز در حالت خوف از جمله مواردی هســتند که قرآن خود بدانها تصـریح کرده اسـت. در سنت نبوی نیز در مورد نحوه نماز خواندن افراد بیمار که قادر به ایستادن یا حتی نشستن نیستند تخفیفاتی آمده است. از جمله موارد دیگری که در ســنت نبوی از باب تیسیر در نماز وارد شده است، جمع نمازهاست. بدین معنی که دو نماز در یک وقت خوانده شود. بررسی احادیث نبوی نشان می‌دهد که حداقل در مواردی جمع نماز ظهر و

عصر و نیز جمع نماز مغرب و عشا تجویز شده است.

در تحلیل احادیث وارده در باب جمع نماز و احکام مستنبط از آنها میان فقها اختلاف نظر وجود دارد. در حالی که گروهی چون حنفیه جمع نماز را فقط منحصر به حالت خاص می‌دانند (جمع نماز ظهر و عصر در عرفه و جمع نماز مغرب و عشا در مزدلفه)، گروهی دیگر مطلقاً جمع نمازها را جایز دانسته‌اند و گروهی نیز جمع نمازها را به سبب عذرهایی چون سفر، مرض، باران، و امثال آنها تجویز کرده‌اند. با توجه به اختلاف نظرهای مختلفی که در باب این امر مهم و مبتلا به وجود دارد و نیز نظر به دگرگونی جوامع و افزایش گرفتاری‌ها و مشاغل و مشاکل بازکاوی ادله جمع نمازها و تطبیق آن با عصر حاضر لازم می‌نماید. لذا می‌توان پرسید آیا با وجود تسهیلات ایجاد شده در مسافرت، وجود شغل‌های مهم و کارهای ضروری که شروع و انجام آنها غالباً در اختیار مکلف نیست، آیا احکام جمع نماز همان است که فقهای متقدم بیان کرده‌اند؟ به تعبیر دیگر اگر با وجود مشقت فراوانی که در سفر وجود داشت اکثر فقها قایل به جواز جمع نماز در سفر بودند اکنون که جابجایی و مسافرت خیلی آسانتر شده آیا هنوز هم جواز جمع نماز باقی است؟ و یا در عصر کنونی افرادی که دارای مشاغل حساس و مهمی هستند می‌توانند نمازهای خویش را به جمع بخوانند؟ آیا پزشکان جراح و کشیک، نگهبانان مراکز مهم، دانش آموزان، دانشجویان، معلمان و اساتید دانشگاه، نانوا و امثال آنها که غالباً تنظیم اوقات کاری آنها در دست خودشان نیست می‌توانند نمازهای خود را به جمع بخوانند؟ آیا اسباب جمع نماز همان سفر، بیماری و باران است که اکثر فقهای متقدم با استناد به احادیث نبوی به آن اشاره کرده‌اند یا اینکه

می‌توان موارد دیگری را نیز بر آنها قیاس کرد. این سؤالات و امثال آنها انجام یک پژوهش مستقل و جامع را در این زمینه ضروری می‌سازد. پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به این گونه از سؤالات است.

لازم به ذکر است که تقریباً تمامی منابع فقهی قدیم و جدید در بحث نماز، بخشی را به موضوع جمع نماز اختصاص داده‌اند. اما یک پژوهش مستقل که به صورت علمی و جداگانه به این موضوع از دیدگاه اهل سنت پرداخته باشد، صورت نگرفته است. لذا در این زمینه، این کتاب که متن اصلی آن، پایان‌نامه‌ی دوره‌ی کارشناسی ارشد مؤلف، در رشته‌ی الهیات و معارف اسلامی با گرایش فقه شافعی بوده است، می‌تواند موثر واقع گردد. در این پژوهش سعی شده است که منابع معتبر فقهی مذاهب اربعه اهل سنت و حتی گاه منابع فقهی مذاهب ظاهریه و شیعه مورد استفاده و تجزیه و تحلیل قرار گیرد، ادله آنها بیان گردد و نهایتاً رأی برتر ارائه شود.

فصل اول:

کلیاتی درباره‌ی نماز و جمع آن

اهمیت و جایگاه نماز:

نماز برترین عبادت بدنی است. در این باره ابن حبان روایت کرده است که مردی از پیامبر (ص) درباره‌ی برترین اعمال پرسید و ایشان در جواب فرمودند: نماز. مرَد پرسید: پس از آن؟ و دوباره پیامبر (ص) جواب دادند: نماز. و دوباره مرد پرسید: پس از نماز دیگر چه؟ و پیامبر فرمودند: نماز. در صحیح بخاری و مسلم آمده است که اگر هر کس، دو نماز فرض را به صورت کامل ادا نماید، آن نمازها کفاره گناهانی هستند که شخص در فاصله‌ی آن دو نماز انجام داده است. امام بخاری (۵۰۵) از ابو هریره روایت کرده است که پیامبر فرموده‌اند: "**الصلوات الخمس یمحوالله بها الخطایا.**" یعنی خداوند گناهان را با نمازهای پنجگانه می‌بخشاید.[۱]

بنابراین نماز در اسلام از جایگاه بسیار والایی برخوردار است و فرضیت آن به قرآن و حدیث و اجماع ثابت شده و منکر فرضیت نماز به اتفاق مرتد شمرده می‌شود. اوقات و تعداد نمازهای مکتوبه پنج مورد هستند که هرکدام وقت معینی دارند، که ادای آن‌ها قبل و بعد از آن وقت، جایز نبوده و صحیح نیست مطابق آیه‌ی: **إنّ الصّلاة کانَت عَلی المؤمنین کتاباً موقوتاً**. باوجود این، مطابق آیه‌ی: **و ما جَعل عَلیکُم فی الدّین من حَرج**[۲]، (و در دین برایتان هیچ تنگنا و سختی قرار نداده است)، در احکام

---

[۱]. مصطفی الخن؛ البغا، مصطفی؛ الشربجی، علی، فقه منهجی، مترجمان: محمد عزیز حسامی، فرزاد پارسا، انتشارات کردستان، ج ۱، ۱۳۸۳، ص ۱۱۸.

[۲]. سوره نساء، آیه‌ی ۱۰۳ و سوره حج آیه‌ی ۷۸.

خداوند هیچ حکمی تشریع نشده است که شما را در سختی و تحیّر قرار دهد و برای بندگان گشایش و راحتی فراهم ساخته تا احکامش قابل تحمل بوده و در احکام دینی از جمله نماز تخفیفاتی داده شده که در مورد چگونگی استفاده از این تخفیف (قصر و جمع) در جای خود بحث خواهد شد.

۱-۱ عزیمت و رخصت؛ رفع حرج و نفی مشقّت

مشقّت کاری است که خارج از حد توان باشد و بر دو نوع است: مشقّت عادی و مشقت غیر قابل تحمل.[1] در این رابطه توضیح عزیمت و رخصت لازم می‌نماید. برخی معتقدند که عزیمت و رخصت از انواع احکام تکلیفی هستند، زیرا عزیمت، اسم چیزی است که شارع، به طور عام، طلب نموده یا مباح کرده است و رخصت، اسم آن چه شارع در هنگام ضرورت و برای تخفیف نسبت به مکلفان و دفع حرج و سختی از آنان مباح کرده است و طلب و اباحه هر دو از اقسام حکم تکلیفی هستند. برخی دیگر معتقدند که عزیمت و رخصت از اقسام حکم وضعی هستند، اما رأی گروه اول اظهَر است. عزیمت در لغت به معنی قصد بر وجه تأکید است مثلاً در قرآن در سوره طه آیه‌ی ۱۱۵ آمده است: **فَنَسی ولَم نَجد له عَزماً**، یعنی "اما او ترک فرمان کرد و ما از او تصمیم و اراده‌ی استواری ندیدیم". پس عزیمت احکامی اصلی هستند که ابتداءً تشریع شده‌اند تا قانونی عَام برای همه‌ی مکلفان در شرایط عادی آنان باشد و در تشریع آن‌ها به ضرورت یا عذری توجه نشده است مانند نماز و سایر عبادات. عزیمت به انواع حکم تکلیفی

---

[1]. عبدالکریم زیدان، *الوجیز فی اصول الفقه*، مترجم: فرزاد پارسا، انتشارات کردستان، شماره ۴، ص۱۴۵.

از وجوب، ندب، کراهت و اباحه منشعب می‌شود و محققین زمانی اسم عزیمت را بر احکام اطلاق می‌کنند که در مقابل آن رخصتی قرار داشته باشد.

رُخصت در لغت به معنی سهولت و آسانی است و در اصطلاح نیز به همان معنی مذکور می‌باشد، اما عده‌ایی از علما در تعریف آن گفته‌اند: رخصت عملی است که با وجود باقی بودن سبب حرام کننده، انجام آن به خاطر عذر یا ناتوانی که مکلف دارد، به او اجازه داده شده است. چون رخصت احکامی است که شارع بنابر عذرهای مکلّفان تشریع کرده است و اگر عذرها نبود حکم اصلی باقی می‌ماند، پس رخصت حکمی است که از یک اصل کلی استثنا شده است و سبب استثنا هم، در نظر گرفتن ضرورت‌ها و عذرها جهت دفع حرج و سختی از مکلّف است و در غالب اوقات، حکم اصلی را از مرتبه اباحه منتقل می‌سازد و گاهی هم آن را به مرتبه ندب یا وجوب منتقل می‌کند. مبنای رخصت، در نظر گرفتن عذر مکلف و رفع مشقّت از وی است و رسیدن به این مقصود هم فقط با مباح شدن انجام فعل ممنوع و ترک مأمور به ممکن می‌باشد، مثلاً در ماه رمضان، شخص مریض و مسافر می‌تواند در عمل به رخصت روزه خود را بشکند یا نماز را قصر و جمع نماید و....[۱]

۱-۲ تقسیمات نمازها

نماز با توجه به اعتبارات مختلف قابل دسته‌بندی بوده و به انواع متعددی تقسیم می‌شود که البته این تقسیم‌بندی‌ها در مذاهب مختلف، محل اختلاف

---

[۱]. زیدان، ۱۳۸۹، ص ۴۹.

نظر است، به طوری که امکان دارد نمازی از نظر مذهبی خاص، در یک تقسیم قرار گیرد ولی همین نماز در مذهب دیگری در تقسیم‌بندی دیگری قرار داده شود. در ذیل انواع تقسیم‌بندی نماز، با توجه به اعتبارات مختلف آمده است:

۱-۳-۱- تقسیم‌بندی نمازها به طور کلی:[۱]

حنفیه می‌گویند نمازها ٤ قسم هستند: نماز فرض (فرض عین، فرض کفایه) مانند نمازهای پنج فرض مانند نمازه جنازه، نماز واجب مانند نماز وتر، نمازهای سنت و نمازهای نافله.

مالکیه می‌گویند نمازها ٥ قسم هستند: نمازهای پنج فرض، نوافل و سنن، رغیبه، سجده تلاوت و نماز جنازه.

شافعیه می‌گویند نمازها ۲ قسم هستند: فرض و سنت.

حنابله می‌گویند نمازها ٤ قسم هستند: فرض، سنت، نماز جنازه و سجده تلاوت.

۱-۳-۲- تقسیم نماز به اعتبار وقت انجام آن:[۲]

نماز به اعتبار زمان انجام آن به سه دسته تقسیم می‌شود؛ أداء، قضاء و اعاده، که تعاریف آنها به صورت زیر می‌باشند:

أداء: انجام عبادت در زمان تعیین شده از جانب شرع، مانند روزه‌ی رمضان در ماه رمضان و خواندن نماز ظهر در وقت معیّن خود.

---

[۱]. عبدالرحمن الجزیری، *الفقه علی المذاهب الاربعه*، بیروت، دارالفکر، ۱۹۹۶، ج ۱، ص ۱۶۲.

[۲]. الخن، ۱۳۸۳، صص ۳۳ و ۲۰۹.

قضـاء: انجام عبادت در خارج از وقت تعیین شـده توسط شارع، قضاء نامیده می‌شود مانند کسی که روزه ماه رمضان را پس از سپری شدن آن در ماه دیگری انجام دهد یا کسـی که نماز ظهر را پس از گذشـت زمان معین آن، بخوانـد. اهل علم اتفاق نظر دارند بر این که قضـای نماز بر خوابیده (نائم)، فراموشـکار (ناسـی)، مسـت (سکران)، واجب است و بر کسی که کافر بوده و ایمان آورده و هم چنین بر دیوانه و زن حایض و نفساء، قضای نماز واجب نیست. اما علما در قضای نماز بعضی افراد، اختلاف نظر دارند از جمله: مرتد، گرفتار شـدن شـخص به دلیل تعدی و تجاوز به حقوق دیگران، زنانی که خود سبب قاعدگیشان می‌شوند، بیهوش و....

اعاده: عبارت است از دوباره انجام دادن عبادات در وقت معین خود به دلیل فضـیلت و حصـول ثواب بیشـتر مانند کسی که نماز ظهر را، خود به تنهایی خوانده است، سپس آن را باز به جماعت می‌خواند.

۱-۳-۳- تقسیم نماز به اعتبار وجوب و عدم آن:

نماز به اعتبار وجوب و عدم آن به ۲ دسته تقسیم می‌شود؛ فرض (واجب)، مستحب (سنت، مندوب، نافله)، که تعاریف آنها به صورت زیر می‌باشد:

فرض (واجب): آنچه که شـارع از ما خواسته است و انجام آن ثواب و ترک آن عقاب دارد مانند نماز و روزه البته در مذهب امام شـافعی (رحمه الله) واجب و فرض هیچ تفاوتی ندارند و مترادف هستند اما حنفیه بین آنها فرق قایل هستند.[1]

---

[1]. فرض و واجب نزد جمهور دو لفظ مترادف هسـتند ولی نزد حنفیه متفاوت اسـت و می‌گویند آن چه به دلیل قطعی ثابت شود فرض، و چنان چه مستند به دلیل ظنی باشد، واجب است.

مستحب (سنت، مندوب، نافله): چیزی است که شرع مقدس به صورت غیر جازم انجام آن را از ما خواسته است، به طوری که انجام دادن آن موجب حصول ثواب است و ترک آن موجب گناه نیست مانند نمازهای رواتب، نماز تهجّد.

لازم به ذکر است که، نمازهایی که در اداب آن (شرایط و ارکان) نقص و خللی وجود داشته باشد باطل است و هم چنین نماز خواندن در اوقاتی نه تنها واجب و مستحب نیست بلکه مکروه است از جمله: هنگام استوای آفتاب که خورشید در وسط آسمان قرار دارد، مگر روز جمعه که این کراهت منتفی است، بعد از نماز صبح تا زمانی که خورشید از دید شخص به اندازهی یک نیزه بالا آمده باشد، بعد از نماز عصر تا غروب آفتاب.

۱-۳-٤ – تقسیم نماز به اعتبار فردی یا گروهی بودن:

نماز یا جایز است به جماعت برگزار شود و یا جایز نیست. در این رابطه تقسیم‌بندی زیر را می‌توان قائل شد[1]:

الف) نمازهایی که همیشه باید به صورت فردی خوانده شوند مانند نمازهای رواتب، نماز توبه، نماز نیاز، استخاره و نمازهایی که به سنت‌های مطلق نامیده شده‌اند.

ب) نمازهایی که همیشه به صورت جماعت خوانده می‌شوند و تمام مذاهب به اتفاق بر این نظرند مانند نماز جمعه.

ج) نمازهایی که هم به صورت فردی و هم به صورت گروهی (جماعت) اقامه می‌شوند مانند نمازهای پنج فرض، نماز میتَ، نذر، عیدین، تراویح و.... البته در این مورد اختلاف نظر وجود دارد و برخی مذاهب بر این نظرند که جایز نیست نمازهایی مانند عیدین به فرادی خوانده شود.

---

[1]. عبدالکریم زیدان، *المفصل فی احکام المرأه*، بیروت، مؤسسه الرساله، الطبعه الثالثه، ۲۰۰۰م.

۱-۳-۵- تقسیم نماز به اعتبار انجام در سفر یا حضر:[1]

نماز به این اعتبار به دو دسته تقسیم می‌شود؛ ۱- قصر ۲- جمع (تقدیم- تأخیر)، که شرح آنها به صورت زیر می‌باشد:

قصر: عبارت است از ادای نمازهای چهار رکعتی ظهر، عصر و عشاء به صورت دورکعتیَ به جای چهار رکعت.

جمع: ادای بعضی از نمازها با هم برای فراغت مسافر و داشتن زمان بیشتر است، که بعدا به آن خواهیم پرداخت.

۱-۳-٦- تقسیم نماز به اعتبار جمع نماز و عدم آن:

به این اعتبار نماز به جمع (تقدیم و تأخیر) و عدم جمع تقسیم می‌شود. در ادامه به توضیح انواع جمع و نحوه انجام آن می‌پردازیم اما در مورد عدم جمع باید گفت که نماز صبح را نمی‌توان با نماز قبل از آن یا نماز بعد از آن جمع کرد، همچنان که نمی‌توان نمازهای عصر و مغرب را با هم جمع کرد.[2] پس فقط نمازهای ظهر و عصر با هم و نمازهای مغرب و عشاء باهم قابل جمع هستند.

۱-٤-تعریف جمع و جمع نماز:

جمع در لغت، ضد تَفریق و جدایی است و همانطور که راغب اصفهانی می‌گوید: **"ضمّ الشی بتقریب بعضه من بعض"** یعنی، نزدیکی و پیوستن

---

[1]. *الخن*، ۱۳۸۳، صص ۳۳ و ۲۰۹.
[2]. الخن، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۱۲ .

چیزی به چیز دیگری.[1] و ابن فارس گفته: **یَدل علی تضام الشیء.** دلالت بر جمع شدن چیزی می‌کند.[2] و «ضَم» نیز نسبت به «جَمع» عام‌تر است. ضم، جمع اشیاء زیادی است و ضدش «بث» است که آن تفریق و جدایی اشیاء زیادی است. در مورد بیش از دو شی استعمال می‌شود اما اصل در آن این است که در مورد گردآوری اشیاء زیادی به کار می‌رود و همچنین تا حد چسبیدن به شیء به کار می‌رود اما جمع این چنین نیست فقط نزدیک شدن است. به همین سبب گفته شده: **ضممته الی صدری.** آن را به سینه‌ام چسباندم.[3]

جمع در مورد انسان و حیوان برای جمع و گردآوری در زمان و مکان هم بکار می‌رود. خداوند فرموده: "قُل لَّئِنِ ٱجْتَمَعَتِ ٱلْإِنسُ وَٱلْجِنُّ" اگر انسان‌ها و جن با هم جمع شوند. یا گفته‌اند: **استجمع الفَرس،** اسب‌های خود را جمع کرد. برای مثال جمع در وقت و زمان، روز جمعه را «یوم الجمعه» نامیده‌اند برای گرد آمدن و جمع شدن مردم برای نماز در آن روز و زمان است. و مسجد الجامع، به معنی کار جامع و یا وقت جامع است. واژه جامع وصف و صفت مسجد نیست بلکه از نظر کار و زمانی که جمع کننده مردم برای نماز در آن وقت معلوم است آن را این چنین نامیده‌اند.[4]

---

[1]. ابوبکر محمد بن الحسن ابن درید الازدی، *جمهرة اللغه*، تحقیق: بعلبکی، بیروت، دارالعلم للملایین، الطبعه الاولی، ۱۹۸۷ م، ص ۴۸۳. و، ابولقاسم الحسین بن محمد الراغب الاصفهانی، *المفردات*، تحقیق: صفوان الداودی، بیروت، دارالقلم، الطبعه الاولی، ۱۴۱۲ش، ص۲۰۱.

[2]. ابی الحسین احمد ابن فارس، *معجم مقاییس اللغه*، تحقیق: عبدالاسلام محمد، بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۹ ش، ج ۱، ص ۴۷۹.

[3]. الحسن بن عبدالله ابوهلال العسکری، *الفروق اللغویه*، تحقیق: محمد ابراهیم، بیروت، دارالعلم [دون تا].

[4]. الراغب الاصفهانی، ۱۴۱۲ش، ص ۲۰۲.

۱-٤-۱- جمع نماز و انواع آن:

در این جا منظور از تعریف جمع همان جمع بین نمازها می‌باشد که عبارت است از: ادای بعضی از نمازها با هم برای فراغت مسافر و صاحبان عذر و داشتن زمان بیشتر.[1] به طور کلی انواع جمع نماز عبارتند از:

۱- **جمع حقیقی نماز**، جمع حقیقی عبارت است از خواندن دو نماز ظهر و عصر یا مغرب و عشاء، پشت سر هم در یک روز و هر یک در وقت دیگری است[2].

۲- **جمع صوری نماز، یا «جمع معنوی»** هنگامی گفته می‌شود که نماز اولی در آخر وقت خودش و دیگری در اول وقت خود انجام می‌شوند[3].

۳- **جمع نماز در سفر**، شخص مسافر می‌تواند به خاطر رفع مشقّت و حرج نمازهای ظهر و عصر، و مغرب و عشاء را با هم جمع کند.[4]

٤- **جمع نماز در حضر**، در حضر هم به خاطر بارندگی و مریضی و حاجت و نیاز با رعایت شرایط صحت آن، نمازها جمع می‌شوند. شخص مقیم به سبب عذرها و حاجت‌هایی مانند بارن، برف، سرما و... نمازها را جمع کند.[5]

---

[1]. همان، شماره۱، ص ۲۰۹.

[2]. عبدالرحمن الجزیری، *الفقه علی المذاهب الاربعه*، تحقیق: محمود الدمیاطی، بیروت، دارالکتب العلمیه، الطبعه الثالثه، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۲۵۰.

[3]. تقی الدین ابی الفتح ابن دقیق العید، *احکام الأحکام*، بیروت، دارالکتب العلمیه، دون تاریخ، ج ۲، ص ۹۸. و، بدر الدین ابی محمد محمود بن احمد العینی، عمده *القاری*، داراحیاء التراث العربی، دون تاریخ، ج ۷، ص ۵۵.

[4]. همان.

[5]. همان.

۵- **جمع تقدیم**، عبارت است از خواندن نماز متأخر (نماز دوم مانند عصر و عشا) در وقت نماز اول (ظهر یا مغرب).[1] یعنی نماز اولی در وقت خود و نماز دومی پس از آن ادا شوند[2]. به تعبیر دیگر، عبارت است از خواندن نماز عصر با ظهر در وقت نماز ظهر و قبل از فرا رسیدن وقت عصر، و خواندن نماز عشاء با مغرب در وقت نماز مغرب.[3]

٦- **جمع تأخیر**، عبارت است از به تأخیر انداختن نماز اول از وقت خود و انتقال آن به وقت نماز دوم.[4] یعنی خواندن نماز ظهر با عصر در وقت نماز عصر به این صورت که ظهر را تا تمام شدن وقتش به تأخیر اندازد و با عصر در وقت عصر بخواند و به همین صورت نماز مغرب با عشا.[5]

با وجود انواع فوق الذکر، وقتی از انواع جمع نماز صحبت می‌شود بیشتر دو نوع جمع تقدیم و جمع تأخیر مد نظر می‌باشد. چون انواع دیگر در واقع به شرایط یا حقیقی و مجازی بودن مربوط می‌شوند و در هرکدام از شرایط فوق نماز جمع یا تقدیم است یا تاخیر.

۱-٤-۲-جمع نماز در اصطلاح فقها:

نزد جمهور یعنی مالکیه، شافعیه و حنابله جمع نماز عبارت از خواندن دو

---

[1]. الخن، ۱۳۸۳، ص ۲۱۲.

[2]. جلال جلالی زاده، *مبادی و اصطلاحات علم فقه*، نشر احسان، ۱۳۸۷، ص ۱۳۸.

[3]. محمد ابی زهره، امام مالک، *حیاته و فقهه*، دارالفکر العربی، الطبعه الثانیه، ۱۹۵۲ م، ص ۱۰۴.

[4]. همان.

[5]. همان.

نماز پشت سر هم در یک روز و در وقت یک نماز به صورت ادا است نه قضاء، و دو قسم است جمع تقدیم و جمع تأخیر. جمع تقدیم این است که دو نماز در وقت اولّی آن‌ها خوانده شود و جمع تأخیر نماز در وقت دیگر آن‌ها است. به عبارت دیگر، نمازگزار بین ظهر و عصر را به صورت تقدیم در وقت ظِهر جمع کند به این صورت که عصر را با ظهر قبل از فرا رسیدن وقت عصر بخواند یا به صورت تأخیر، به این صورت که ظهر را تا تمام شدن وقتش به تأخیر اندازد و با عصر در وقت عصر بخواند و مانند آن مغرب و عشا به صورت تقدیم و تأخیر بین آن‌ها جمع می‌شود.[۱] به جمع نمازها نزد جمهور، «جمع وقت» نیز گفته شده است به خاطر واقع شدن جمع‌ها در یک وقت. بعضی فقها به آن «جمع مقارنه»[۲] و اباضیه به آن «جمع قِران» می‌گویند[۳].

نزد حنیفه، مراد از جمع، تاخیر اولی به آخر وقتش و تقدیم دومی به اول وقتش است.[۴] یعنی نماز دومی در اول وقت خود خوانده می‌شود[۵]. این جمع حنفی‌ها «جمع فعل» و «جمع مواصله» نامیده شده چون شکل و فعل و انجام شان یکی پشت سر دیگری واقع می‌شود، همچنین «جمع صوری» و «جمع معنوی» هم گفته شده چون اولی در آخر وقتش و دیگری در اول

---

[۱]. ابو زهره، ۱۹۵۲ م، ص ۱۰۴. و، الجزیری، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۲۵۰.

[۲]. ابن دقیق العید، احکام الأحکام شرح عمدة الأحکام، ج ۲، ص ۹۸.

[۳]. محمد بن یوسف اطفیش، *شرح النیل و شفاء العلیل*، جده، مکتبه الارشاد، ۱۳۹۲ق، الطبعه الثانیه، ج ۲، ص ۳۸۹.

[۴]. ابی زکریا یحیی النووی، شرح *علی صحیح مسلم*، بیروت، دارالقلم، ۱۴۰۷ق، ۲۱۳/۵.

[۵]. شمس الدین ابی بکر محمد بن احمد السرخسی، *المبسوط*، بیروت، دارالمعرفه، الطبعه الثالثه، ج ۴، ۱۳۴۵ق، ص ۱۴. و، احمد بن محمد الطحاوی، *حاشیه الطحاوی علی مراقی الفلاح*، دمشق، دارالایمان، ۱۳۱۸ق، ص ۱۳۸.

وقت خود انجام می‌شود و این جمع حقیقی نیست بلکه در ظاهر، جمع است[1]. حنفیه می‌گویند: جمع به صورت فعلی جایز است نه وقتی، به این معنی که ظهر تا آخر وقتش به تأخیر انداخته شود و عصر در اول وقتش خوانده شود.[2]

۱-۵- فرق قصر و جمع:

درباره‌ی فرق قصر و جمع علما به مواردی اشاره فرموده‌اند که عبارتند از:

اول. اینکه قصر مخصوص سفر طولانی است اما برای جمع دو قول است یعنی برای سفر طویل و کوتاه، بعضی دیگر نیز قولشان بر جواز قصر در هر نوع سفری است مانند جمع.

دوم. قصر انجامش افضل است اما جمع ترکش افضل است. در مورد جواز قصر اختلافی نیست حتی بعضی‌ها مانند حنفیه واجب می‌دانند اما در مورد جواز جمع اختلاف است و حنفیه قایل به جوازش نیستند جز در عرفه و مزدلفه، چون از نظرشان جمع نماز، در وقت عبادات مقرر شده و منصوص، خلل ایجاد می‌کند.

سوم. قصر پشت سرکسی که نمازش را کامل می‌خواند جایز نیست و باید در این هنگام به صورت کامل بخواند اما جمع پشت سر کسی که جمع را نیز نمی‌خواند جایز است.

---

[1]. ابن دقیق العید، *إحکام الأحکام*، ج ۲، ص ۹۸. و، العینی، عمده *القاری*، ج ۷، ص ۵۵ و، ابن الملقن ابو حفص عمر بن علی، *الاعلام بفوائد عمده الاحکام*، تحقیق: عبد العزیز المشیقح، دارالعاصمه، الطبعه الاولی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۷۳.

[2]. عبدالله بن محمود ابن مودود الموصلی، *الاختیار لتعلیل المختار*، دارالمعرفه، ۱۳۹۵ ق، الطبعه الثالثه، ج ۱، ص ۴۱.

چهارم. برای قصر شرط است که نیتش در هنگام تکبیرة الاحرام باشد اما نیت جمع بعد از تکبیره الاحرام هم و نزد عده‌ای تا وقت اول نماز دومی جایز است.

پنجم. قصر در غیر سفر جایز نیست اما جمع در اقامت نیز جایز است با عذر باران و مریضی و... و حاجت از دیدگاه بعضی از علما.[۱]

۱-٦- مشروعیت جمع نمازها و منشأ اختلاف فقها در مشروعیت جمع:

۱-٦-۱- مشروعیت جمع نماز و ادله آن به طور کلی:

در مورد مشروعیت یا عدم مشروعیت جمع نمازها و آراء و ادله‌هایشان بطور تفصیل در جای خود بحث خواهد شد اما در اینجا به طور خلاصه به بیان مشروعیت جمع نمازها که قول جمهور علما است می‌پردازیم که از نظر اصطلاح، به قرآن و سنت فعلی و اجماع استناد کرده‌اند.

امام قرطبی می‌فرماید، برای اوقات نماز در قرآن دو نوع وقت یکی اوقات پنج گانه و دیگری اوقات سه گانه آمده، که اوقات پنجگانه برای اهل و صاحبان سعت و رفاه و در حالت عادی و سه گانه برای صاحبان عذر است[۲]. به این ترتیب اوقات سه گانه همان ثبوت جمع به طور کلی در قرآن است. اما برای تفکیک مشروعیت جمع باید گفت که جمع در

---

۱. جلال الدین عبدالرحمن السیوطی، *الاشباه و النظائر*، دارالکتب العلمیه، ۱۳۹۹ق، الطبعه الاولی، ص ۵۲۰.

۲. ابن عبدالله محمد القرطبی، الجامع الاحکام القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه، ط. الثانیه، ج۱۰، ۱۹۸۸م، ص ۳۰۴.

عرفه و مزدلفه قول علمای مذاهب و اجماع است و به تواتر ثابت شده است و قبول دارند.[1] و جمع در غیر آن دو مکان از احادیث فعلی پیامبر برای جمهور، غیر حنفیه ثابت است.[2] که از جمله برای جمع در سفر به حدیث ابن عباس در بخاری (١٠٥٦) استناد کرده‌اند، **«کان رسول الله یَجمعُ بین صلاة الظهر و العصر فی السفر و یجمع بین المغرب و العشا»** یعنی رسول خدا نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را در سفر هنگامی که بر مرکبش در حال حرکت بود، جمع می‌کرد. علما بر اساس این حدیث و حدیث ابن عمر و معاذ، جمع را به طور تقدیم و تأخیر جایز دانسته‌اند[3].

همچنین جمع در حضر را به سبب عذرها و حاجت‌ها با اختلافی که هست بیشتر با عذرهای منصوص قبول دارند و در غیر عذرهای منصوص هم با استناد به حدیث ابن عباس تعدادی از علما برجسته قبول دارند اما با غیر عذر و حاجت، اختلافی در عدم قبولی آن در مذاهب اهل سنت نیست. و از جمله احدادیثی که به طور کلی جمع در سفر و حضر را می‌رساند حدیثی از ابن عباس است که امام احمد آن را روایت کرده و شارح آن احمد شاکر، آن را صحیح دانسته است. که فرموده: **«أنّ رسول الله جمع بین الظهر و العصر و المغرب و العشا فی السفر و الحضر.»** یعنی رسول خدا ظهر و عصر و مغرب و عشا را در سفر و حضر جمع کرد. و نیز در حضر و اقامت به حدیثی از جابر در بخاری و مسلم استناد شده که

---

[1]. ابوبکر محمد ابن المنذر ،*الاجماع*، تحقیق: فواد عبد المنعم، بیروت، دارالمسلم، الطبعه الاولی، ۱۴۲۵ق، ص ۳۸. و ابن عمر بن یوسف ابن عبدالبر، *التمهید*، تحقیق: مصطفی العلوی و محمد البکری، المغرب، وزاره عموم الاوقاف، ج ۹، ۱۳۸۷ق، ص ۲۶۰.

[2]. محمد ابن الرشد القرطبی، *بدایه المجتهد*، بیروت، دار المعرفه، ط، السادسه، ج ۱، ۱۴۰۳ق، ص ۱۶۲.

[3]. عبدالله بن عبدالرحمن بسام، تیسیر *العلام*، کویت، احیاء التراث الاسلامی، ط. الثانیه، ج ۱، ۱۴۱۹ق، ص ۳۰۶.

فرموده: **«ان النبی صلی بالمدینه سبعاً و ثمانیاً الظهر و العصر و المغرب و العشا»** یعنی رسول خدا در مدینه بطور هفت رکعتی و هشت رکعتی نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را خواند. که این هفت رکعتی شامل جمع نماز مغرب و عشا می‌شود که مغرب سه رکعت و عشا هم چهار رکعت است و هشت رکعتی نیز شامل جمع نماز ظهر و عصر می‌شود که هر یک چهار رکعت هستند. برای جمع در حضر با عذرهای منصوص و غیر منصوص و حاجت‌ها با اختلافی که در تقدیم و تأخر آن‌ها است به حدیث صحیحی در مسلم از ابن عباس استناد شده که فرموده است: **«صلی رسول الله الظهر و العصر جمیعاً و المغرب و العشا جمیعاً من غیر خوف و لا سفر»** که در لفظ دیگری **«من غیر خوف و لامطر»** آمده است. یعنی رسول خدا نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را در غیر خوف و سفر و در لفظ دیگری در غیر خوف و باران جمع کرد. با وجود اینکه بعضی علما به طور مطلق این حدیث را با عذرهای منصوص دیگری مقید کرده‌اند اما تعداد برجسته‌ای از علما از جمله ابن منذر، ابن سیرین، اشهب مالکی، خطابی، قفال شاشی، ابواسحاق مروزی، ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم این حدیث را در هر حاجتی که آن را عادت همیشگی خود قرار ندهند، جایز می‌دانند[1].

۱-٦-۲- منشأ اختلاف فقها در جمع نمازها:

منشا اختلاف فقها در اصل مشروعیت جمع نمازها به طور کلی به پنج مورد بر می‌گردد:

اول- تعارض آثار وارده در مورد جمع نمازها با احادیث توقیت نمازها،

---

[1]. نووی، ج ۵، ص ۲۱۸، شماره ۷۰۶/۵۸.

پس کسانی که قایل به تخصیص احادیث توقیت با احادیث جمع هستند اجازه داده‌اند و کسانی هم که قایل به عدم تخصیص آن‌ها هستند اجازه نداده‌اند. قاضی عیاض درباره‌ی رخصت جمع در سفر و مریضی و باران می‌گوید کسانی که به حدیث نماز پیامبر با جبریل، که اوقات معین نمازها را به او یاد داد، تمسک می‌جویند قایل به جمع نیستند اما کسانی که آن‌ها را با احادیث وارده تخصیص داده‌اند جمع را جایز دانسته‌اند[1].

دوم- اختلاف در جواز قیاس و اینکه سایر نمازها در سفر بر نماز عرفه و مزدلفه که در مورد آنها تواتر و اجماع هست، قیاس شوند. پس بعضی از کسانی که قیاس را جایز دانسته‌اند بر جمع در عرفه و مزدلفه قیاس کرده‌اند و کسانی که قایل به عدم جواز قیاس هستند در غیر آن‌ها را منع می‌دانند، یا اینکه با وجود قایل به جواز قیاس در علت قیاس اختلاف داشته‌اند یا قیاس را در عبادات جایز نمی‌دانند. برای مثال، آنچه امام مالک از ابن شهاب آورده که از سالم بن عبدالله پرسید، آیا نماز ظهر و عصر در سفر جمع بسته می‌شود؟ فرمود: بله اشکالی ندارد، **الم تَر الی الصلاة الناس بعرفه؟** آیا نماز مردم را در عرفه ندیده‌ای؟[2] زرقانی نیز آورده که سالم علت قیاس را سفر دانسته است[3]. ابن رشد فرموده که این یعنی اجازه قیاس در

---

[1]. محمد عبدالرحمن بن عبدالرحیم المبارکفوری، *تحفه الاحوذی*، بیروت، دارالفکر، ط. الثالثه، ج ۱۳۹۹ ق ۱، ص ۵۶۲. و، ابی عبدالله محمد ابن قیم، *اعلام الموقعین*، تحقیق: طه عبدالروف و محمد محی الدین، بیروت، دارالجیل، [بی تا]، ج ۲، ص ۱۰.

[2]. [الامام] مالک، *الموطا*، بیروت، دار احیاءالتراث العربی، ۱۴۰۶ق، ۱/ ۱۴۵. و، عبدالرزاق ابوبکر الصنعانی، *مصنف عبدالرزاق*، تحقیق: حبیب الرحمن، بیروت، المکتب الاسلامی، ، الطبعه الثانیه، ۱۴۰۳ق، ۵۵۰/۲.

[3]. محمد الزرقانی، *شرح الزرقانی علی الموطا*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۲۹۵.

عبادات و مذهب سالم بن عبدالله است[1]. اما در واقع از دیگران هم نقل شده از جمله سید بن طاوس و.... عبدالرزاق آورده که ابراهیم بن میسره گفت: زنی خدمت طاوس آمد از ایشان در مورد جمع نمازها پرسید فرمود: اشکال و ضرری ندارد آیا مردم را در عرفه ندیده‌ای که بین ظهر و عصر جمع می‌کنند و همچنین در مزدلفه مغرب و عشا را جمع می‌کنند.[2]

البته در مورد قیاس در عبادات اختلاف است بعضی آن را به طور مطلق منع کرده‌اند چون امور تعبدی هستند و عقل را در آن‌ها راهی نیست و بعضی قایل به تفصیل شده‌اند که در اصل عبادات جایز نیست اما در امور عارضی مانند صحت و فساد عبادات، قیاس را در مبطلات نماز و در جمع بین نمازها اجازه داده‌اند. و در علت قیاس جمع در عرفه و مزدلفه اختلاف هست. بعضی می‌گویند چون مردم در عرفه مشغولیت دارند و تا غروب خورشید مشغول دعا هستند به همین خاطر نمازها را جمع تقدیم می‌خوانند و علت هم عامه است اما اگر علت جمع مسافر مشقت باشد عمومی نیست[3].

حنفیه علت جمع در عرفه و مزدلفه را خود حج و نِسک می‌دانند اما بقیه مذاهب علت را خود سفر می‌دانند نه مشقّت. شوکانی درباره‌ی جمع در سفر، نوشته که این در مورد جمع در سفر با قیاس بر جمع در عرفه و مزدلفه است اما قیاس جمع در حضر بر جمع در سفر وهم و خیال است

---

[1]. القرطبی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۶۳.

[2]. الصنعانی، ۱۴۰۳، ۲ / ۵۵۰، شماره ۴۴۱۵.

[3]. ابی الولید سلیمان بن خلف الباجی، *المنتقی شرح الموطا*، مصر، مطبعه السعاده، الطبعه الاولی، ۱۳۳۱ق، ۲۵۹/۱.

چون علت در اصل همان سفر است و آن در فروع موجود نیست و گرنه قصر و فطر روزه هم مثل آن است.[۱] امام حرمین علت را در جمع عرفه و مزدلفه و نیاز حاجی به آن می‌داند بخاطر اشتغال به مناسک حج و این در هر سفری موجود است[۲].

سوم- اختلافشان در تأویل آثاری است که در مورد جمع روایت شده است و آن به خاطر این است که احادیث وارده در مورد جمع، افعال پیامبر هستند و افعال هم احتمالات زیادی دارند. مثلا در حدیث صحیح انس در بخاری و مسلم[۳] آمده است که: **"کان رسول الله إذا ارتحل قبل ان تزيغ الشمس أخّر الظهر الى وقت العصر ثم نزل فجمع بينها فان زاغتِ الشّمس قبل أن يرتحل صلى الظهر ثم ركب."** یعنی، اگر رسول خدا قبل از زوال خورشید (متمایل شدن خورشید از وسط آسمان که وقت نماز ظهر است) حرکت می‌کردند ظهر را تا وقت عصر به تأخیر می‌انداخت سپس توقف کرده و پایین آمده و آن‌ها را جمع کرده و اگر بعد از زوال خورشید حرکت می‌کرد، ظهر را می‌خواند سپس سوار می‌شد (و در حدیث دیگری آمده است که ظهر و عصر را میخواند بعد سوار می‌شد). و در حدیث صحیح که شیخان در صحیحین[۴] روایت کرده‌اند، آمده است که ابن عمر فرمود: **«رأيت رسول الله اذا عجل به السير فى السفر يؤخر المغرب حتى يجمع بينها و بين العشا»** یعنی، رسول خدا را دیدم که اگر در سفر عجله داشتند

---

[۱]. محمد بن علی الشوکانی، *سیل الجرار*، تحقیق: محمود زید، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵ق، ۱۹۳/۱.

[۲]. الزرقانی، ۲۹۵/۱.

[۳]. محمد بن اسماعیل البخاری، *الجامع الصحیح*، الیمامه دار ابن کثیر، ۱۹۸۷م، ۱۱۱۲. و، مسلم ابن الحجاج النیشابوری، *صحیح مسلم*، بیروت، دار احیاءالتراث العربی، ۷۰۴-۴۶.

[۴]. البخاری ۱۰۹۱. و، مسلم ۴۵.

مغرب را به تأخیر می‌انداخت تا با عشا جمع کند. و نیز در حدیث صحیح شیخین روایت کرده‌اند که ابن عباس فرمود: "**صلی رسول الله الظهر و العصر جميعا و المغرب و العشاء جميعا في غيرخوف و سفر.**" یعنی رسول خدا ظهر و عصر و همچنین مغرب و عشا را در غیر خوف و سفر به صورت جمع خواند.[1]

قایلان به جواز جمع نماز، در تأویل این احادیث گفته‌اند: منظور این است که نماز ظهر را به وقت عصر به تأخیر انداخت. اما کوفیان گفته‌اند: منظور این است که ظهر را به آخر وقتش به تأخیر انداخت و عصر را در اول وقتش خوانده و مغرب و عشا را هم به این صورت خواند. و گفته‌اند بنا به دلیل دیگری یعنی آنچه در حدیث مربوط به امامت جبرئیل برای پیامبر در تعیین اوقات نماز آمده است، حدیث ابن عباس را حمل می‌کنند چون اجماع می‌دانند که جایز نیست در حضر بدون عذر دو نماز را هر یک در وقت دیگری خواند.

همچنین برای تأویلشان به حدیث ابن مسعود[2] استناد کرده‌اند که فرموده است: قسم به کسی که غیر از او خدایی نیست، پیامبر در غیر عرفه و مزدلفه هرگز نماز را جز در وقت خود نخوانده است و در آنجا ظهر و عصر در عرفه و بین مغرب و عشا در مزدلفه جمع کردند. و همچنین گفته‌اند که این آثار احتمالی هستند که احتمال دارد آن گونه باشد که ما تاویل کرده‌ایم یا آن گونه باشند که شما تاویل کرده‌اید اما توقیت نمازها

---

[1]. البخاری ۵۴۳ و، مسلم ۴۹-۵-۷۰۵.

[2]. ابو عبدالرحمن احمد النسائی، تحقیق: عبدالفتاح ابوعذه، حلب، مکتب المطبوعات الاسلامیه، الطبعه الثانیه، ۱۴۰۶ق، ص ۲۵۴/۵.

ثابت و صحیح هستند. پس جایز نیست با امر احتمال از اصل ثابت عبور کرد[۱].

چهارم- اختلاف در تصحیح بعضی احادیث و رسیدن بعضی احادیث به بعضی از آن‌ها. جمع در عرفه و مزدلفه متفق علیه است و با تواتر نقل شده است و اختلافی در آن نیست. ابوحنیفه به خاطر حدیث ابن مسعود که صحیح دانسته به احادیث دیگری قایل نبوده که فرموده: رسول خدا را ندیدم در غیر وقت خود نماز بخواند جز نماز فجر در مزدلفه و نماز مغرب در شب مزدلفه[۲]. ابن مسعود منظورش این بوده که نماز فجر را در غیر وقت عادت همیشگی‌شان خوانده است. در صحیح جابر آمده که پیامبر نماز فجر را در مزدلفه قبل از روشنایی فجر خوانده است. و این بین مسلمانان متفق علیه است که نماز فجر تا طلوع فجر خوانده نمی‌شود اگرچه پیامبر در مزدلفه در تاریکی بیشتری خوانده است. به هر حال، بیشتر ائمه احادیث جمع را که به آنها رسیده صحیح دانسته‌اند مانند حدیث انس و ابن عباس و ابن عمر و معاذ و همه آن‌ها که صحیح هستند[۳].

پنجم- همچنین اختلافشان در مورد وقت مشترک است یعنی آیا نمازها اوقات مشترکی دارند یا نه؟ لذا کسانی که می‌گویند ظهر و عصر با هم و مغرب و عشا با هم یک وقت مشترک دارند، جمع بین ظهرین (ظهر و عصر) و بین عشاءین (مغرب و عشاء) را اجازه داده‌اند و کسانی که قایل

---

[۱]. القرطبی، ۱۴۰۳، ص ۱۶۲-۱۶۳.

[۲]. بخاری، ۵۴۳ و مسلم، ۷۰۵۴۹.

[۳]. احمد بن عبدالحلیم ابن تیمیه، مجموع *الفتاوی*، جمع و ترتیب: عبدالرحمن بن محمد، ۱۳۹۸ق، ۲۳/۲۴.

به وجود اوقات مشترک نیستند جمع مطلق را قبول ندارند و آن را مخصوص وجود عذر و حاجت می‌دانند.[1]

۱-۷- حکم و حکمت:

از دیدگاه علمای اصول "حکم" عبارت است از خطاب خداوند که به طریق اقتضاء یا تخییر یا وضع، به اعمال مکلفان تعلق پیدا می‌کند. و مقصود از خطاب خداوند هم، کلام مستقیم او یعنی قرآن و کلام با واسطه‌ی او یعنی سنت، اجماع و سایر ادله‌ی است که خدای متعال برای شناخت حکم خود قرار داده است. به تعبیر دیگر حکم یا تکلیفی است یا وضعی. حکم تکلیفی عبارت است از مقتضای خطاب شرع که به جهت طلب یا اختیار به افعال مکلفان تعلق می‌گیرد مانند اقامه نماز. و حکم وضعی عبارت است از اموری که شرع آنها را سبب یا شرط یا مانع قرار داده است مانند حلول ماه رمضان که سبب وجوب روزه است.

اما حکمت، جلب مصلحت یا دفع مفسده‌ای که بر ارتباط حکم شرعی با علت مترتب است مانند اینکه حکمت جمع نماز توسعه و تسهیل و دفع حرج بر امت معرفی شده است.[2]

۱-۸- حکمت مشروعیت جمع بین نمازها:

نماز و ذکر و یاد خدا است که سبب می‌شود انسان از کارهای ناروا و

---

[1]. محمدبن احمد ابن رشد ابی الولید القرطبی، *مقدمات*، دمشق، دارالفکر ، الطبعه الثانیه، ۱۴۰۰ ق، ۱۱۲/۱. و، السرخسی ۱۵۰/۱. و، عبد الطلیف البغدادی، *الجمع بین الصلاتین علی ضوء الکتاب و السنه و الاجماع*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۹۷۳م، صص ۳۰ -۲۹.

[2]. زیدان، ۱۳۸۹، ص ۵۳

ناپسند دور شود و این‌ها هر دو از فواید و حکمت‌های نماز هستند. در همین رابطه، خداوند فرموده‌اند: "**أقِمِ الصـّلاه لِذِکری.**"[1] و در جای دیگر فرموده‌اند: "**إنّ الصّلاه تَنهی عَن الفَحشاءِ و ا لمنکَر.**"[2] یعنی نماز را برای ذکر و یاد من بپا دارید و همانا نماز از فحشا و منکر باز می‌دارد.

و از فواید دیگر آن پاک کردن و از بین بردن خطاها و گناهان است. همچنانکه فرموده‌اند: **أرأیتم لوانَ نهراً بِبابِ اَحَدِکم یَغتَسِلُ مِنه کل یومٍ خمس مرّاتٍ أیَبقی من درَنِهِ شیء؟ قالو لا قال: فذلک مَثَل الصلواتِ الخمسِ یَمحو اللهُ بِهنّ الخطـایا**[3]. آیا دیده‌اید که اگر رودخانه‌ای از در خانه یکی از شما بگذرد و با آن هر روز پنج بار خود را بشویید؟ آیا چیزی از کثافت‌ها و آلودگی‌ها بر بدن باقی می‌ماند؟ گفتند: نه ای رسول خدا، فرمود: نمازهای پنجگانه مانند آن است که خداوند به وسیله آن خطاها و گناهان را از بین می‌برد. و نیز فرموده‌اند، حتی وضوی نماز سبب کفاره و بخشش گناهان گذشته است (**غَفرَ له ما تقدّم مِن ذَنبه**)[4]. همچنین سبب سعادت و حیات طیبه در دنیا و آخرت خواهد شد. فرموده‌اند: **مَن یحافظ علیهنّ عاشَ بخیر ماتَ بخیر**[5]. یعنی هر کسی بر آن‌ها محافظت کند و وقت خود بپا دارد به خیر و خوبی زندگی خواهد کرد و خواهد مرد. اما در مقابل، کسی که به نمازها اهمیتی نمی‌دهد در دنیا و آخرت عاقبت سختی در انتظارش است

---

[1]. سوره طه، آیه‌ی ۱۴.

[2]. سوره العنکبوت، آیه‌ی ۴۵.

[3]. نووی، ۶۶۷

[4]. نووی، ۲۲۶ .

[5]. محمد بن عیسی الترمذی، السنن، تحقیق: احمد شاکر، مصر، المکتبه مصطفی البابی الحلبی، داراحیاء التراث العربی، ط الثانیه، ۱۳۹۵ق، ۳۲۳۴.

به نحوی که فرموده‌اند: اسلام بر سه چیز بنا شده است هرکس یکی از آنها را ترک کند کافر است و خونش حلال است: نماز، زکات و روزه رمضان[1]. در همین رابطه باید افزود که کسی که نماز را طبق روش رسول الله ادا کند، دین را ادا کرده و هر کسی که سهل انگاری کند دینش را نابود کرده است همچنانکِه قرآن کریم در سوره مریم اشاره فرموده است[2]. اگر در ذکات فقرا از اداء آن معاف و در روزه گرفتن مریض و مسافرها و... و در حج کسانی که استطاعت ندارند معاف هستند، در نماز اینچنین نیست. نماز به علت اهمیت بیشتری که دارد در هیچ حالی ترک آن جایز نیست و کسی از مسئولیت اداء آن استثنا نمی‌شود.

اما با وجود مواد فوق الذکر، شریعت اسلامی برای کسانی که در صحت و سلامتی یا کسانی که در حرج و مشقت یا در حالت ضعف و پیری هستند، نظم خاص و رخصت‌های قرار داده و آسان‌گیری کرده است تا اهلش به آسانی راه سعادت و خوشبختی را طی کنند و از فضیلت و آرامش آن محروم نشوند. اگر نتوانست ایستاده بخواند نشسته، و اگر نشسته نتواند در حالت خوابیده و با حرکات اشاره و چشم بخواند. و به جای اینکه دو بار در روز و دو بار در اول شب وضو بگیرد و چهار بار نماز بخواند می‌تواند نمازها را دو بار جمع کند. و اگر سالم است و در سفر هم نیست، اما عذر دیگری دارد مثل باران و یا حاجت و نیاز و کاری

---

[1]. طبرانی، سلیمان بن احمد، *المعجم الکبیر ا* ، تحقیق: حمدی السفی، القاهره، مکتبه ابن تیمیه، ط: الثانیه، ج ۱۲، ۱۴۱۵ق، ص ۱۷۴. و، ابویعلی، احمد بن علی، مسند، تحقیق: حسین السلیم اسد، دارالمامون، ط: الاولی، ج ۴ ، ۱۴۰۴ ق، ص ۲۳۶، ۲۳۴۹.

[2]. سوره‌ی مریم، آیه‌ی ۵۹

دارد باز می‌تواند نمازها را جمع کند. یا اگر در سفر است علاوه بر جمع، از چهار رکعت می‌تواند دو رکعت بخواند که نه تنها مرتکب گناه نشده بلکه نمازش را طبق سنت رسول الله اداء کرده و ثواب را هم به دست آورده است و با حکمت‌ها و فوایدش مثل آرامش و... که برای صاحبان عذر امید را در دل می‌اندازد نیرو و توانایی غلبه بر مشکلات را هم پیدا می‌کند.

در این زمینه، ابن عربی فرموده است که خداوند اوقات معینی را برای نماز قرار داده اما از آنجا که عالِم به ضعف و ناتوانی در مداومت بر آن است به خاطر عذرهای که برایش پیش می‌آید، با جمع کردن نمازها به آن‌ها رخصت داده است.[1] و در حکمت این رخصت می‌توان به حفظ حضور قلب اشاره کرد. اگر مسلمان با مشکلی مواجه شد نباید نمازش را ترک کند بلکه به خدا پناه ببرد چراکه حفظ اخلاص و حضور قلب از نظر شارع بر سائر واجبات ارجحیّت دارد. در حالت عذر و مشکلات با جمع نماز فقط وقت نماز ساقط می‌شود و به بدلش انتقال می‌یابد اما خود نماز و اخلاص و حضور قلب ساقط نمی‌شود و بدل ندارد. لذا برای حفظ حضور قلب، واجب است که وقت ساقط و فدا شود. چون عذر و مشغولیت مانع انجام یکی از نمازها در وقتش است مانند مسافرت و مریضی، پس نیاز به جمع است.[2]

---

[1]. ابوبکر ابن العربی، *القبس فی شرح موطا*، تحقیق: محمد عبدالله ولد الکریم، دارالعرب الاسلامی، ط الاولی، ج ۱، ۱۹۹۲م، ص ۳۲۴.

[2]. ابی عبدالله محمد ابن قیم الجوزی، *مدارج السالکین*، تحقیق: محمد حامد الفقی، بیروت، دارالکتاب العربی، ج ۱، ۱۳۹۲ق، ص ۵۲۸.

۱-۹- حکم جمع نمازها:

جمع نمازها بین مغرب و عشا و بین ظهر و عصر مشروع و جایز است اما در حکمش اختلاف اســت. در مذهب حنفیه، جمع نمازها جز در عرفه و مزدلفه جایز نیست که ادله آن‌ها بررسی خواهد شد.[۱]

در مذهب مالکیه، جدای از جمع در عرفه و مزدلفه، اســباب جمع را سـفر، مریضی، باران و گل در تاریکی می‌دانند. برای کسی که سفر مباحی می‌رود، بین ظهر و عصــر را به صــورت جمع تقدیم با شــروطی جایز می‌دانند. اولین شرط این است که خورشید زوال کرده باشد. اگر وقت ظهر رسید و در حال سفر بود و اگر نیت نزول هنگام نزدیک شدن خورشید به زردی غروب (اصـفرار) یا قبل از آن را داشت، برایش جایز است که ظهر را به تأخیر اندازد تا با عصـر بعد از توقف جمع کند[۲]. و مغرب و عشا در سـفر همین طور هستند و جمع در سفر خشکی جایز است و بین تقدیم و تأخیر فرقی نیســت و اختیار دارد که دومی را به وقت اولی جلو بیندازد و یا برعکس اولی را به وقت دومی به تأخیر اندازد. اما حکمش خلاف اولی اســت و اولی ترک آن اســت[۳]. و برای مریض جمع را فقط به صــورت صوری نه حقیقی جایز می‌دانند. و جمع در حضر را با عذر منصوص باران در تاریکی شــب فقط بین عشا و مغرب به صورت جمع تقدیم در مسجد جایز اما خلاف اولی می‌دانند[۴]. برخی از مالکیه نیز مانند قیروانی و قاضــی

---

[۱]. کمال الدین ابو الهمام، شرح *فتح القدیر*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ج ۲، ص ۴۶۸.
[۲]. الجزیری، ج ۱، ص ۲۵۱.
[۳]. ابن رشد، ج ۱، ص ۱۶۲.
[۴]. همان.

عیاض آن را رخصت می‌دانند[1]. قاضی عیاض فرموده است که جمع بین نمازهایی که اوقات مشترکی دارند از یک جهت سنت و از جهتی رخصت است یعنی در عرفه و مزدلفه سنت است و اختلافی در آن نیست اما در مریضی، سفر و باران رخصت است[2] که مریضی را نیز از جمله عذرهای جمع حقیقی مانند باران دانسته است.

در مذهب شافعی، جمع بین دو نماز ظهر و عصر و بین مغرب و عشا به صورت جمع تقدیم و تأخیر برای مسافر مسافتِ قصر نماز، جایز و فقط جمع تقدیم را به سبب باران جایز می‌دانند. برای جمع تقدیم مسافر شروطی را لازم دانسته‌اند از جمله ترتیب و موالات و نیت جمع در اولی و دوام سفر تا شروع دومی و صحت نماز اولی. امام نووی فرموده است، اولی ترک جمع است و ترک جمع بدون خلاف افضل است چون افضل این است که هر نمازی در وقت خود خوانده شود و جمع کردن خروج از آن است و اباحنیفه و جماعتی از تابعین آن را جایز ندانسته‌اند[3]. و همچنین ابو یحی زکریا انصاری و قلیوبی و عمیره و... ترک آن را افضل دانسته‌اند[4]. و برای جمع تأخیر دو شرط را لازم دانسته‌اند نیت تاخیر در وقت اولی و دوام سفر تا اتمام نمازها و بقیه موارد مانند ترتیب و موالات سنت هستند نه شرط[5].

---

[1]. ابن ابی زید القیروانی، *رساله*، بیروت، دارالکتب العلمیه، [دون تا]، ص ۱۸۹.

[2]. ابو افضل ابن موسی قاضی عیاض، *اکمال المعلم*، تحقیق: یحی اسماعیل، مصر، دارالوفا، ط الاولی، ج ۳، ۱۴۱۹ق، ص ۳۰.

[3]. ابو زکریا یحی ابن شرف نووی، *روضه الطالبین*، دمشق، المکتب الاسلامیه، ج ۱، ۱۳۸۶ق، ص ۲۷۲.

[4]. ابویحی زکریا الانصاری، *فتح الوهاب*، مصر، المطعیه مصطفی الحلبی، ۱۳۶۷ق، ج ۱، ص ۷۲.

[5]. الجزیری، ج ۱، ص ۲۵۱.

برای فرد مقیم، جمع به سبب باران را بنا به قول اصح به صورت جمع تقدیم، هر چند نماز عصر با نماز جمعه باشد، با شروطی جایز می‌دانند: اول اینکه تا تکبیره الاحرام نماز دومی باران برقرار باشد و ترتیب و موالات بین نمازها و داشتن نیت جمع رعایت شود. دوم اینکه نماز را به جماعت بخواند و نیت امامت و جماعت برای امام و جماعت در مسجد لازم است مگر عرفاً دور باشد یا در راهش مشقّت باشد که اگر شروطی از این‌ها نباشد جمع برای مقیم را جایز نمی‌دانند.

امام نووی جمع را در ظهر و عصر و مغرب و عشا به سبب باران را قول جمهور می‌داند جز مالکیه که آن را فقط در مغرب و عشا جایز می‌دانند و می‌گوید: قول اصح شافعیه این است که بقیه موارد را از اسباب جمع نمی‌دانند و جایز نیست مانند باد و گِل و مریضی طبق نظر مشهور شافعی، اما جمع به سبب عذر مریضی قول متأخرین شافعی است[1]. همچنین جمع واجب یا مندوب می‌باشد، اگر وقت اولی از اندازه وقت طهارت و نماز، تنگتر و کمتر بود واجب است و باید به صورت جمع تأخیر بخواند. و مندوب است برای حاجی، مسافر و برای کسی که امکان انجام را به صورت کامل‌تردارد، بهتر است به جای خواندن فردی با جماعت بخواند[2]. ابن حجر حالت هنگام سلامتی و پاکی و پوشش را به جای سلس بول بودن و لختی بر سنت بودن افزوده است و در دو مورد عرفه و اسیر بودن آن را واجب دانسته است[3].

---

[1]. نووی، *۱۳۸۶ق*، ج ۵، ص ۲۱۳.

[2]. الجزیری، ج ۱، ص ۲۵۳.

[3]. شهاب الدین احمد ابن حجر الهیتمی، *تحفه المحتاج*، بیروت، دارالفکر، ج ۲، ص ۳۹۴.

در مذهب حنبلی، جمع بین ظهر و عصر یا مغرب و عشا را به صورت تقدیم یا تأخیر در سفرِ مباح، جایز می‌دانند اما در غیر عرفه و مزدلفه ترک آن را افضل می‌دانند و شروط آن عبارتند از: جمع در سفرِ مسافت قصر باشد، رعایت موالات، نیت جمع هنگام تکبیره الأحرام در نماز اولی، وجود عذر مباح کننده جمع هنگام شروع و هنگام سلام نماز اولی و ادامه عذر تا وقت دوم برای جمع تقدیم و برای جمع تأخیر نیت در وقت نماز اولی و بقای عذر مباح کننده جمع از هنگام نیت جمع در وقت اولی تا رسیدن وقت دومی.[1] و همچنین جمع نماز را در بیماری که ترک جمع سبب مشقت است یا زن شیرده یا در حال استحاضه باشد جایز می‌دانند. و مریضی که از طهارت با آب یا تیمم برای هر نمازی عاجز و ناتوان است و برای کسی که وقت را نمی‌شناسد مانند کور یا کسی که در زیر زمین است و یا می‌ترسد که در صورت عدم انجام جمع ضرری به خود و مال و ناموس برسد، جایز می‌دانند. و فقط جمع مغرب و عشا را برای اسباب طبیعی مانند برف، باران، تگرگ، گل و باد شدید جایز می‌دانند[2].

در رابطه با جمع نماز در این مذهب، مرداوی فرموده است که قول جایز بودن آن به معنی مستحب بودن نیست بلکه طبق نظر صحیح مذهب ترک افضل است و بیشتر اصحاب ما بر آن رأی هستند[3]. اما ابن تیمیه و ابن جوزی آن را مباح می‌دانند. ابن تیمیه می‌گوید: جمع مانند قصر فقط

---

[1]. شمس الدین المقدسی ابی عبدالله ابن مفلح، *الفروع*، مصر، دار مصر للطباعه، ج ۲ ، ص ۶۸.

[2]. الجزیری، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۲۵۲.

[3]. علاء الدین ابی الحسن علی المرداوی ، *الانصاف فی معرفه الراجح من الخلاف*، تحقیق: محمد حامد الفقی، الطبعه الاولی، ج ۲، ۱۳۷۴ ق، ص ۳۳۴.

مخصوص سفر نیست، بلکه برای حاجت و نیاز چه در سفر یا حضر انجام می‌شود که پیامبر (ص) در حضر مانند سفر جمع کرده است. پس اگر کسی احتیاج به جمع پیدا کرد در هر وقت که برایش میسّر است جمع برایش مباح است[۱].

رأی راجح:

رأی ارجح، مربوط به قایلان به سنّت بودن جمع است. بعضی علما به دو دلیل عمده قایل به سنت بودن جمع نمازها هستند اگر سببش موجود باشد.[۲] اول اینکه از جمله، رخصت‌های خداوند است و خداوند دوست دارد که به رخصت‌ها عمل شود و دوّم، اقتدا به رسول خداوند است، که در زندگی خود آن را انجام داده است.

و همچنین شامل عمومیت این حدیث پیامبر می‌شود که فرموده‌اند: "**صلّوا کما رأیتمونی أصلی.**"[۳] یعنی نماز بخوانید آن چنان که من نماز می‌خوانم. به همین سبب قول به سنت بودن جمع نمازها ارجحیت دارد همچنانکه جمع در عرفه و مزدلفه سنت است و پیامبر انجام داده است. حتی ترک آن برای صاحبان عذر اگر سبب حرج شود مخالف عمل پیامبر و سنتش است. پس انجام آن برای کسانی که در مواقع حرج و عذر، چه در سفر یا حضر، قرار گیرند نه کراهت دارد نه ترکش افضل است، بلکه انجامش افضل و سنت رسول الله است. در این رابطه، شیخ باجی در المنتقی قول مشهور مذهب مالکی، انجام جمع نمازها را عدم کراهت

---

[۱]. ابن تیمیه، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۶۸ و ابن مفلح، ج ۲، ص ۶۸

[۲]. محمد بن صالح العثیمین، *الشرح الممتع علی زاد المستقنع*، تحقیق: عمر سلیمان الحفیان، ج ۴، ۱۴۲۲، ص ۵۴۸

[۳]. بخاری، ۶۳۱

دانسته‌اند و آن را رد کرده است که مکروه باشد. چون کراهت حکم شرعی است و جز با دلیل نهی ثابت نمی‌شود و اصلا دلیلی هم بر کراهیّت جمع موجود نیست. برای مومن جایز نیست بر چیزی که پیامبر انجام داده است اسم کراهت یا مکروه بودن یا خلاف اولی بگذارد به شرطی که در موقع خود انجام شود همچنانکه پیامبر در ادوارهای مختلف چندین بار تکرار کرده است. سنت پسندیده‌ای است از جهت پیروی از پیامبر و از جهت قبول رخصت که خداوند دوست دارد به رخصت‌ها عمل شود. چه بسا اگر به قصد سرپیچی از سنت پیامبر ترک شود حکم کراهت به عدم انجام آن برگردد. همچنانکه فرموده‌اند: "مَن رغِب عن سنتي فَليس مني."[1] یعنی، هر کسی از سنت من رو گردان شود از من نیست.

---

[1]. بخاری، ۵۰۶۳. و، مسلم، ۱۴۰۱.



فصل دوم:

جواز جمع نمازها و اسباب آن

۲-۱- قول به جواز جمع نماز به طور مطلق:

کسانی که جمع را به طور مطلق یعنی در سفر و حضر، عذر و غیر عذر جایز می‌دانند پیروان مذهب شیعه امامیه هستند. عبدالطیف بغدادی[۱] می‌گوید: مذهب اهل بیت عليهم السلام که همان ائمه دوازده گانه از آل محمد صلی الله علیه وآله هستند مذهبشان به صراحت جمع بین نمازهای ظهر و عصر و مغرب و عشا را به طور مطلق جایز می‌داند یعنی چه در سفر یا اقامت یا بدون عذر به صورت جمع تقدیم و تأخیر باشد، قبول دارند[۲]. عاملی در رساله‌ی جمع آورده است که: روایات وارده از اهل بیت در این موضوع خیلی زیاد است و همه آن‌ها دلالت بر این عمل و قول نبی و عمل و قول اهل بیت است[۳]. و در جای دیگری می‌گوید: جمع نزد ما در حضر به طور مطلق بدون هیچ قید و شرط و عذری جایز است. بعضی از علمای اباضیه نیز بر این قول هستند[۴]. اما جواز جمع نماز به طور مطلق و بدون عذر در مذاهب اربعه اهل سنت پیروانی ندارد.

۲-۲- قول به تفصیل جواز جمع نمازها و ادلّه‌ی آن:

از جمله کسانی که به طور مطلق یعنی در سفر و حضر با عذر و بدون عذر

---

[۱]. موفق الدین عبدالطیف بن یوسف بن محمد بن علی بغدادی» معروف به ابن بلاد و ابن نقطه، متوفی ۶۲۹ ه.ق (۱۲۳۱م)، صاحب شرح ابن ماجه و کتاب الأفاده و الأعتبار می‌باشد.

[۲]. البغدادی، ۱۹۷۳، ص ۱۶.

[۳]. حسین یوسف مکی العاملی، *رساله الجمع بین الصلاتین*، مطبعه الیحفوفی، الطبعه الاولی، ۱۳۸۸ق، ص ۲۶.

[۴]. همان، ص ۱۸. درباره‌ی ادله‌ی جمع نماز به طور مطلق به منابعی مانند: الخلاف شیخ طوسی، العروه الوثقی آیت الله سید محمد کاظم یزدی، الفقه علی المذاهب الخمسه محمد جواد مغنیه، منهاج الصالحین ابوالقاسم مسوی خوئی، رساله آیت الله مکارم شیرزای مراجعه شود.

جز در عرفه و مزدلفه، جمع را جایز نمی‌دانند ابوحنیفه و شاگردانش هستند یعنی دو اصحابش ابویوسف و محمد شیبانی و دیگر پیروان مذهب حنفی بر این قول هستند[1]. بنابر تعریف صوری حنفیه از جمع نماز که مخالف قول جمهور از تعریف جمع حقیقی است، فقها آن‌ها را از مخالفان جمع حقیقی به شمار می‌آورند.

محمد بن حسن شیبانی به صراحت از ابو حنیفه نقل کرده و خود نیز با آن مخالفتی نداشته است. او می‌گوید: ابوحنیفه فرمود: هر کسی که خواست بین نمازها را به سبب باران یا سفر یا غیره جمع کند پس اوّلی را تا آخر وقتش به تأخیر اندازد و نماز دوّمی را در اول وقت خود بخواند. به این صورت آن‌ها را جمع کند که هر یک را هم در وقت خودش خوانده است و شایسته نیست که دو نماز را در یک وقت جمع کند، مگر نماز ظهر و عصر در وقت ظهر در عرفه و نماز مغرب و عشاء در مزدلفه[2]. طحاوی نیز در شرح آثار ابویوسف آورده که: آنچه از رسول خدا روایت شده ثابت می‌کند که جمع بین دو نماز تأخیر نماز اوّلی و تعجیل در نماز دومی است و بعد از ایشان هم اصحاب رسول خدا این چنین بین نمازها جمع می‌کردند و این کلام قول ابوحنیفه و ابویوسف و محمد رحمهم الله تعالی است[3].

و همچنین گفته شده که سعد ابن ابی وقاص و ابن عِمر در روایت

---

[1]. ابن الهمام، ج ۲، ص ۴۶۸.

[2]. محمد بن حسن الشیبانی، *الحجة علی اهل المدینه*، حیدر آباد هند، مطبعه المعارف الشرقیه، ج ۱، ۱۳۸۵ ق، ص ۱۵۹.

[3]. ابو جعفر احمد بن سلامه الازدی الطحاوی، *شرح معانی الآثار*، تحقیق: محمد زهری النجار، بیروت، دارالکتب العلمیه، الطبعه الثالثه، ج ۱، ۱۴۱۶ ق، ص ۱۶۶.

ابوداود،[۱] و نیز ابراهیم نخعی و أســود[۲]، و ابن قـدامه این قولِ عبدالله بن مسـعود را روایتی از ابن قاسـم مالکی دانسـته‌اند که وی آن را پسـندیده اسـت.[۳] و قول حسـن بصـری و یکی از اقوال ابن سـیرین که از خطابی و بغوی نقل شـده را کراهت تحریمی دانسـته‌اند.[۴] و ابن ابی شیبه[۵]، جابر ابن زید و عمرو بن دینار و ثوری و عمربن العزیز و سـالم و لیث بن سعد[۶]، و ابن عابدین این قول را به ام المومنین عائشه رضی‌الله عنها نسبت داده‌اند.[۷]

همچنین این قول را به امام بخاری هم نسـبت داده‌اند. شـیخ العینی در عمده القاری[۸] در زیر باب «تأخیر الظهر الی العصـر» آورده اسـت که این باب در بیان تأخیر نماز ظهر به اول وقت عصـر است و مراد این است که زمانی نماز ظهر تمام شـد، وقت نماز عصر وارد می‌شود و مراد این نیست

---

۱. الشـیبانی، ۱۳۸۵ ق، ج۱، ص۱۶۵. و، الصـنعانی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص۵۴۹ شـماره ۴۴۰۶. و، ابی محمد الحسـن بن افراء البغوی، شـرح *السنه*، تحقیق: شعیب الارناؤوط، المکتب الاسلامی، الثانیه، ج۴، ۱۴۰۳ ق، ص ۱۹۶. و، بهاءالدین ابی المحاسـن یوسف ابن شداد، *دلائل الأحکام*، تحقیق: محمد شیخانی و زیاد الدین الایوبی، دمشق، دارقتیبه، ۱۴۱۳ ق. ج ۲، ص۳۰۷، شماره ۲۸۰۳.

۲. الصـنعانی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۵۳۳ شـماره ۴۴۲۹ و ۴۴۲۵. و، ابوبکر، عبد الله بن محمد بن ابی شیبه، *المصـنف*، الریـاض، الرشـد، تحقیق: کمال الحوت، الطبعه الاولی، ج ۲، ۱۴۰۹ق، ص۴۵۸ و ۴۵۹. و، ابو یوسـف، یعقوب بن ابراهیم، *الآثار*، تحقیق: ابوالوفاء، حیدر آباد هند، احیاء المعارف النعمانیه، الطبعه الاولی، ۱۳۵۵ق، ص ۲۰.

۳. ابی محمد عبدالله ابن قدامه، *المغنی*، بیروت، دار الکتاب العربی، ج ۲، ۱۴۰۳ق، ص ۱۱۲.

۴. الصـنعانی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۵۵۳، شـماره ۴۴۲۶-۴۴۲۷. و، ابی شـیبه، ج ۲، ص۴۹۵. و، البغوی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۱۹۶. و، ابن سـلمان احمد بن محمد الخطابی، *معالم السـنن*، المکتب العلمیه، الطبعه الثانیه، ج ۱، ۱۴۰۱ق، ص۲۶۳. و، قاضی عیاض، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۳۵.

۵. ابی شـیبه، ج ۲، ۱۴۰۹، ص ۵۵۳، شماره ۴۴۲۸.

۶. العینی، ج۷، ص ۱۵۰. و، خلیل احمد السـهار نغوری، *بذل المجهود فی حل ابی داود*، بیروت، دارالکتب العلمیـه، [دون تـا]، ج ۶، ص ۲۸۳. و، محمـد زکریا الکاند هلوی، *اوجز المسـالک*، بیروت، دارالفکر، ج ۳، ۱۴۰۰ق، ص ۷۱.

۷. محمدامین ابن عابدین، *حاشیه ابن عابدین*، بیروت، دارالفکر، الطبعه الثانیه، ج ۱، ۱۳۸۶ق، ص۳۸۲

۸. العینی، ج ۷، ص ۱۵۰.

که آن‌ها را در یک وقت جمع کرده است و امام بخاری را بر این رای دانسته است. و همچنین محمد انور کشمیری در شرح بخاری[۱] گفته که از امثال چنین لفظی این احساس می‌شود که امام بخاری در جمع، مسلک حنفیه را اختیار کرده است. ابن عابدین به خاطر آنچه از عائشه رضی‌الله‌عنها در مسانید آمده، استناد کرده که قائل به جمع صوری و مخالف جمع حقیقی بوده است. ابن ابی شیبه[۲] و امام احمد[۳] و طحاوی و ابویعلی[۴] با رجال ثقه[۵] همه ایشان از مغیره بن زیاد موصلی از عطا از عائشه نقل کرده‌اند که فرمود: **«أن النبی کان یؤخر الظهر و یعجّل العصر و یؤخر المغرب و یعجل العشاء فی السفر»** یعنی پیامبر ظهر را به تأخیر می‌انداخت و عصر را در اول وقت خود می‌خواند. و نماز مغرب را به تأخیر می‌انداخت و عشا را در اول وقت خود در سفر می‌خواند. پس ظاهر این حدیث با این لفظ می‌رساند که عائشه همان جمع صوری در سفر را گفته است و این موافق مذهب حنیفه است.

همچنین به دلایل دیگری در این مورد اشاره شده است. امام احمد،[۶]

---

[۱]. محمد انور، کشمیری، *فیض الباری شرح صحیح البخاری* (باب تأخیر الظهر الی العصر)، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۶ق.

[۲]. ابی شیبه، ج ۲، ص ۴۵۷.

[۳]. امام، احمد بن حنبل، مسند، بیروت، المکتب الاسلامی، الطبعه الثانیه، ۱۳۹۸ ق، ۱۳۵/۲.

[۴]. العسقلانی، *المطالب العالیه بزوائد المسانید الثمانیة*، تحقیق: ایمن علی و اشرف صلاح، القاهره، موسسه قرطبه، الطبعه الاولی، ج ۱، ۱۴۱۸ق، ص ۱۶۴.

[۵]. احمد بن ابی بکر بوصیری، *إتحاف الخیرة المهره بزوائد المسانید العشرة*، تحقیق: عادل سعد، الریاض، مکتبه الرشد، الطبعه الاولی، ج ۲، ۱۴۱۹ ق، ص ۴۷۴. – "ثقه" یعنی مورد اطمینان از نظر راست گویی.

[۶]. امام احمد، ۱۳۹۸ ق، ۹۲/۶.

ترمذی،[1] حاکم،[2] دارقطنی[3] و بیهقی[4] از طریق اسحاق بن عمر از عائشه نقل کرده‌اند که فرموده است: **«ما صلّی رسول الله ﷺ صلاة لوقتها الآخر حتی قبضهُ الله.»** یعنی، رسول خدا نماز را در وقت دیگر نخواند تا زمانیکه فوت کردند. و نیز دارقطنی[5] و حاکم[6] از ابی سلمه از عائشه آورده‌اند که فرموده است: **«ما رأیتُ رسول الله أخّر صلاة الی وقت الآخر حتی قبضه الله.»** یعنی، رسول خدا را ندیدم نماز را تا وقت دیگری به تأخیر اندازد تا فوت کردند. همچنین دار قطنی[7] از عمره از عائشه آورده که فرموده است: **«ما صلی رسول الله الصلاة لوقتها الآخر حتی قبضه الله عز وجل»** رسول خدا نماز را در وقت دیگری نخواند تا فوت کردند. حاکم[8] و بیهقی نیز با همان لفظ آورده‌اند.

لازم به ذکر است که ظاهراً حدیث آخری یعنی **«ما صلی رسول الله الصلاة لوقتها الآخر حتی قبضه الله عز وجل»** صحیح است، اما استدلال به آن در این مساله درست نیست. چون از ادلّه افضلیت نماز اول وقت است نه جمع بین دو نماز. اما با سند صحیح که عبدالرزاق در مصنفش[9] روایت کرده است از عائشه رضی‌الله‌عنها نقل شده که فرموده است: **«أنها کانت**

---

[1]. ابو عیسی محمد بن عیسی بن سوره ترمذی، *جامع الترمذی*، تحقیق، احمد شاکر، بیروت، داراحیاء التراث العربی، الطبعه الثانیه، ۱۴۰۳ق، ص ۱۷۴.

[2]. ابی عبد الله محمد الحاکم، *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۸ ق. ج ۱، ص ۱۹۰.

[3]. علی بن عمر الدار قطنی، *السنن الدار قطنی*، عالم الکتب، الطعبه الثانیه، ۱۴۰۳ق. ج ۱، ص ۲۹۴.

[4]. ابوبکر احمد بن حسین البیهقی، *السنن الکبری*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۴۳۵.

[5]. الدار قطنی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۹۴.

[6]. الحاکم، ۱۳۹۸ ق، ج ۱، ص ۱۹۰.

[7]. الدار قطنی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۹۴.

[8]. الحاکم، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۱۹۰.

[9]. الصنعانی، ۱۴۰۳ ج ۲، ص ۵۵۱.

تأمر النساء بالجمع بین الصلاتین فی السفر.» یعنی، زنان را در سفر به جمع نمازها امر می‌فرمود. به هر جهت، احادیثی که همگی از طریق مغیرة بن زیاد موصلی از عطا از عائشه نقل شده‌اند و نقل از مغیرة بن زیاد هم ضعیف می‌باشد[1]. اما احادیث سری دوم از طریق اسحاق بن عمر از عائشه رضی‌الله‌عنها نقل شده‌اند که وی عائشه رضی‌الله‌عنها را ندیده و گفته شده نامعلوم است[2]. و احادیث سری سوم که ابی سلمه از عائشه رضی‌الله‌عنها نقل کرده واقدی در اسنادش است و ایشان هم ضعیف و کذاب و واضع حدیث و متروک است[3]. و احادیثی که عمره از عائشه نقل کرده است، معلی بن عبدالرحمن در اسنادش آورده است که دار قطنی او را ضعیف کذاب و حاکم او را متروک حدیث خوانده‌اند[4].

منشأ نسبت منع جمع به جابر بن زید و عمر بن دینار از ظن غالب گرفته شده است و رد است. مسلم[5] و بیهقی[6] در ادامه حدیث آورده‌اند که: **«قلت (عمروبن دینار): یا أبا الشعثاء (جابر بن زید): و أنا أظنّ ذلک».** عمروبن دینار گفت ای جابر بن زید من فکر می‌کنم ظهر را به تأخیر انداخت و عصر را در اول وقت خود خواند و مغرب را هم به تأخیر انداخت و عشا را در اول وقت خود خواند. جابر بن زید هم فرمود: من هم چنین فکر می‌کنم و احتمال می‌دهم.

---

[1]. شمس الدین ابو عبدالله محمد الذهبی، *میزان الاعتدال*، تحقیق: علی محمد، بیروت، دارالمعرفه، ج ۴، ۱۳۸۲ ق، ط: الاولی، ص ۱۶۰.

[2]. جمال الدین ابی محمد عبدالله الزیلعی، *نصب الرایه*، المکتبه الاسلامیه، الطبعه الثانیه، ج ۱، ۱۳۹۳ق، ص ۲۴۴.

[3]. الذهبی، ۱۳۸۲ق، ج ۳، ص ۶۶۳

[4]. همان، ج ۴، ص ۱۴۹.

[5]. مسلم، ۷۰۵.

[6]. البیهقی، ج ۳، ص ۱۶۷.

منشأ نسبت منع جمع به سعد بن ابی وقاص و ابن عمر که در کتاب دلائل الاحکام ابن شداد آمده رد است و همچنین ابن منذر[۱] نیز از آن‌ها و صاحب معالم السنن[۲] و شرح السنه[۳] از سعد بن ابی وقاص قول به عدم قبولی جمع را روایت کرده‌اند. اما بیهقی[۴] در سنن خود و ابن قدامه[۵] نیز در مغنی قول به جمَع نمازها را در سفر از ایشان روایت کرده‌اند که صحیح تر است. بیهقی گفته است: ما جمع نمازها را در سفر از سعد بن ابی وقاص و ابن عمر روایت کردیم.[۶]

از جمله مخالفان دیگری که نقل کرده‌اند ابن سیرین است که ابن حجر در فتح الباری[۷] می‌گوید که نظرش جواز جمع حقیقی است به شرطی که عادت همیشگی خود قرار ندهد و نووی نیز در شرح مسلم[۸] نقل کرده است. اما شوکانی[۹] و مغربی[۱۰] گفته‌اند از ایشان دو قول صوری و حقیقی آمده است.

همچنین منع جمع را از ثوری و سالم و لیث بن سعد و عمربن العزیز

---

[۱] ابوبکر محمد ابن المنذر، *الاوسط*، تحقیق: صغیر احمد، السعودیه، دارالطبیه، ج ۲، ص۴۲۷، شماره ۱۱۵۲.

[۲] الخطابی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۲۲۸.

[۳] البغوی، ج ۴، ص ۱۹۶. و، ج ۳، ص ۱۵۹.

[۴] البیهقی، ۱۴۱۷ ق، ص ۷۲.

[۵] ابن قدامه، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۱۲.

[۶] . ابوبکر احمد بن الحسین البیهقی، *معرفه السنن و الاثار*، حلب، دارالوعی، تحقیق: قلعجی، ج ۲، ۱۴۱۱ق، ص ۶۸

[۷] العسقلانی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۲۴.

[۸] نووی، ج ۵، ص ۲۱۹، شماره ۷۰۶/۵۸.

[۹] محمد بن علی شوکانی، *نیل الاوطار*، دارالجیل، ۱۹۷۳م، ج ۳، ص ۲۶۴.

[۱۰] حسین بن محمد المغربی، *بدر التمام*، مصر؛ دار الوفاء، الطبعة الأولی، ۱۴۲۵، ص ۳۳۴.

حکایت کرده‌اند. اما در واقع آنچه از نقل ثوری صحت دارد جواز جمع تقدیم و تأخیر در سفر است و نصی از او درباره جمع در حضر یافت نشده است[1]. و آنچه در شرح زرقانی[2] و مدونه[3] و مصنف عبدالرزاق[4] از سالم آورده‌اند جواز جمع با عذر سفر است. بغوی در شرح السنه[5] گفته است: اهل علم در جمع ظهر و عصر و مغرب و عشا در سفر در وقت دیگری اختلاف دارند اما بسیاری از اهل علم قایل به جواز آن هستند و این قول سالم بن عبدالله است. و ابن عبدالبر در التمهید[6] جمع را در شب بارانی از سالم نقل کرده است و در معالم السنن[7] و شرح العینی[8] هم به آن اشاره شده است. قول مشهور از عمربن عبدالعزیز هم جواز جمع حتی در باران و گل و تاریکی نیز هست که امام نووی[9]، خطابی[10]، ابن تیمیه[11]،

---

[1]. الکاندهلوی، ۱۴۰۰ق، ج ۳، ص ۷۱.
[2]. الزرقانی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۲۹۵.
[3]. [امام] مالک ابن انس، *المدونه الکبری*، دارالفکر، ط: الثانیه، ج ۱، ۱۴۰۰ق، ص ۱۱۲.
[4]. الصنعانی، ج ۲، ص ۵۵۰.
[5]. البغوی، ج ۴، ص ۱۹۵.
[6]. ابن عبدالبر، ۱۳۸۷، ج ۱۲، ص ۲۱۲.
[7]. خطابی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۲۶۳.
[8]. العینی، بدرالدین، *شرح سنن ابی داود*، تحقیق: خالد بن إبراهیم المصری أبو المنذر، [دون تا]، ج ۵، ص ۶۸.
[9]. نووی، ج ۴، ص ۳۸۴.
[10]. الخطابی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۲۶۴.
[11]. ابن تیمیه، ۱۳۹۸ ق، ج ۲۴، ص ۸۲.

العینی[1]، بیهقی[2]، سحنون[3]، ابن منذر[4] و ابن عبدالبر[5] نقل کرده‌اند. و اینکه منع مطلق جمع، قول لیث بن سعد باشد باز بنا به دلایلی نمی‌تواند درست باشد:

اول به دلیل اینکه، نص نامه لیث به امام مالک[6] در منع جمع با عذر باران است که برای اثبات مخالف بودنش با جمع به آن استناد می‌کنند. اما در واقع از مفهومش جواز جمع در سفر فهمیده می‌شود. دوم اینکه خیلی از علما به صراحت این مورد را آورده‌اند که با جواز جمع در سفر و در باران مخالف بوده است از جمله ابن حزم در المحلی[7] و ابن منذر در الاوسط[8] گفته‌اند: لیث جمع در غیر سفر را انکار کرده است. جز اینکه ابن عبدالبر[9] جمع به سبب مریضی را از لیث نقل کرده‌اند. و در نهایت اینکه خیلی از فقها جمع در سفر را از لیث نقل کرده‌اند، از جمله حافظ عراقی[10] و شوکانی[11].

---

[1]. العینی، ج ۵، ص ۷۷.
[2]. البیهقی، ج ۴، ص ۳۰۱
[3]. امام مالک، ج ۱، ص ۱۱۵.
[4]. ابن المنذر، *الاوسط*، ج ۲، ص ۴۳۲.
[5]. یوسف بن عبدالله ابن عبدالبر، *الاستذکار*، بیروت، دارالکتب العلمیه، الطبعه الاولی، ج ۱۲، ۱۴۰۳ق، ص۲۱۱.
[6]. ابی عبدالله محمد بن ابوبکر، ابن قیم، *اعلام الموقعین*، تحقیق: طه عبد الروف، بیروت، دارالجیل، ج ۳، ص ۸۳.
[7]. ابی محمد علی، ابن حزم، *المحلی*، تحقیق: احمد شاکر، مصر، دارآفاق، [دون تا]، ج ۳، ص ۱۷۲.
[8]. ابن المنذر، الاوسط، ج ۲، ص ۴۳۲.
[9]. ابن عبدالبر، التمهید، ج ۱۲، ص ۲۱۳.
[10]. ابی الفضل زین الدین عبدالرحیم حافظ العراقی، *طرح التثریب فی شرح التقریب*، ج ۳، بیروت، داراحیاء التراث العربی، [دون تا]، ص ۱۲۶.
[11]. محمد بن علی الشوکانی، *نیل الأوطار*، بیروت، *دار الجیل*، ۱۹۷۳م، ج ۳، ص ۲۱۳.

ابن قاسم مالکی را نیز از جمله مخالفان جمع دانسته‌اند. از جمله ابن قدامه در المغنی[۱] و باجی در المنتقی[۲] قول او را در جمع نماز مانند حنفیه می‌دانند و قاضی عیاض[۳] بعد از نقل کراهت از حسن و ابن سیرین می‌گوید مانند آن‌ها از مالکی هم روایت شده است. اما گفتن اینکه ابن قاسم مالکی مخالف مطلق جمع بوده، اشتباه است چون خود فقهایی که این مورد را نقل کرده‌اند در ادامه‌اش هم منع در حضر بدون عذر مریضی را آورده‌اند که این قول مالکیه است یعنی اگر در حضر هم قایل به جمع با عذر مریضی بوده در سفر هم به طریق اولی قایل بدان بوده است.

۲-۲-۱- اسباب جمع نماز به طور کلی:

در اینجا لازم است که به تعاریف مفاهیم علت و سبب اشاره گردد. علّت وصف ظاهر و منضبطی است که حکم را معرفی می‌کند و می‌شناساند.[۴] و سبب چیزی است که شارع آن را معرّفی برای یک حکم شرعی قرار داده است، به گونه‌ای که این حکم در هنگام وجود آن سبب، ایجاد و در هنگام عدم آن، منعدم می‌گردد.[۵]

مذاهب اربعه اهل سنت، جز مذهب حنفیه، به آن قایلند که بنا بر اسبابی جایز است که بین نماز ظهر و عصر و بین مغرب و عشا، تقدیماً و

---

[۱]. ابن قدامه، ۱۴۰۳ق، ص ۱۱۲.
[۲]. الباجی، ۱۳۳۱ق، ج ۱، ص ۲۵۷.
[۳]. قاضی عیاض، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۳۵.
[۴]. محمد حسن هیتو، *الوجیز فی اصول التشریع الاسلامی*، دمشق، مؤسسه الرساله، الطبع الأولی، ۱۹۸۲م، ص ۳۹۲.
[۵]. جلالی زاده، ۱۳۸۷، صص ۱۴۵و ۱۶۱.

تأخیراً جمع کرد، بدین گونه که نماز ظهر را با عصر در وقت ظهر یا عصر و نماز مغرب را با عشا در وقت مغرب یا عشا بگذارند، از جمله این اسباب: سفر، مرض یا بیماری، بارندگی، سایر اسباب (حاجت و نیاز و...) می‌باشد.

۲-۲-۲- جواز جمع نمازها به سبب عذر و منع آن در غیر حالت عذر:

مالکیه، اختلاف آراء شدیدی در مورد نسبت دادن جمع نماز دارند، در سفر یکبار منع جمع تقدیم و یکبار هم منع جمع تأخیر را نسبت داده‌اند. و در حضر و اقامت بعضی گفته‌اند که مالکیه جمع را در حضر جز در مسجد نبیﷺ جایز نمی‌دانند و بعضی نیز نقل کرده‌اند که مالکیه جمع را به طور مطلق یعنی بدون هیچ قید و شرطی جایز می‌دانند. به طور تفصیل باید گفت که علامه کشمیری گفته: مالکیه تصریح کرده‌اند که فقط جمع در تأخیر فعلی یعنی صوری و در تقدیم وقتی است[1]. شوکانی نیز روایتی از امام مالک در جواز جمع تأخیر غیر از تقدیم را ذکر کرده‌اند[2]. اما این دو قول همچنان که معلوم است متناقض هستند. نتیجه و حاصل قولشان عدم مشروعیت جمع به طور مطلق یا مشروعیت جمع به طور تقدیم و تأخیر است. راجع به اولی به طور قطع امام مالک چنین چیزی را قایل نبوده و گرنه امام محمد حسن شیبانی که موافق نظرشان بود در کتاب الحجه خود به عنوان کسان دیگری که قایل به این قول هستند نقل می‌کرد. اما دومی

---

[1]. کشمیری، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۴۰۰.

[2]. الشوکانی، ۱۹۷۳م، ج ۳، ص ۲۶۲.

روایت اهل مدینه از امام مالک است همچنانکه ابن رشد گفته است[۱]. زیاد بن عبدالرحمن معروف به شَبطون از امام مالک روایت کرده که در شب بارانی بین نمازها جمع نمی‌شود مگر در مسجد نبی به خاطر فضیلتش[۲]. امین سندی از امام مالک جواز مطلق جمع را بدون عذر و حاجت نقل کرده است. منشاء این قول روایت ابن وهب از امام مالک است که گفته: آخر وقت ظهر و عصر تا غروب خورشید است[۳].

قاضی عیاض گفته که او از امام مالک جز یک مساله و آن جمع مغرب و عشا در باران چیزی را نشنیده است[۴]. ابن عبدالبر بعد از نقل روایتش می‌گوید: این نزد اصحاب ما برای ضرورت است چون پیامبر نمازها را در سفر در یکی از وقتها به خاطر ضرورت سفر جمع کرده است[۵]. اما روایت زیاد بن عبدالرحمن از مالک که پیامبر در حضر جز در مسجد نبی جمع نمی‌کرد، روایتی شاذّ[۶] است. همچنانکه قاضی عیاض و مازری و... گفته‌اند[۷]. اما قول کشمیری که مذهب امام مالک جمع را در تقدیم وقتی نه در تأخیر مشروع می‌داند، از قول امام مالک در مدونه گرفته شده است که

---

[۱]. ابن عبدالبر، ۱۳۸۷، ج ۱۲، ص ۲۱۱.

[۲]. معین بن محمد امین السندی، *دراسات اللبیب*، پاکستان، لجنة احیاء الادب السندی، الطبعه الاول، ۱۹۵۷ م، ص ۲۸۷.

[۳]. ابن عبدالبر، ۱۳۸۷، ج ۳، ص۲۷۷.

[۴]. ابو افضل بن موسی قاضی عیاض، *ترتیب المدارک و تقریب المسالک*، تحقیق: احمد بکیر، بیروت، مکتبه الحیاة، ج ۱، ۱۳۸۷ق، ص ۴۲۲.

[۵]. ابن عبدالبر، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۲۷۷.

[۶]. به روایتی گفته می‌شود که تنها دارای یک سند و راویان آن ثقه باشند، اما از جهت متن مخالف روایتی است که مشهور آن را نقل کرده‌اند. به آن روایت نادر نیز می‌گویند.

[۷]. قاضی عیاض، ج ۳، ص ۳۰. و، محمد بن عمر المازری، *شرح التلقین*، المغرب، دارالمغرب الاسلامی، الطبعه الولی، ۱۹۹۷م، ج ۲، ص ۸۳۸.

فرموده: آنچه نزد من محبوب است این است که بین ظهر و عصر در آخر وقت ظهر و اول وقت عصر جمع شود به این صورت که ظهر در آخر وقتش و عصر را در اول وقتش بخواند مگر اینکه بعد از زوال حرکت کند در این صورت اشکالی ندارد اگر نمازها را در آن ساعت در آن مکان قبل از حرکت جمع کند و مغرب و عشا را در آخر وقت مغرب قبل از اینکه شفق تمام شود بخواند و اگر شفق غروب کرد، عشا را بخواند[1]. و همچنین قیروانی نقل کرده که اگر حرکت کرده، نمازها را در آخر وقت ظهر و اول عصر جمع کند و به همین صورت مغرب و عشا را بخواند. اما اگر در وقت نماز اولی خواستند بروند در آن هنگام جمع تقدیم می‌کنند[2]. و همچنین آمده است که اگر مسافری که وقت ظهر فرا رسیده و در حال رفتن است و نیت کرده که وقت اصفرار یا قبلش توقف کند ظهر را به تأخیر اندازد و با عصر به صورت جمع تأخیر بخواند[3]. خلاصه اینکه روایت ابن قاسم از مالک جمع تأخیر در سفر و روایت اهل مدینه از امام مالک تساوی جمع تقدیم و تأخیر است.

نزد امام شافعی و شافعیه جواز جمع تقدیم و تأخیر در سفر ثابت است. ابن ابی حاتم رازی از ابن عبد الأعلی روایت کرده است که از امام شافعی در مورد جمع نمازها در سفر سؤال کرد و فرمود: هر طوری که انجام می‌دهی به صورت تقدیم یا تأخیر جایز است اگر خواستی در وقت

---

[1]. [امام] مالک، المدونه، ج ۱، ص ۱۱۱.

[2]. صالح عبدالسمیع الازهری، *الثمر الدانی شرح رساله القیروانی*، بیروت، دارلکتب العلمیه، ص ۱۹۳.

[3]. وهبه الزحیلی، *الفقه الاسلامی و ادله*، دمشق، دارالفکر، ج ۲، ۲۰۰۶م، ص ۳۵۲.

اول جمع کن و اگر خواستی در وقت دیگر جمع کن[۱].

اما در نوع سفر اختلاف است که کوتاه یا طولانی باشد. قول راجح نزد شافعیه منع جمع در سفر کوتاه است یعنی کمتر از سفر قصر و بیش از چند نفر از علمای شارح منهاج این قول را آورده و این هم خود مشروعیت جمع در سفر را می‌رساند و در قول قدیمش جمع در سفر کوتاه هم بوده است[۲]. امام شافعی جمع در حضر را با عذر باران جایز می‌دانند[۳]. جصاص جواز جمع با عذر مریضی را به امام شافعی نسبت داده است و این از امام شافعی نقل نشده و قول معتمد در مذهب برخلاف آن است[۴]. ابو شعیب جمع با عذر باران را فقط در مسجد النبی به شافعیه نسبت داده است و این روایت شاذّ است[۵].

درباره‌ی حنابله، آنچه ابو داود از امام احمد نقل کرده مشروعیت جمع در حضر با عذر باران و مریضی است[۶] و قول مشهور نزد ایشان جواز جمع در سفر کوتاه است[۷].

بنابراین، مذهب جمهور علما بر این است که، مشروعیت جمع بین نمازها به سبب عذری است و در عذری‌های مباح کننده‌ی جمع هم

---

[۱]. البیهقی، *السنن*، ج ۳، ص ۱۵۹. و، ابی زکریا یحیی النووی، *المجموع*، مصر، ج ۴، ۱۳۴۴ق، ص ۳۷۰.
[۲]. امام ابی عبدالله محمد بن ادریس شافعی، *الام*، بیروت، دارالفکر، الطبعه الخیره، ج ۱، ۱۴۰۴ق. و، محمد بن محمد الغزالی، *الوسیط*، تحقیق: احمد محمود، دارالسلام، ج ۳، ۱۴۱۷. و، محمد بن ابی العباس الرملی، *نهایه المحتاج*، دارالفکر، الطبعه: الثانی، ج ۲، ۱۴۰۴ق، ص ۲۷۳.
[۳]. همان، ج ۱، ص ۹۶.
[۴]. ابی بکر احمد علی الجصاص، *احکام القرآن*، وزاره الاوقاف الاسلامیه، ج ۲، ۱۳۳۵ق، ص۲۷۵.
[۵]. الحافظ ابی شعیب الدکالی، عبدالله الجراوی، المحدث، ص ۲۱.
[۶]. السجستانی، ابی داود، *مسائل الامام احمد*، تحقیق: محمد رشید رضا، دارالمعرفه. ج ۳، ص۱۷۷. و، ابن قدامه، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۱۷.
[۷]. ابن تیمیه، ۱۳۹۸، ج ۲۴، ص ۲۶.

اختلاف است. اما برای مشروعیت جمع بین نمازها در حضر به دو دسته دلایل استناد شده است: اول، حدیث نبوی؛ دوم، اقوال و افعال صحابه.

ادلّه‌ی اوّل - حدیث نبوی ﷺ

احادیث زیادی درباره‌ی جمع بین نمازها در حضر وارد شده است که مشهورترینشان حدیث ابن عباس است و در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم.

نخست: طرق حدیث ابن عباس

اول، از نه طریق به صورت‌های زیر با لفظ **"غیر خوف و لا سفر"** از ابن زبیر از سعید بن جبیر از ابن عباس آمده است که؛

۱- از طریق مالک از ابن زبیر مکی از سعید بن جبیر از عبدالله بن عباس: **«صلی رسول الله الظهر و العصر جمیعاً و المغرب و العشاء جمیعاً فی غیر خوف و لا سفر.»**[۱] یعنی، رسول خدا نماز ظهر و عصر، مغرب و عشا را در غیر خوف و سفر به صورت جمع خواند.

۲- از طریق زهیر بن معاویه از ابن زبیر و از سعید و از ابن عباس، با اضافه کردن **"بالمدینه"** و این که ابو زبیر از سعید پرسیده است که چرا آن را انجام داد؟ گفت: منم آنچه را که پرسیدی از ابن عباس پرسیدم فرمود: **«اراد ان لا یحرج احداً من أمته.»** یعنی، پیامبر خواست تا کسی از امتش در حرج و سختی قرار نگیرد. که ایشان هم در غیر خوف و سفر را از ابن عباس نقل کرده است.[۲]

---

[۱]. مسلم، صحیح، ۴۹/۷۰۵. ابو داود، سلیمان بن اشعث، سنن ابوداود، تحقیق محمد محی الدین، بیروت المکتبه العصری، ۱۳۰۶، شماره ۱۲۱۰. و، ابو عبدالرحمن احمد، النسائی، *السنن الکبری*، تحقیق: حسن عبدالمنعم، ۱۵۷۳.

[۲]. مسلم، صحیح، ۵۰/۷۰۵. و، البیهقی، ۱۴۲۴، ۱۶۶/۳. و، بغوی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۱۹۸، شماره ۱۰۴۴. و، [امام] احمد، مسند، ۲۸۳/۱ و ۴۳۹.

۳- از طریق سفیان ثوری هم با لفظ "**بالمدینه من غیر خوف و لاسفر**" آمده است.[1] امام احمد با لفظ دیگری هم از سفیان روایت کرده است. با لفظ "**صلیت مع النبی ثمانیاً جمیعاً و سبعاً جمیعاً، قلت لا بن عباس: لم فعل ذلک؟** قال: **اراد ان لا یحرج امته**" یعنی همراه پیامبر هشت رکعت و هفت رکعت را به صورت جمع خواندم، به ابن عباس گفتم چرا آن را انجام داد؟ گفت: تا امتش در حرج قرار نگیرد. از طریق سفیان ثوری بالفظ "**فی غیر مطر و لا خوف**" هم آمده است اما ابو حاتم و دارقطنی در سند این را ضعیف دانسته‌اند.[2]

٤- از طریق عبدالله بن مبارک در الاوسط ابن المنذر هم آمده است.[3]

٥- داود بن ابی هند، با لفظ "**ان رسول الله جمع بین المغرب و العشاء و ما بین الظهر و العصر من غیر خوف و لا سفر**"، بیان کرده است. یعنی، رسول خدا بین ظهر و عصر را در غیر خوف و سفر جمع کرد. و مسلم بن خالد الزنجی که از داود نقل کرده، کثیر الأوهام است.[4]

٦- از طریق حماد بن سلمه از ابن زبیر با لفظ "**فی غیر خوف و لاسفر**" آمده است اما لفظ "**المغرب و العشاء**" و "**بالمدینه**" را افزوده است.[5]

---

[1]. الصنعانی، ۱۴۰۲، ۵۵۵/۲ و ۴۴۳۵. و، عبدالبر، ۱۳۸۷، شماره‌های ۲۱۴/۱۲ و ۲۱۵.و، احمد، مسند، ۲۸۳/۱. و، سلیمان ابن احمد الطبرانی، *المعجم الکبیر*، القاهره، مکتبه ابن تیمیه، الطبع الثانیه، ۱۴۱۵ق، شماره ۷۴/۱۲.

[2]. ابو نعیم، *الحلیه الاولیاء*، مصر، السعاده، ج ۷، ۱۳۹۴ق، ص ۸۸.

[3]. ابن المنذر، الاوسط، ج ۲، ص ۴۳۳.

[4]. عمر بن احمد ابن شاهین، *ناسخ الحدیث و منسوخه*، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۰ق. ۲۴۲.

[5]. البیهقی، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۱۶۶.

۷- از طریق سفیان بن عینیه با همان لفظ مالک از ابن زبیر آمده است[1].

۸- از طریق هشام بن سعد با همان لفظ مالک از ابی زبیر آمده است.[2]

۹- از طریق قره بن خالد با همان لفظ از ابن زبیر با لفظ **"فی سفره سافرها الی تبوک"** آمده است.[3]

اما همین روایت از طریق أعمش از حبیب بن ابی ثابت از ابن جبیر با لفظ "من غیر خوف و لا مطر" یعنی به جای لفظ سفر، مطر آمده است که فرموده است: **«جمع رسول الله بین الظهر و العصر و المغرب و العشاء بالمدینه من غیر خوف و لا مطر، قلت لا بن عباس: لم فعل ذلک؟ قال: کی لا یحرج أمته.»**[4] یعنی، رسول خدا نماز ظهر و عصر، مغرب و عشا را در غیر خوف و باران جمع کرد، به ابن عباس گفتم چرا آن را انجام داد؟ فرمود: تا امتش دچار حرج نشوند.

ابن رجب در فتح الباری گفته: در اسناد و لفظ این حدیث از طریق اعمش اختلاف زیادی است. بسیاری از اصحاب اعمش گفته‌اند **«من غیر خوف و لا مطر»** و بعضی گفته‌اند **«من غیر خوف و لا ضرر»** و بعضی گفته‌اند **«و لا عذر»**. و بزار و ابن عبدالبر گفته‌اند که: لفظ **«المطر»** را فقط حبیب نقل

---

[1]. امام محمد بن ادریس الشافعی، *السنن المأثوره*، روایه ابی جعفر الطحاوی الحنفی، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ ق، شماره ۲۴. و، ابن المنذر، الاوسط، ج ۲، ص ۴۳۳، شماره، ۱۱۵۹. و، ابویعلی، ۱۴۰۴، ۲۴۰۱. و، البیهقی، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۱۶۶.

[2]. البیهقی، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۱۶۶. الطبرانی، الکبیر، ۱۴۱۵، ج ۱۲، ص ۷۴.

[3]. البیهقی، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۱۶۷. و، مسلم، ۴۹۰/۱. الطبرانی، الکبیر، ۱۴۱۵، ج ۱۲، ص ۷۵.

[4]. مسلم، صحیح، ۵۴/۷۰۵. ابو داود، ۱۳۰۶، شماره ۱۲۱۱. و، الترمذی، محمد بن عیسی، سنن، مصر المکتبه مصطفی البابی الحلبی، تحقیق: احمد شاکر و عبد الباقی، الطبعه الثانیه، ۱۳۹۵ق، ۳۵۵/۱. و، البیهقی، ۱۴۲۴، ۱۶۷/۳. و، احمد، مسند، ۳۵۴/۱.

کرده است و غیر از او کسی ذکر نکرده است.[۱] ابو عبیده گفته است: جمهور اصحاب أعمش با لفظ **"من غیر خوف و لا مطر"** روایت کرده‌اند، از جمله: ابومعاویه محمد بن خازم الضریر[۲]، وکیع بن الجراح[۳]، فضیل بن موسی[۴]، عثام بن علی بن هجیر[۵] و سفیان ثوری. که در نقل از سفیان ثوری اختلاف است با لفظ **«فی غیر مطر و لا خوف»** از طریق اسماعیل بن عمرو بن نجیح از سفیان روایت کرده که ابوحاتم و دارقطنی روایت اسماعیل را ضعیف دانسته‌اند[۶]. و از طریق اسحاق بن راهویه از سعد بن سعید جرجانی از سفیان از اعمش از حبیب از ابن جبیر از ابن عباس نیز با لفظ **«من غیر خوف و لا مطر»** آمده است[۷].

دوم، طریق دیگر از ابن عباس، طریق جابر بن زید (ابوشعثاء) است. قتاده از جابر بن زید از ابن عباس با لفظ: **«جمع رسول الله بین الظهر و العصر و المغرب و العشاء بالمدینه فی غیر خوف و لا مطر، قیل لا بن عباس، و ما أراد لغیر ذلک؟ قال: أراد أن لا یحرج امته.»**[۸] یعنی، رسول خدا نماز

---

[۱]. عبدالرحمن بن احمد حنبلی ابن رجب، *فتح الباری*، تحقیق: محمد عوض، المدینه، مکتبه الغرباء، الطبعه الاولی، ج ۴، ، ۱۴۱۷ق، ص ۲۶۱.

[۲]. مسلم، صحیح، ۵۴/۱۷۰۵. و، ابوداود، ۱۳۰۶، ۱۲۱۱. و، الترمذی، ۱۳۹۵، ۱۸۷. و، البیهقی، ۱۴۲۴، ۱۶۷/۳. و، احمد، مسند، ۲۵۴/۱.

[۳]. مسلم، صحیح، ۵۴-۷۰۵. ابن امنذر، *الاوسط*، ج ۲، ص ۴۳۲- ۴۳۳، شماره ۱۱۵۸. و، البیهقی، ۱۴۲۴، ۱۶۷/۳.

[۴]. ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب النسائی، السنن الصغری، ریاض؛ دارالسلام، ج ۱، ۱۴۰۲ق، ص ۲۹۰.

[۵]. ابوعوانه، یعقوب بن اسحاق الاسفرائنی، مسند، بیروت، دارالمعرفه، ج ۲، ۱۴۱۰ق، ص ۳۵۳.

[۶]. ابونعیم، ۱۳۹۴ق، ج ۷، ص ۸۸. و، ابن الحجر، احمد بن علی، اللسان، بیروت، دارالفکر، ج ۱، ص ۴۲۶.

[۷]. ابوالقاسم حمزه بن یوسف السهمی الجرجانی، *تاریخ جرجان*، تحقیق: محمدعبدالمعیدخان، بیروت، عالم الکتب، الطبعه الرابعه، ۱۴۰۷ق، ص ۱۶۰، شماره ۱۸۱.

[۸]. الامام احمد، ابوعبدالله احمد ابن حنبل، *المسند*، ریاض، موسسه الرساله، الطبعه الاولی، ج ۳، ۱۴۲۱ق، ص ۴۲۱، شماره ۱۹۵۳.

ظهر و عصر و مغرب و عشا را در مدینه بدون خوف و باران جمع کرد، به ابن عباس گفته شد به چه قصدی آن را انجام داد؟ گفت تا امتش در حرج قرار نگیرند. در شرح این حدیث احمد شاکر گفته است که قسمت **"ما اراد لغیر ذلک"** معنی ندارد و بهتر است برای موافقت با روایت مسلم حذف شود[1]. آلبانی گفته است: اسنادش بر طبق شرط شیخین صحیح است و جابر بن زید همان ابو شعثاء است[2].

عمر بن دینار از جابر با لفظ **"ان النبی صلی بالمدینه سبعا و ثمانیا الظهر و العصر و المغرب و العشاء"** آورده است[3]. **و در آخر روایت آمده که "قلت یا ابا الشعثاء اظنه اخر الظهر و عجل العصر و اخر المغرب و عجل العشاء، فقال: و انا اظن ذلک"**[4].

ابن عبدالبر فرموده است که روایت مالک صحیح است و اسنادش نزد اهل حدیث و فقه قویتر و اولی است. همچنین آلبانی فرموده است که تقدیم روایت ابن زبیر بر روایت حبیب بن ابی ثابت هیچ دلیلی ندارد چون حبیب بن ابی ثابت از رجال صحیحین است پس ارجحیت دارد، در حالی که از ابن زبیر تنها مسلم نقل کرده است. و همچنین ابن زبیر از سعید بن جبیر در متن متفاوت نقل کرده است، در روایتی آن را در سفر دانسته و در روایتی هم آن را در مدینه دانسته است[5]. اما در مجموع چون هر دو روایت صحیح هستند قایل به جمع آن‌ها هستیم یعنی در غیر خوف و سفر مطرح بوده است.

---

[1]. احمد، محمد شاکر، شرح *مسند الامام احمد*، [دون تا]، ۲۹۲/۳.

[2]. محمد ناصر الالبانی، *ارواء الغلیل*، تحقیق: الشاویش، بیروت، المکتب الاسلامی، ۱۴۰۵، شماره ۵۷۹.

[3]. بخاری، ۵۴۳ و، مسلم، ۴۹۱/۱. و، ابو داود، ۱۲۱۴. و، نسائی، ۲۸۶/۱.

[4]. مسلم، صحیح، ۵۵/۷۰۵

[5]. ابن عبدالبر، ۱۳۸۷، ج ۱۲، ص ۲۱۴.

سوم، طریق صالح مولی التوأمه از ابن عباس است که فرموده: "**جمع رسول الله بین الظهر و العصر و المغرب و العشاء فی المدینه من غیر خوف و لا مطر." قال: و قیل لا بن عباس: لم فعل ذلک، قال: أراد التوسعة علی أمته.»**[1]

آلبانی این حدیث را حسن دانسته است[2]. احتمال دارد که روایت‌های قبلی درست‌تر باشند چون گفته شده که لفظ مدینه به معنای غیر سفر است. همچنان که ابن تیمه گفته است: "بالمدینه" دلالت می‌کند که ایشان در سفر نبوده‌اند. پس قول «**جمع بالمدینه من غیر خوف و لا مطر**» هم اولی و قابل قبول در جمع در حضر است[3].

چهارم، و همچنین از طریق عبدالله بن شقیق از ابن عباس نقل شده است که ابن عباس در بصره بعد از عصر تا غروب خورشید برای ما خطبه داد و ستاره‌ها پدیدار شدند و مردم می‌گفتند: نماز، نماز. ابن عباس فرمود: آیا شما سنت را به من یاد می‌دهید؟ بعد فرمود: **رأیت رسول الله جمع بین الظهر و العصر و المغرب و العشاء.** یعنی، رسول خدا را دیدم که نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را جمع کرد. عبدالله بن شقیق گفت: از گفته‌ی ایشان شبهه‌ای در دلم به وجود آمد لذا از ابوهریره پرسیدم، که سخن ایشان را تصدیق کرد[4]. در این رابطه، آلبانی فرموده است: ظاهراً درست این است

---

[1]. الامام احمد، ۱۴۲۱، ۳۴۶/۱. و، الصنعانی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۵۵۵، رقم ۴۴۳۴. الطبرانی، الکبیر، ۱۴۱۵، ج ۱۰، ص۳۹۷، رقم ۱۰۸۰۲- ۱۰۸۰۴.

[2]. همان، رقم ۵۷۹.

[3]. تقی الدین ابوالعباس احمد ابن تیمیه، *مجموع الرسائل و المسائل*، تحقیق: محمد رشید رضا، لجنه التراث العربی، ج ۲، ص ۳۵.

[4]. مسلم، صحیح، ۴۹۱/۱- ۷۰۵ و ۵۸. امام احمد، ۱۴۲۱، ۳۵۱/۱.

که در حضر بوده است و گرنه مردم اعتراض نمی‌کردند. و بر ایشان دلیل نمی‌آورد و روایت بالمدینه هم آن را تأیید و در آن مورد صراحت دارد. و همچنین روایت بعدی هم آن را تأیید می‌کند.[1]

پنجم، از طریق عکرمه از ابن عباس نیز آمده که فرموده است: «**صلی رسول الله فیَ المدینه مقیماً غیر مسافر سبعاً و ثمانیاً**»[2]. یعنی، رسول خدا در مدینه هنگامی که مقیم بود نمازها را به صورت هفت رکعت و هشت رکعت خواند. و اسنادش صحیح است هر چند ابو حاتم[3]، محمد بن عثمان جمحی قرشی را ضعیف دانسته است اما ابن حبان او را در الثقات[4] آورده و از روایان بخاری در الکبیر است[5] و احمد شاکر در شرح مسند آن را ثقه دانسته است[6]. اما به گفته‌ی حافظ مزی در التهذیب الکمال، ضعفش در روایتی است که ابراهیم بن حکم راوی آن است[7].

ششم، از طریق طاوس از ابن عباس آمده که فرموده است: «**أن رسول الله جمع بین الظهر و العصر و المغرب و العشاء فی السفر و الحضر**»[8]. رسول

---

[1]. الألبانی، ۱۴۰۵، رقم ۵۷۹.

[2]. محمدبن اسماعیل بخاری، *التاریخ الکبیر*، تحقیق: محمدعبدالمعیدخان، الهند، حیدرآباد، دائره المعارف العثمانیه، رقم، ۵۴۹.

[3]. ابو محمد عبدالرحمن ابن ابوحاتم، *الجرح و التعدیل*، بیروت، داراحیاءالتراث العربی، ج ۸، ۱۳۷۱ق، ص ۲۴، رقم ۱۰۸.

[4]. ابن حبان، محمدبن حبان، *الثقات*، تحقیق: محمدالمعیدخان، الهند الدکن، حیدرآباد، دائره المعارف العثمانیه، ج ۷، ۱۳۹۳، ص ۴۲۴، رقم ۱۰۷۲۶.

[5]. همان، ج ۱، ص ۱۸۰.

[6]. شاکر، شرح *مسندالامام احمد*، ج ۳، ص ۲۸۳.

[7]. یوسف بن عبدالرحمن حافظ المزی، *تهذیب الکمال*، تحقیق: بشار عواد معروف، بیروت، الرساله، الطبعه الاولی، ج ۲۶، ۱۴۰۰ق، ص ۸۴، شماره ۵۴۵۶.

[8]. همان، ۱۳۴/۵ و ۳۳۹۷.

خدا نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را در سفر و حضر جمع کرد. و احمد شاکر آن را صحیح دانسته است.

هفتم، از طریق مجاهد از ابن عباس روایت شده است که: **«جمع رسول الله فی الحضر و السفر بین الظهر و العصر و المغرب و العشاء»**[1]. یعنی، رسول خدا در حضر و سفر نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را جمع کرد. اما از راویان این روایت، لیث بن ابی سلیم می‌باشد که وی از کسانی است که در روایتش اختلاف است به نحوی که ابن حجر در تقریب التهذیب وی را صدوق،[2] ولی یحیی و نسائی او را ضعیف دانسته‌اند[3].

هشتم، عمار دهنی از سعید بن جبیر از ابن عباس روایت کرده که فرموده است: **«صلی النبی ثمانیاً و سبعاً و هو مقیم بالمدینه.»**[4] یعنی، پیامبر هشت رکعت و هفت رکعت خواند در حالی که در مدینه مقیم بود. و طبرانی با لفظ **«ثمانیاً جمیعاً و سبعاً جمیعاً مقیماً فی غیر سفر فقلت: این کان قال: بالمدینه»**[5] روایت کرده است. یعنی پیامبر هشت رکعت و هفت رکعت را به صورت جمع خواند در حالی که مقیم و در غیر سفر بود. گفتم: در کجا بود: گفت: در مدینه. در مورد این روایت آلبانی گفته که

---

1. اسحاق بن ابراهیم بن راهویه، *المسند*، تحقیق: محمدمختار، دارالکتاب العربی، ط الاولی، ۱۴۲۳ق، رقم ۹۱۰.
2. احمد بن علی ابن حجر العسقلانی، *تقریب التهذیب*، سوریا، دارالرشید، الطبعه الإولی، تحقیق: محمد عوامه، ج ۱، ۱۴۰۶ق، ص ۴۶۴، رقم، ۵۶۸۵
3. النهبی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص۳۸۷، رقم ۷۳۸.
4. ابوسعید محمد بن زیاد ابن الأعرابی، *المعجم*، تحقیق: عبدالمحسن بن ابراهیم السعودیه، دارابن الجوزی، الطبعه الاولی، ج ۱، ۱۴۱۸ق، ص ۳۸۷، رقم ۷۳۸.
5. سلیمان بن احمد الطبرانی، *المعجم الاوسط*، تحقیق: طارق بن عوض الله، القاهره، دارالحرمین، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۱۷۶، رقم ۲۳۵۸.

اسناد آن ضعیف است.[1] اما دار قطنی در المؤتلف گفته است ابن حنین که از راویان آن است همان محمد بن موسی بوده و ثقه است[2].

نهم، از طریق عطا از ابن عباس آمده که فرموده است: «**ان النبی جمع بین الظهر و العصر و المغرب و العشاء فی غیر مطر ولامرض ولاسفر**» یعنی، پیامبر بین نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را بدون باران و مریضی و سفر جمع کرد. اسناد این روایت ضعیف است چون عمر بن حفص مجهول، عنعنه بن جریح و عبدالرحمن بن زید از راویان آن ضعیف هستند[3]. و روایت عطاء که از یزید بن ابی زیاد[4] و از طریق دیگر از حجاج بن رشدین آمده نیز ضعیف است.[5]

و در روایتی از طریق دیگر از عطا از ابن عباس آمده که فرموده است: «**أنّ رسول الله کان یجمع بین المغرب و العشاء فی السفر من غیر أن یعجله شیء و لا یطلبه عدو، و لا یخاف شیئاً.**»[6] یعنی، رسول خدا مغرب و عشا را در سفر بدون آن که عجله داشته باشد و یا دنبال دشمن باشد یا از چیزی بترسد جمع می‌کرد. اما اسناد این روایت ضعیف می‌باشد، چون راوی آن ابراهیم بن اسماعیل انصاری است.[7]

---

[1]. الألبانی، ۱۴۰۵، ۵۷۹.

[2]. همان، ص۹۵۷ .

[3]. ابن الاعرابی، ۱۴۱۸، رقم ۱۲۶۰. و، أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، *فتح الباری شرح صحیح البخاری*، الناشر: دار المعرفة، بیروت، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۲۶۳.

[4]. ابو علی، الطوسی، مختصر *الاحکام*، مکتبه الغرباء، الطبعه الاولی، تحقیق: انیس بن احمد، ج ۱، ۱۴۱۹ق، ص ۴۵۸.

[5]. ابن المقری، *المعجم*، تحقیق: عادل بن سعد، الریاض، مکتبه الرشد، الطبعه الاولی، ۱۴۱۹ق.

[6]. محمد بن یزید ابن ماجه القزوینی، *السنن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1359 ق، رقم ۱۰۶۹. و، الصنعانی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۵۴۸، رقم ۴۴۰۴.

[7]. العسقلانی، ۱۴۰۶ق، ص ۸۷، رقم ۱۴۶.

دوم: طرق حدیث جابر بن عبدالله

بعد از طرق حدیث ابن عباس، **لازم اســت طرق حدیث جابر بن عبدالله نقل شود که خود شاهدی بر حدیث ابن عباس هم است:**

۱- از طریق محمد بن منکدر از جابر روایت شده که گفته است: **«جمع رسول الله بین الظهر و العصر و المغرب و العشاء بالمدینه للرُّخص من غیر خوف و لا عله.»**[۱] یعنی، رسول خدا نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را در مدینه به دلیل رخصــتی غیر از خوف و ســببی جمع کرد. به گفته‌ی آلبانی کلاً رجالش ثقه‌های رجال بخاری هســتند غیر از ربیع بن یحیی أشنانی که در مورد آن اختلاف است[۲]. ابو حاتم گفته که ثقه است هم چنانکه از او در الجرح روایت شده و اما با وجود این گفته شده که بعداً این را گفته که «انه باطل عندی» اما این اشــتباه است.[۳] و ابن حبان در الثقات او را آورده است و گفته ابن قانع، ضــعیف دانســته است و دارقطنی نیز اضافه کرده که قوی نیســت و خطای بسیار دارد[۴]. امام ذهبی آن را مبالغه دانسته و راویان آن را ثقه می‌داند[۵].

۲- از طریق ابن زبیر از جابر روایت شده است که: **«ان النبی جمع بین الظهر و العصــر و المغرب و العشاء من غیر خوف و لاعله و لامطر.»**[۶] یعنی،

---

[۱]. ابن عبدالبر، ۱۳۸۷، ج ۱۲، ص ۲۱۷.

[۲]. الألبانی، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۳۸، رقم ۵۸۰.

[۳]. ابو حاتم، ۱۳۷۱ق، ج ۳، ص ۴۷۱، رقم ۲۱۰۶.

[۴]. ابن حبان، ۱۳۹۳ق، ج ۸، ص ۲۴۰، رقم ۱۳۲۱۸.

[۵]. شــمس الدین ابو عبد الله محمد الذهبی، *الســیر*، تحقیق: جماعه من الباحثین، موســه الرســاله الطبعه الاولی، ج ۱۰، ۱۴۰۲ق، ص۴۵۲- ۴۵۳.

[۶]. علی ابوالقاسم، *تاریخ ابن عساکر*، تحقیق: عمروبن غرامه، دمشق، دارالفکر، ج ۶۲، ۱۴۱۵ق، ص ۳۱.

پیامبر نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را بدون خوف، علت و باران جمع کرد.

۳- از طریق عمرو بن دینار از جابر روایت شده است که: **«صلّینا مع رسول الله ثمانیاً جمیعاً و سبعاً جمیعاً یعنی الظهر و العصر و المغرب و العشاء»**[1] یعنی، همراه رسول خدا هشت رکعت و هفت رکعت نماز را به صورت جمع خواندیم یعنی ظهر و عصر و مغرب و عشا.

سوم: طریق حدیث عبدالرحمن بن علقمه ثقفی

از طریق یحیی بن هانی از عبدالملک بن محمد کوفی از عبدالرحمن ثقفی آمده که فرموده است: **"أن وفد ثقیف قدموا علی رسول الله فأهدوا إلیه هدیه، فقال أصدقه ام هدیه؟ فإن الصدقه یبتغی بها وجه الله و إن الهدیه یبتغی بها وجه الله و قضاء الحاجه فسألوه فمازالوا یسالونه حتی ما صلوا الظهر الا مع العصر.»**[2] یعنی، گروهی خدمت رسول خدا آمدند به ایشان صلی الله علیه و سلم هدیه‌ای دادند فرمود: صدقه است یا هدیه؟ همانا صدقه با دادنش شایسته رضای خدا است و هدیه رضای خدا و قضای حاجتی به دنبال دارد، همینطوری ادامه داشت و سوال می‌پرسیدند تا اینکه نماز ظهر را نخواندیم تا با عصر جمع کردیم. و نیز از طریق ابوبکر ابن عیاش از یحیی بن هانیء از عبدالرحمن ثقفی، مانند آن لفظ روایت شده است.[3]

---

[1]. ابوالحسن محمد ابن جمیع، *معجم الشیوخ*، تحقیق: عمر عبدالسلام، بیروت، الرساله، الطبعه الاولی، ۱۴۰۵ق، ص ۳۲۱، رقم ۲۹۱.

[2]. ابی داود الطیالسی، مسند، تحقیق: محمد عبدالمحسن الترکی ، مصر، دارهجر، الطبعه الاولی، ج ۲، ۱۴۱۹ق، ص ۶۷۱ رقم ۱۴۳۳. و، حافظ ابن حجر العسقلانی. *المطالب العالیه بزوائد المسانید الثمانیه*، تحقیق: سعدبن ناصر، السعودیه، دارالعاصمه، الطبعه الاولی، ج ۳، ۱۴۱۹ق، ص ۲۱۸، رقم، ۲۷۷.

[3]. النسائی، ۱۴۰۶ق، ۶۵۵۷ و، ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹ق. و، البخاری، تاریخ الکبری، ج ۵، ص ۲۵۱.

گفته شده که حدیث روایت شده توسط عبدالرحمن ثقفی به دلایل زیر معلول است[1]:

۱- اینکه عبدالملک بن محمد کوفی از عبدالرحمن بن علقمه ثقفی شنیده باشد، نامشخص است.[2]

۲- در صحابه بودن عبدالرحمن بن علقمه ثقفی شک است[3].

۳- عبدالملک بن محمد بن بشیر کوفی که از عبدالرحمن آن حدیث را روایت کرده، مجهول است.[4]

٤- ابو حذیفه هم که آن را از عبدالملک روایت کرده، نامعلوم است. و ابن رجب هم به نقل از دار قطنی آن دو را نامعلوم دانسته است.[5]

اما دلایلی نیز بر عدم معلول بودن وجود دارد که به ترتیب به صورت زیر می‌باشد:

نخست، شرط تحقق لقاء بین معنعن و معنعن عنه شرط اصلی صحت حدیث بخاری است و اشتباه است که این شرط در اینجا به کار گرفته شود، بلکه تنها در جامع صحیح بوده است و بیشتر معلول بودن احادیث در تاریخش تنها به همین سبب بوده است.[6] و این احادیثی که امام بخاری به خاطر عدم این شرط آن‌ها را معلول دانسته امام مسلم این شرط را رد

---

[1]. ابی جعفر بن عمرو العقیلی مکی، *الضعفاء الکبیر*، تحقیق: قلعجی، دارالکتب العلمیه، الطبعه الاولی، ج ۳، ۱۴۰۴ق، ص ۳۳. و، البخاری، تاریخ الکبری، ج ۵، ص ۲۵۱.

[2]. حافظ ابن حجر العسقلانی، *النکت علی کتاب ابن الصلاح*، الجامعة الإسلامیة، ج ۲، ۱۴۰۴، ص ۵۹۵.

[3]. ابن عمر بن یوسف ابن عبدالبر، *الاستیعاب فی معرفه الاصحاب*، قاهره، ۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۴۱۶.

۴. ذهبی، محمد بن احمد، *المغنی فی الضعفاء*، تحقیق، نورالدین عتر، [دون تا].

[5]. ابن رجب، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۲۶۴.

[6]. همان، ج ۲، ص ۵۹۵

دانسته است.[1] از قوّت قول ایشان کبّار حفاظ زیادی پیروی کرده‌اند مانند نووی، ابن حجر، و ذهبی....

دوم، ابن ابی حاتم در الجرح و التعدیل و ابن حبان در الثقات و ابن حجر در الاصابه، عبدالرحمن بن علقمه ثقفی را صحابه دانسته‌اند.[2]

سوم، حافظ المزی در تهذیب الکمال، عبدالملک بن محمد بن بشیر کوفی را مجهول ندانسته است.[3] و،

چهارم، شیخ مزی اسناد روایت ابو حذیفه را صحیح و ذهبی ان را حسن دانسته است.[4]

چهارم: طریق حدیث عبدالله بن مسعود

از طریق عبدالله بن عبدالقدوس از اعمش از عبدالرحمن بن نروان از ابن مسعود آمده که فرموده است: «**جمع رسول الله بین الظهر و العصر و بین المغرب و العشاء فقیل له، فقال: صنعته لئلا تکون أمتی فی حرج.**»[5] یعنی، رسول خدا نماز ظهر را با عصر و مغرب را با عشا جمع کرد و فرمود: تا امتم در حرج قرار نگیرد.

ابن معین، نسائی، ابوداود و دارقطنی راوی این حدیث، عبدالله بن

---

[1]. الامام مسلم، منهجه فی الصحیح، ج ۲، صص ۵۱۵- ۵۲۱.

[2]. ابن حجر العسقلانی، *الإصابة فی تمییز الصحابة*، بیروت: دارالکتب العلمیة، ج ۲، ۱۴۱۵، ص ۴۱۲.

[3]. المزی، ۱۴۰۰، ج ۱۸، ص ۳۹۹.

[4]. همان، ج ۳۳، ص ۲۳۰. و، یوسف بن عبدالرحمن حافظ مزی، *تحفه الاشراف بمعرفه الاطراف*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ج۷، ۱۴۲۰ق، ص۲۰۴. و، الذهبی، المغنی فی الضعفاء، ج ۲، ص ۷۵۱.

[5]. الطبرانی، المعجم الکبیر، ۱۴۱۵، ج ۱۰، ص ۲۶۹، رقم ۱۰۵۲۵. و، الطبرانی، المعجم الاوسط، ج ۵ ۱۴۱۵، ص ۷۲، رقم ۱۴۳۰.

عبدالقدوس، و این روایت را ضعیف دانسته‌اند[1] و آلبانی در سلسله الضعیفه آورده است[2] و از ابن مسعود، نفی جمع جز در عرفه و مزدلفه روایت شده است. اما ابن حبان وی را ثقه و هیثمی در تعلیقی بر آن گفته که آن را از أعمش روایت کرده و ثقه است.[3] امام بخاری نیز او را صدوق دانسته است. به هر حال اگرچه ضعیف بودنش قابل انکار نیست اما نهایت قولی که در مورد این راوی هست صدوق است.

پنجم: طریق حدیث عبدالله بن عمر

۱- از طریق یزید بن زریع از کثیر بن قاروندا و به قول طبرانی: "ابن قنبر" آمده است که گفت: از سالم بن عبدالله در مورد نماز پدرش (عبدالله بن عمر) در سفر پرسیدیم، از پدرش خبر داد که گفته است: **قال رسول الله صلی الله علیه و سلم: إذا حضر احدکم الأمر یخشی فوته فلیصل هذه الصلاه، ای الجمع بین الصلاتین.**[4] یعنی، رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمود: اگر کاری برای شما پیش آمد که ترس فوت و قضای نماز داشتید نمازها را اینطوری یعنی به صورت جمع بخوانید. آلبانی در السلسله الصحیحه اسنادش را حسن و رجالش را ثقه و معروف دانسته است جز کثیر بن قاروندا.[5] ابن حبان او را در ثقاتش آورده و ابن حجر در تقریب او

---

[1]. ابو حاتم، ۱۳۷۱ق، ج ۵، ص ۱۰۴. و، ابن حجر، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۷۸، رقم ۲۷۴.

[2]. محمد ناصر الألبانی، *السلسله الضعیفه*، الریاض، دارالمعارف، الطبعه الاولی، ۱۴۱۲.

[3]. ابوالحسن نور الدین علی الهیثمی، مجمع الزوائد، تحقیق: حافظ حکمی، الطائف، مکتبه القدس، ج ۲، ۱۴۱۲، ص ۱۶۱.

[4]. النسائی، ج ۱، ص۲۸۵. الطبرانی، المعجم الکبیر، ۱۴۱۵، ج ۱۲، ص ۳۱۹، رقم ۱۳۲۲۳.

[5]. محمد ناصر الألبانی، *السلسله الصحیحه*، الریاض، مکتبه المعارف، الطبعه الاولی، ج ۳، ۱۴۱۵ق، ص ۳۵۸، رقم ۱۳۷۰.

را مقبول دانسته است[1].

۲- از طریق عمرو بن شعیب از عبدالله بن عمر که گفته: **قال عبدالله:جمع لنا رسول الله مقیماً غیر مسافر بین الظهر و العصر و المغرب و العشاء، فقال رجل لابن عمر: لم تر النبی فعل ذلک؟ قال: لأن لایحرج امته إن جمع رجل**[2]. یعنی، رسول خدا در حالی که مقیم بود بین نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را جمع کرد، مردی به ابن عمر گفت: چرا آن را انجام داد؟ گفت: تا امتش در حرج قرار نگیرند و اگر کسی جمع کرد (دلیل شرعی داشته باشد و جایز باشد). راجع به این طریق گفته‌اند که چون ابن جریج و عمرو بن شعیب نیز که ابن عمر را ندیده است و شاید از پدرش شنیده، از راویان آن هستند، ضعیف است.[3]

۳- از طریق نافع از ابن عمر آمده است که: "کان رسول الله إذا جد به السیر (او اجد به السیر) جمع بین المغرب و العشاء."[4] یعنی، رسول خدا اگر برای رفتن به سفری عجله داشت بین نماز مغرب و عشا را جمع می‌کرد. و طرق دیگری از نافع از ابن عمر در دارقطنی و... این روایت را تایید می‌کنند.[5]

٤- در روایتی از طریق ابی تمیله از ابوسفیان جعفربن ابی جعفر از نافع از ابن عمر آمده، اما ضعیف است[6] چون در سندش جعفر بن ابی جعفر

---

[1]. ابن حبان، ۱۳۹۳، ج ۷، ص ۳۵۳، رقم ۱۰۴۱۰. ابن حجر، ۱۴۰۶، ص ۴۶۰، رقم ۵۶۲۲.
[2]. الصنعانی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۵۵۶، رقم ۴۴۳۷.
[3]. المزی، ۱۴۰۰، ج ۲۲، صص ۷۲- ۷۳.
[4]. ابن حبان، ، ۱۳۷۲، ص ۴۰۰. و، الصنعانی، ۱۴۰۳، ص ۵۰۲، ۴۴۰۲.
[5]. علی بن عمر الدار قطنی، *الموتلف و المختلف*، تحقیق: موفق بن عبدالله، دارالغرب، ج ۱، ۱۴۰۶، صص۳۹۱ و ۳۹۳. و، الامام احمد، مسند، ۸۰/۲. البیهقی، السنن، ۱۵۹/۳. و، الترمذی، سنن، ۵۵۵.
[6]. العسقلانی، *لسان المیزان*، ۱۳۲۹، رقم ۵۵۷. و، الألبانی، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۳۹.

است که همان أشجعی، ابن میسره است. او گفته است که ما در مدینه در شب تاریک بارانی نماز مغرب و عشا را جمع کردیم فردایش از نافع در مورد آن پرسیدم، گفت: از عبدالله ابن عمر شنیدم که فرمود: **"کان رسول الله اذا کانت لیله بارده او مطیره او مظلمه جمع بین هاتین الصلاتین"**[1] یعنی، رسول خدا اگر شب سرد یا بارانی یا تاریک بود این دو نماز (مغرب و عشا) را جمع می‌کرد.

ششم: طریق حدیث ابی هریره

از طریق اعرج از ابی هریره روایت شده است که: **«جمع رسول الله بین الصلاتین فی المدینه من غیر خوف»**.[2] یعنی، رسول خدا بین دو نماز را در مدینه بدون وجود خوف جمع کرد.

این حدیث ضعفش شدید است، چون هیثمی در مجمع الزوائد عثمان بن خالد که از راویان حدیث است را ضعیف دانسته است[3]. بخاری و ابو حاتم هم او را منکر حدیث خوانده‌اند و حاکم و ابو نعیم گفته‌اند: از مالک احادیث موضوعه ساخته است. و ابن عدی گفته که همه احادیثش غیر محفوظ است.[4] در حالی که این حدیث **«یجمع بین الظهر و العصر فی**

---

[1]. ابوبکر احمد الخطیب، *موضح اوهام الجمع و التفریق*، تحقیق: قلعجی، بیروت، دارالمعرفه، الطبعه الاولی، ۱۴۰۷ق، رقم ۱۱۱.

[2]. ابوبکر احمد البزار، *مسند البزار*، تحقیق: محفوظ الرحمن زین‌الله، بیروت، دارالمعرفه، الطبعه الاولی، ۲۰۰۹م، ۸۸۷۵.

[3]. الهیثمی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۶۱.

[4]. البخاری، *الضعفاء الصغیر*، تحقیق: بن ابی العینین، مکتبه ابن عباس، الطبعه الاولی، ۱۴۲۶ق. و، ابن ابو حاتم، ۱۳۷۱، ج ۶ ص ۱۴۹. و، الذهبی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۳۳. ابونعیم، *الضعفاء*، تحقیق: فاروق حماده دارالثقافه، الطبعه الاول ، ۱۴۰۵ق، ص ۱۵۵. و، عبدالله ابن عدی، *الکامل*، تحقیق قراءه و تدقیق و یحیی مختار غزاوی، بیروت، ۱۴۰۹، ج ۵ ، ص ۱۸۲۲.

سفره الی تبوک» که امام مالک از داودبن حصین از اعرج از ابی هریره آورده محفوظ است[۱]. اما بر آن هم اختلاف است و بیشتر محدثین حدیث اعرج از ابی هریره را مرسل دانسته‌اند و اعرج همان عبدالرحمان بن هرمز مولی ربیعه بن حرث تابعی متوفی ۱۱۷ است[۲].

همچنین در حدیث قبلی بیان نشده بود که جمع در حضر یا سفر بوده است اما در حدیث ابن عباس که گذشت، از طریق عبدالله بن شقیق در صحیح مسلم آمده است که ابن شقیق از آنچه ابن عباس در مورد جمع نماز در حضر فرموده بود شبهه‌ای یا چیزی در دلش به وجود آمده بود بعد از ابوهریره می‌پرسد ایشان هم حرف ابن عباس را تصدیق می‌کنند. پس آنچه از ابوهریره محفوظ است همان جمع در حضر است.

هفتم: طریق حدیث ابی جحیفه وهب بن عبدالله سوائی

از طریق ابی الاسحاق از ابی جحیفة آمده که گفته است: **«جمع النبی بالمدینه من غیر خوف و لا مطر بین الظهر و العصر و المغرب و العشاء»**[۳] یعنی، پیامبر در مدینه بدون وجود خوف و باران بین نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را جمع کرد. ابو اسحاق همان عمرو بن عبدالله سبیعی است.

هشتم: طریق حدیث سعد بن عائذ قرظ

از طریق عمر و عمار فرزندان حفص بن عمر بن سعد از پدران و

---

[۱]. [امام] مالک، *موطا*، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۴۳.

[۲]. [امام] احمد بن حنبل، *العلل و معرفه الرجال*، تحقیق: وصی الله عباس، الهند، الدارالسلفیه، الطبعه الاولی، ۱۴۰۸ق. و، الدارقطنی، *العلل*، تحقیق: محفوظ زین الله السلفی، الریاض، دارطیبه، الطبعه الاولی، ۱۴۰۵ق. و، ابن عبدالبر، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۳۳۷.

[۳]. احمد بن عیسی بن زید، *امالی (رأب الصدع)*، المحقق: علی بن إسماعیل بن عبدالله المؤید، دار النفائس، الطبعة :الأولی، ج ۱، ۱۹۹۰، ص ۳۷۶، رقم ۵۷۵

اجدادشان از سعد قرظ آورده‌اند که: «**ان النبی کان یجمع بین الصلاتین بین المغرب و العشاء فی المطر.**[1]» یعنی، پیامبر بین نماز مغرب و عشا را در باران جمع می‌کرد. که اسنادش ضعیف است به خاطر ضعف عبدالرحمن بن عمار بن سعد بن عائذ قرظ[2].

نهم: طریق حدیث معاذ بن جبل

از طریق ابی طفیل از معاذ آمده است که: «**ان النبی جمع بین الظهر و العصر و المغرب و العشاء بالمدینه.**[3]» یعنی، پیامبر نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را در مدینه جمع کرد.

در روایتی دیگر در ادامه آن عبارت "**من غیر سفر و لامطر**" نیز آمده است.[4] در مجموع از ابی زبیر از ابی طفیل از معاذ در بیشتر روایت‌هایش با این اسناد آمده که جمع در غزوه تبوک بوده است.[5].

دهم: طرق حدیث علی بن ابی طالب و یا حسین بن علی بن ابی طالب

از طریق مالک بن انس از جعفر بن محمد از پدرش از جدش (اسفل یا اعلا) آمده که فرموده است: "**جمع رسول الله بین الظهر و العصر فی المدینه فصلی اربعاً و بین المغرب و العشاء فصلی سبعاً. قال مالک: فی لیله**

---

[1]. الطبرانی، ۱۴۱۵ق، المعجم الکبیر. و، ابونعیم أحمد بن عبد الله الأصبهانی، *معرفه الصحابه*، تحقیق: عادل العزازی، الریاض: دار الوطن للنشر، ط الأولی ۱۴۱۹ هـ

[2]. الهیثمی، ۱۴۱۲ق، مجمع الزوائد، ۳۳۶/۱. و، العسقلانی، ۱۳۷۹، ۲۶۸/۴.

[3]. ابن الأعرابی، ۱۴۱۸ق، ص ۱۹۱.

[4]. ابو شیخ، ابی محمد عبدالله بن جبان، *طبقات المحدثین باصبهان*، تحقیق: عبدالغفور البلوعی، موسسه الرساله، ۱۴۰۷، ۵۲۳/۳- ۸۶۰

[5]. ابوسعید ابن شاش، مسند *الشاشی*، تحقیق: محفوظ زین الله، المدینه، مکتبه العلوم و الحکم، الطبعه الاولی، ۱۴۱۰ق، ۱۳۳۸. الاصبهانی، ۱۳۹۴ق، ۸۸/۷ ابن عبدالبر، ۱۳۸۷، ۱۹۳/۲. و، مسلم، صحیح، ۵۲/۷۰۶.

مطیره."[1] احمد الغماری در "ازاله الخطر" گفته است: سندش بدون اشکال است و به عنوان دلیل به آن استناد می‌شود. اسحاق بن خالد البالسی در سند است که ابن حبان در "الثقات" نام وی را آورده و درباره‌ی حفص بن عمر العدنی نیز جماعت محدثین او را ثقه دانسته‌اند و دیگران گفته‌اند در ایشان ضعف است[2]. اما باید گفت که این طریق از اخطلات‌های العدنی است و ابن حبان در "المجروحین" گفته است که از مالک و اهل مدینه روایت کرده و سندها را دگرگون کرده و احتجاج به آن جایز نیست اگر فقط از ایشان روایت شده باشد[3]. و نکته مهم دیگر اینکه بین محمد بن علی بن حسین و جدش حسین بن علی یا جد اعلایش علی بن ابی طالب منقطع است و از ایشان نشنیده است[4].

ادلّه‌ی دوم - اقوال و افعال صحابه:

ادله اول برای جواز جمع نمازها در حضر به خاطر عذر، حدیث نبوی بود که بحث شد. اما ادله دوّم، اقوال و افعال صحابه می‌باشد که جمهور علما برای مشروعیت جمع نمازها در حضر به افعال و اقوال آنها استناد کرده‌اند و از ابن عمر و فعل ابوبکر و عمر و عثمان و علی و... ثابت است:

الف- از صفوان ابن سلیم آمده است که: عمر بن خطاب رضی الله عنه بین ظهر و عصر در روز بارانی را جمع کرد.[5]

---

[1]. الخطیب البغدادی، *تاریخ بغداد*، تحقیق: مصطفی عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، الطبعه الاولی، ج ۵ ۱۴۱۷ق، ص ۳۱۹، رقم ۲۸۳۸.

[2]. ابی الفیض احمد بن محمد احمد الغماری، *ازاله الخطر*، مکتبة القاهرة، ۲۰۰۹، ص ۸۴.

[3]. أبو حاتم محمد ابن حبان، *المجروحین*، تحقیق: محمودابراهیم زاید، حلب، دارالوعی، الطبعه الاولی، ج ۱، ۱۳۹۶ق، ص ۲۵۷، رقم ۲۵۳.

[4]. حافظ المزی، ۱۴۰۰ق، ج ۷، ص ۴۲، رقم ۱۴۰۵.

[5]. الصنعانی، ۱۴۰۳، ۵۵۶/۲.

ب- از نافع که آلبانی آن را صحیح دانسته آمده است که عبدالله بن عمر، اگر امراء بین نماز مغرب و عشاء در باران جمع را می‌کردند، با آن‌ها جمع می‌کرد.[1]

ج- هم چنین از نافع از ابن عمر آمده است که: اگر شب بارانی می‌شد، امرایشان مغرب و عشاء را می‌خواندند قبل از این که شفق غروب کند. ابن عمر نیز با آن‌ها نماز می‌خواند و آن را عیب و ایراد نمی‌دانست و اسنادش صحیح است.[2] جمع عبدالله بن عمر با امراء ظاهرش مقتضی آن است که جمع در باران در حضر را می‌پسندیده است به همین خاطر با آن‌ها نماز را جمع می‌کرد و ظاهر این لفظ تکرار آن را می‌رساند.[3]

د- از هشام بن عروة آمده است که: ابان بن عثمان را دیدم که بین نمازهای مغرب و عشاء در شب بارانی را جمع می‌کند و عروة بن زبیر و ابو سلمه بن عبدالرحمن و ابوبکر بن عبدالرحمن همراه ایشان می‌خواندند و بر او ایراد نمی‌گرفتند. و در عصرشان کسی مخالف آن‌ها دیده نشده پس اجماع است.[4] و اسنادش صحیح است.

ه- سعید بن مسیب و مروان بن حکم و عمر و بن عبدالعزیز هم آن را انجام داده‌اند[5].

---

[1]. ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹، ۲۳۴/۲. و، الصنعانی، ۱۴۰۳، ۱۴۵/۱. [امام] مالک، *الموطا*، ۱۴۵/۱. البیهقی، ۱۴۲۴، ۱۶۸/۳. البیهقی، ۱۴۱۱ق. ابن المنذر، الأوسط، ۴۳۰/۲، رقم ۱۱۵۷. الألبانی، ۱۴۰۵، ۴۱/۳.

[2]. ابن المنذر، الاوسط، ۴۳۰/۲، رقم ۱۱۵۷.

[3]. الباجی، ۱۳۳۱ق، ۲۵۸/۱.

[4]. ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹، ۲۳۴/۲- ۲۳۵. و، ابی الطیب محمد، شرح *سنن ابی داود*، دارالفکر، الطبعه الثانیه، ۱۳۹۹ق. البیهقی، ۱۴۲۴، ۱۶۹/۳. بغوی، ۱۴۰۳ق، ۴/ ۱۹۸. ابن قدامه، ۱۴۰۳ق، ۲۷۴/۲. مالک بن انس، ۱۴۰۰ق، *المدونه*، ۱۱۰/۱. ابن عبدالبر، ۱۳۸۷، ۲۱۱/۱۲.

[5]. ابن منذر، الاوسط ۴۳۱/۲- ۴۳۲. ابن عبدالبر، ۱۳۸۷، ۲۱۱/۱۲.

اما در مجموع در مورد جمع نماز برای باران در حضر بین علما اختلاف است و جماعتی از سلف اجازه داده‌اند و از صحابه ثابت است. علاوه بر کسانی که نام برده شده عموم فقهاء مدینه و مالک و شافعی و احمد آن را جایز دانسته‌اند[1]. این آثار دلالت می‌کند که جمع در باران از اموری است که در زمان صحابه و تابعین خصوصاً در مدینه بوده است و از کسی از صحابه و تابعین نقل نشده است که آن را انکار کند. چنانکه ابن قیم نیز گفته است: اهل مدینه اگر بین مغرب و عشاء در شب بارانی جمع می‌کردند، ابن عمر همراه آن‌ها نماز می‌خواند و هم چنین مانند آن از ابن زبیر هم روایت شده است.[2]

همچنین از اوزاعی در مورد جمع نمازهای مغرب و عشاء در شب بارانی پرسیده شد که فرمود: اهل مدینه آن‌ها را جمع می‌کردند.[3] ابن عبدالبر نیز گفته که: جمع بین نمازها در شب بارانی از امور مشهور در مدینه بوده و به آن عمل می‌شده است.[4] لذا اگر اجماع عمل اهل مدینه از طریق نقل باشد مانند جمع بین نمازها در شب بارانی که جمهور از زمان پیامبر نقل کرده باشند، این نوعی حجت است و واجب است حجیت آن انکار نشود.[5]

اما در مورد جمع نماز ظهر و عصر در حضر با عذر مطر، ابن شاش فرموده است که قول منصوص از رسول الله در این مورد این است که

---

[1]. خطابی، ۱۴۰۱، ۲۶۴/۱. و، الألبانی، ۱۴۰۵، ۳/ ۴۰. و، ابن تیمیه، ۱۳۹۸، ۸۲/۲۴- ۸۳.
[2]. ابی عبدالله محمد محمد بن ابی بکر ابن قیم، *بدائع الفوائد*، دارالطبع، ۹۰/۴.
[3]. همان، ۴۳۲/۲.
[4]. ابن عبدالبر، ۱۴۰۳، ۳۱/۶.
[5]. قاضی عیاض، ۱۳۸۷، ۶۷/۱.

جمع در باران به مغرب و عشاء اختصاص دارد. در حالی که ابوالقاسم، ابن کاتب و قاضـی ابو ولید جمع نمازهای ظهر و عصر در باران را نیز از قول امام مالک دانسـته‌اند که امام مالک در موطا بعد از ذکر حدیث ابن عباس فرموده: «**اری ذلک فی المطر**» به نظر من آن در باران بوده اسـت.[۱] و مانند آن در الذخیره و تنویر المقاله و حاشـیه مدنی علی کنون نیز آمده و قاضی عیـاض در اکمـال المعلم و قرطبی در المفهم از عبـدالملک بن حبیب نقل کرده‌اند.[۲]

مالکیه و قولی از حنابله قایل بر عدم جواز جمع ظهر و عصـر با عذر باران هسـتند[۳]. قاضـی عیاضی گفته است که امام مالک در نمازهای روزانه قایل به آن نبود و حدیث را با نوعی از قیاس تخصـیص داده و آن این که جمع برای مشـقّتی اسـت برای حضـور در نماز جماعت و آن مشـقت در شب به مردم می‌رسد چون به رفتن از خانه هایشان به مساجد نیاز دارند و در روز مردم دنبال کارهایشـان می‌روند و مشقّتی در حضور نماز جماعت

---

[۱]. ابن شاش، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۵۰.

[۲]. ابن شـاش، *عقد الجواهر الثمینة*، تحقیق: محمد ابوالأجفان، دارالغرب الاسـلامی، ۱۴۱۵ق، ۱/ ۲۱۹. و، شهاب الدین احمد بن ادریس القرافی، *الذخیره*، تحقیق: محمد حجی، دارالمغرب الاسلامی، الطبعه الاولی، ۱۴۰۴ ق، ۳۷۴/۲. و، محمد بن ابراهیم التتائی، *تنویر المقاله*، تحقیق: محمد عایش بشـیر، الطبعه الاولی، ۱۴۰۹ق، ۳۲۲/۱. و، ابی عبـدالله محمـد المـدنی، *حـاشـیـه المـدنی علی کنون*، بولاق، الطبعه الامیریه، ۱۳۰۶ق، ۱۴۱/۲. و، قاضی عیاض، ۱۴۱۹ق، ۲/ ۳۶. و، ابی العباس احمد بن عمر القرطبی، *المفهم*، دار ابن کثیر، الطبعه الاولی، ۱۴۱۷ق، ۳۴۴/۲.

[۳]. امام مالک، ۱۴۰۰، ۱/ ۱۱۰. و، ابن عبدالبر، ۱۳۸۷، ۲۱۰/۱۲. و، قاضـی عیاض، ۱۴۱۹، ۳۰/۳. و، احمد الدردیر، *الشـرح الصـغیر*، تحقیق: محمد محی الدین، مصر، مطبعه المدنی، ۱۳۸۵ق، ۲۱۰/۱. و، ابو عبدالله محمد الخرشـی، *شـرح الخرشی علی مختصر خلیل*، مصر، المطبعه القاهره، الطبعه الاولی، ۱۳۱۶، ۴۲۴/۱. و، ابن قدامه، ۱۴۰۳، ۲۷۴/۲. و، ابن رجب، ۱۴۱۷ق، ۲۶۹/۴. ابن مفلح، الفروع، ۲/ ۶۸ المرداوی، ۱۳۷۴ق، ۳۳۷/۲.

ندارند.[1] و مازری سبب این اختلاف با امام شافعی را در قاعده اشتراک اوقات برای جمع می‌داند. و اشتراک ثابت بین ظهر و عصر مانند مغرب و عشاء است و باران در حق همه است و پس نباید بین آن دو وقت فرقی گذاشته شود. اما نظر امام مالک این است که تنها اشتراک سبب مباح بودن جمع نیست وَ بدون تحقّق عذر نمی‌توان جمع کرد و عذر فقط در نماز شب روی می‌دهد.[2]

به هر حال، ادله عدم جواز جمع ظهر و عصر در حضر با عذر مطر نزد مالکیه و بعضی از حنابله عبارتند از:

الف- سبب جمع فقط در مغرب و عشاء واقع می‌شود.

ب- ضعف حدیث ابن عمر که گفته پیامبرﷺ ظهر و عصر را به سبب باران جمع کرده است.

ج- به سبب عدم صحت قیاس که عشاء و مغرب مانند ظهر و عصر می‌باشد چون مشقّت در آن به سبب باران و تاریکی است.

شافعیه قایل به جواز جمع به سبب باران در ظهر و عصر نیز هستند و از حنابله قاضی و ابو خطاب و ابن تیمیه و طوخی در شرح خرقی آن را پسندیده‌اند.[3] تاج الدین سبکی در التوشیح علی التصحیح گفته است که مذهب ما (شافعی) در جمع باران با گنجایش ترین مذاهب است چون ما جمع بین ظهر و عصر و مغرب و عشاء را جایز می‌دانیم، در حالی که امام

---

[1]. قاضی عیاض، ۱۴۱۹، ۳۰/۳.

[2]. المازری، ۱۹۹۷، ۸۴۰/۲.

[3]. ابن تیمیه، *المجموع*، ۳۸۱/۴. و، احمد بن محمد المنقور النجدی، *الفواکه العدیده فی المسائل المفیده*، دمشق، المکتب الاسلامی، ۱۳۸۰ق، ۱۱۶/۱. و، ابو اسحاق برهان الدین ابراهیم ابن مفلح، *المبدع شرح المقنع*، الدمشق، المکتب الاسلامی، الطبعه الاولی، [دون تا].

مالک و امام احمد فقط در مغرب و عشاء و ابوحنیفه هم که به طور مطلق جمع را قبول ندارد.[۱]

تعداد اندکی از فقها و محدثین قایل به منع جمع در حضر به طور مطلق در هر حالی که عذری باشد یا عذری نباشد، هستند. اما جمهور اهل سنت مخالف جمع در حضر بدون عذر هستند و در صورت عذری مانند باران و مریضی و... اشکالی نمی‌بینند، از جمله آن گروه، امام ابن حزم امام فقها است که فرموده است: "**و اما فی غیر السفر فلا سبیلَ البَتَّةَ الی وُجود خبر فیه...**" یعنی، و اما در غیر سفر اصلا هیچ راهی و خبری در این مورد موجود نیست، که نماز عصر با ظهر تقدیم یا نماز ظهر تا وقت عصر به تأخیر انداخته شود و در وقت عصر خوانده شود و مغرب تا وقت عشا به تأخیر انداخته شود یا نماز عشا تقدیم شود پس هیچ مجوزی در این مورد نیست و اگر کسی جمع را بر اساس آن اخبار انجام دهد، "**فقد اقدمَ عَلی الکذب و مخالفه السنن الثابته**"، یعنی، بر اساس کذب و مخالفت سنن ثابت اقدام کرده است. ما جمع بین ظهر و عصر، مغرب و عشا را بدون ضرورت و عذر و بدون مخالفت با سنن انجام می‌دهیم اما به این صورت که نماز ظهر را همچنانکه پیامبر انجام داده به آخر وقتش به تأخیر می‌اندازیم و در وقتش می‌خوانیم و سلام می‌دهیم و اگر وقت عصر وارد شد برای عصر اذان داده و اقامه می‌شود و در وقتش نماز عصر را می‌خوانیم و به ترتیب برای مغرب و عشا این کار را انجام می‌دهیم. با این روش موافق همه احادیث و یقین حق عمل شده و در این صورت است

---

[۱]. عبدوهاب بن علی تاج الدین سبکی، *التوشیح علی التصحیح*، دارالکتب الظاهریه، [دون تا]، ص ۳۲.

که هر نمازی در وقت خود ادا شده است. ولله الحمد[1].

همچنین از داود[2] و خیلی از اصحاب داود[3] نقل شده است و از جمله قول ابن حزم را که بیان کردیم. امام ترمذی هم منع جمع جز در سفر و حج را نقل کرده است و فرموده‌اند: در عمل نزد اهل علم بین نمازها جز در سفر و عرفه جمع نمی‌شود[4]. خطابی[5] نیز از اوزاعی و اصحاب رأی، قول منع را روایت کرده است. بیهقی و حاکم[6] به نقل از اوزاعی آورده‌اند که گفته است، از پنج قول اهل عراق و از پنج قول اهل حجاز دوری کنید که از جمله یکی از پنج قول اهل حجاز را جمع نمازها بدون عذر نقل کرده است و گفته از آن دوری کنید. پس ظاهر نظرش مشروعیت جمع با وجود عذر است، اما اینکه آیا باران را عذر می‌دانسته یا نه جای پرسش و مورد اختلاف بوده است. ابن منذر در الاوسط[7] گفته است که ایشان آن را به عنوان عذر معتبر نمی‌داند اما ابن رجب در فتح الباری[8] تصریح کرده که ایشان آن را معتبر می‌دانسته است.

این قول منع جمع نماز از لیث بن سعد هم آمده که از نامه ایشان به

---

[1]. ابن حزم، *المحلی*، ج ۳، ص ۱۷۱. و، ج ۲، ص ۲۰۵.

[2]. ابی الخطاب محفوظ بن أحمد الکَلْوَذانی الحنبلی، *الانتصار فی المسائل الکبار*، تحقیق: سلیمان بن عبدالله العمیر، ریاض: مکتبه العبیکان، ۱۴۱۳ق، ص ۵۴۹.

[3]. ابن عبدالبر، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۳۲.

[4]. الترمذی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۳۵۷ .

[5]. الخطابی، ج ۱، ص ۲۶۵.

[6]. ابو عبدالله محمد ابن عبد الله نیشابوری الحاکم، *معرفة علوم الحدیث*، تحقیق: السید معظم حسین، بیروت، دارالکتب العلمیه، الطبعه الثانیه، ۱۳۹۷ ق، ۶۵ و، البیهقی، ۱۴۲۴ ق، ج ۱۰، ص ۳۵۶، شماره ۲۰۹۲۰.

[7]. ابن المنذر، *الاوسط*، ج ۲، ص ۴۳۲.

[8]. ابن رجب، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۲۶۸.

امام مالک نمایان است[۱]. و تقی الدین سبکی هم این قول را پسندیده که پسرش تاج الدین آن را نقل کرده است. اما در سفر جایز دانسته است[۲]. شوکانی[۳] نیز از مخالفان سر سخت جمع در حضر است که کتاب مستقلی هم در این مورد به نام «تشنیف السمع بابطال ادله الجمع» نوشته است و شاگردش صدیق حسن خان[۴] از این رأی او پیروی کرده و همچنین مغربی[۵] و صنعانی[۶] از معاصران در کتابش بر این رأی هستند.

وجه استدلال به طریق خبر ابن عباس بر مشروعیت جمع نمازها:

جمهور فقهای مالکیه، شافعیه، حنابله و محدثان به طرق و روایات حدیث ابن عباس بر جواز جمع نماز در حضر خصوصاً با عذر باران استدلال کرده‌اند و بیهقی در سنن الکبری از بعضی از طرقش برای جواز جمع استفاده کرده است.[۷]

براساس این احادیث، محدثان باب گذاری کرده‌اند و بابی به نام «الجمع

---

[۱]. یعقوب بن سفیان ابی یوسف بسوی، *المعرفه و التاریخ*، تحقیق: اکرم ضیاء، بیروت، موسسه الرساله، ط: الثانیه، ۱۴۰۱، ج۱، ص۶۸۷ و، ابن قیم، *اعلام الموقعین*، ج ۳، ص ۸۳.

[۲]. السبکی، التوشیح علی مسائل التصحیح، ص ۳۲.

[۳]. الشوکانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۱۹۴. و، الشوکانی، ۱۹۷۳م، ج ۳، ص ۲۶۸.

[۴]. ابو الطیب صدیق بن حسن خان القنوجی، *الروضه الندیه*، تحقیق: احمد شاکر، دارالمعرفه، ۱۳۹۸ق، ج ۱، ص ۲۳۸.

[۵]. المغربی، ۱۴۲۵ هـ.

[۶]. محمد بن اسماعیل صنعانی، *سبل السلام*، تحقیق: حلاق، دار ابن جوزی، ۱۴۱۸ ق، ج ۳، صص۱۴۶ و ۸۶ و محمد بن اسماعیل صنعانی، *العده علی احکام الاحکام*، تحقیق: قلعجی، الطبعه الاولی، ۱۴۱۰ق.

[۷]. ابن رشد القرطبی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۷۳. و، الرملی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۸۰. الهیثمی، *تحفه المحتاج*، ج ۲، ص ۴۰۲. و، منصور بن یوسف البهوتی، *الروض المربع* شرح زاد المستقنع، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۹۰. و، قاضی عبدالوهاب البغدادی، الأشراف، الدمام، دار ابن عفان، الطبعه الاولی، تحقیق: مشهور سلمان، ج ۱، ۱۴۲۱ق، ص ۴۰۲، رقم ۳۲۰. البیهقی، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۱۶۶.

بین الصلاتین فی الحضر» گذاشته‌اند، از جمله عبدالرزاق الصنعانی در مصنفش و نسائی در السنن و ابن خزیمه در صحیحش و ساعاتی در الفتح الربانی که برخی "فی المطر" را افزوده‌اند مانند ابن خزیمه و ساعاتی. و بغوی در شرح السنه بابی به نام «الجمع بعذر المطر» و ترمذی در جامعش به عنوان «بابَ ما جاء فی الجمع بین الصلاتین فی الحضر» و ابو عوانه در مسندش و بیهقی در السنن الصغیر.[1]

اما بر مشروعیت نمازها در حضر با عذر "مطر" با روایت حبیب بن ابی ثابت (**من غیر خوف و لا مطر**) اعتراض شده است که می‌توان از دو جهت بدان‌ها پاسخ گفت:

۱- این روایت خود بنا به طریق اولی و مفهوم مخالف دلالت بر جواز جمع در حضر با عذر خوف و مطر می‌کند. چنانکه ابن تیمیه گفته است: امام احمد از این حدیث به جمع در این امور به طریق اولی استدلال کرده و این حدیث دلالت می‌کند که جمع در این امور اولی است و این از باب توجه به فعل است و اگر برای رفع حرج جمع شود، حرج حاصل از این‌ها اولاتر است که رفع شود و جمع به سبب آن‌ها که ایجاد حرج بیشتری می‌کنند اولاتر از جمع به سبب غیر آن‌ها است[2]. یا همچنانکه در احادیث دیگری آمده که جمع در غیر این دو، دلیل بر نفی جمع در مورد آن اسباب نیست بلکه اثبات جمع در آن موارد است. وقتی که بدون وجود آن‌ها جمع

---

[1]. الصنعانی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۵۵۵. النسائی، ۱۳۴۸ق، ج ۱، ص ۲۹۰. ابو بکر محمد بن اسحاق ابن خزیمه السلمی، صحیح، تحقیق: محمد مصطفی الاعظمی، الملک الاسلامی، الطبعه الاولی، ج ۲، ۱۳۹۱ق، ص ۸۵. احمد عبدالرحمن البنی الساعاتی، *الفتح الربانی*، داراحیاء التراث العربی، ج ۵، [دون تا]، ص ۱۳۱. البغوی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۱۹۲. الترمذی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۳۵۴. ابی عوانه، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۵۳.

[2]. ابن تیمیه، *۱۳۹۸*، ج ۲۴، ص ۷۶.

کرده یعنی بـا وجود بودن آن اسـباب به طریق اولی جمع کرده، پس آن دلالت بر جمع در خوف و مطر نیز می‌کند[۱]. ابن حجر گفته: قول ابن عباس که فرمود در غیرخوف و سـفر با مفهوم مخالفش دلالت بر جواز در خوف و سفر هم دارد.[۲]

۲- قول ابن عباس که (تا امتش دچار حرج نشـوند) به مطر هم حمل می‌شود و شامل آن هم می‌شود چون با وجود باران هم، انسان به خاطر راه رفتن در گل و لای دچار حرج می‌شـود.[۳] و به خبر ابن عباس برای جمع بین نمازها در حضـر و اقامت اسـتناد شـده اسـت. و این قول ابن عباس **"رأیت رسـول الله جمع بین الظهر و العصر و المغرب و العشاء"** دلالت بر جواز جمع دارد و از ظاهر عبارت فهمیده می‌شود که جمع پیامبر در حضر بوده است چون ابن عباس در جواب مردم استدلال کرده و لفظ "بالمدینه" تأیید می‌کند که در مدینه بوده نه در سفر. و اینکه ابن ابی شیبه در آخرش عبارت "فی السـفر" را افزوده، تفسـیر خودش اسـت. به گفته آلبانی این گمان ابن ابی شیبه نیست بلکه از راوی دیگری است. اما به فرض صحتش هم چنـانکه باجی در المنتقی گفته احتمال دارد که در اوقات متعددی بوده باشد.[۴]

بعضی از فقهای مذاهب احادیث جمع در حضر را به عذر مطر (باران) مقیـد کرده‌انـد و برای جمع در حضـر تنها وجود عذر باران را شـرط

---

[۱]. همان، ج ۲۴، ص ۸۴

[۲]. العسقلانی، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۲۷۲.

[۳]. البیهقی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۶۹ و، نووی، ۱۳۴۴ق، ج ۴، ص ۳۸۰.

[۴]. الصنعانی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۵۶. و، الباجی، ۱۳۳۱ق، ج۱، ص۲۵۷. و، الألبانی، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۳۷، رقم ۵۷۹.

دانسته‌اند. و حتی ابن عبدالبر مالکی اجماع علما بر عدم جواز جمع نمازها در حضر در غیر عذر باران را نقل کرده است[1]. شافعیه نیز عذر باران را برای جمع در حضر شرط دانسته‌اند و بعضی اجماع بر آن را نقل کرده‌اند. به گفته ابن خزیمه همه علما در اینکه جمع بین نمازها در حضر در غیر باران جایز نیست اختلافی ندارند و همچنین در ادامه گفته: پس دانستیم و یقین پیدا کردیم که علما خلاف قول صحیح پیامبر اجماع نمی‌کنند. و علمای حجاز اختلاف ندارند که جمع نمازها در باران جایز است. پس جمع پیامبر را در حضر تاویل کردیم بر آن معنی که مسلمانان بر آن متفق هستند. و اما آنچه عراقیون روایت کرده‌اند که پیامبر در مدینه در غیر خوف و مطر جمع کرده است اشتباه است و خلاف قول همه اهل نماز است. ولی اگر خبر از پیامبر ثابت باشد که ایشان در حضر بدون خوف و مطر جمع کرده است، برای مسلمانان حلال نیست اگر به طرق این خبر علم پیدا کردند از جمع نمازها در حضر در غیر خوف و مطر دوری کنند. لذا هر کس این خبر را برساند که پیامبر نمازها را در غیر خوف و سفر و مطر جمع کرده و فکر کند که جایز نیست جمع نمازها بر طبق آن چه که پیامبرشان جمع کرده، این جهل است و برای کسی از مردم دنیا جایز نیست که آن را بگوید.[2]

و ترمذی در کتب سنن و جامع خویش فرموده که همه آن چه از احادیثی که بدان اشاره کرده است به آنها عمل می‌شود و اهل علم آنها را به کار گرفته‌اند، جز دو حدیث که یکی از آنها این حدیث ابن عباس است که

---

[1]. ابن عبدالبر، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۱۱.

[2]. ابن خزیمه، ۱۳۹۱ق، ج ۲، صص ۸۵- ۸۷.

گفته: «ان النبی جمع بین الظهر و العصر بالمدینه و المغرب و العشاء من غیرخوف و لا مطر».[1] یعنی، پیامبر نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را بدون خوف و باران جمع کرد. در این رابطه، ابن رجب شارح علل الترمذی گفته علت ضعف اسنادش نیست، ترمذی استدلال به نسخ را بیان کرده است[2]، و فقط به عمل و اقوال فقها در این زمینه پرداخته است. بعد از نقل حدیث ابن عباس گفته که حدیث ابن عباس در غیر این هم روایت شده است. جابربن زید و سعید بن جبیر و عبدالله بن شفیق عقیلی، از ابن عباس از پیامبر در غیر آن روایت کرده‌اند. بعد حدیث حنش از عکرمه از ابن عباس از پیامبر را آورده که فرموده است: «مَن جَمع بین الصلاتین مِن غیر عذرٍ فقد أتی باباً مِن أبواب الکبائر». یعنی، هرکس نمازها را بدون عذر جمع کند دچار گناه کبیره شده است. به گفته‌ی وی حنش همان ابو علی رحبی یا حسین بن قیس است که اهل حدیث از جمله امام احمد، او را ضعیف دانسته‌اند، اما اهل علم به آن عمل کرده‌اند[3].

تحلیل قول ابن خزیمه و ترمذی:

۱- در میان سخنان ابن خزیمه آمده "و اما آن چه عراقیون از پیامبر روایت کرده‌اند که پیامبر در مدینه در غیر خوف و مطر جمع کرده است اشتباه است و خلاف قول همه اهل نماز است." در حالی که برای ما معلوم

---

[1]. الترمذی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۷۳۶.

[2]. ابن رجب الحنبلی، شرح *علل الترمذی*، تحقیق: همام سعید، الاردن، مکتبه المنار، الطبعه الاولی، ج ۱، ۱۴۰۷ق، ص ۳۲۴.

[3]. الترمذی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۳۵۵، رقم ۱۸۸.

شد که جمع در غیر مطر و خوف از طرق متعددی از ابن عباس آمده است که بعضی‌ها هم صحیح هستند از جمله احادیث زیر:

الف- مسلم و ابو عوانه در صحیح شان و ابو داود، از حبیب بن ابی ثابت از سعید بن جبیر از ابن عباس.

ب- از جابر بن زید از ابن عباس که امام احمد با سند صحیح آورده است.

ج- از صالح مولی توأمه از ابن عباس که ابن ابی شیبه و طحاوی و احمد و طبرانی با سند حسن روایت کرده‌اند.

د- از ابن زبیر از جابر به صورت مرفوع به مانند حدیث ابن عباس آمده که ابن عساکر در تاریخ دمشق روایت کرده است.

و این چهار طریق صحیح هستند و به نوعی در تأیید و شاهد آن هستند و همه آن‌ها اجماع کرده‌اند که پیامبر (ص) در مدینه بدون مطر و خوف جمع کرده است.[1] حافظ ابن حجر (رحمت الله) در التلخیص الحبیر گفته است: امام حرمین در النّهایه فرموده که جمع را به سبب باران نفی کرده که در متن حدیث نیامده، و این به عدم مراجعه ایشان به کتب حدیث مشهور دلالت می‌کند.[2]

۲- درباره‌ی سخن حافظ ترمذی که گفته است: "کسی به آن عمل نکرده است"، همچنان که نووی در مسلم آورده از بعضی علما ثابت است که به آن احادیث عمل کرده‌اند و آن را پسندیده‌اند. و گفته‌اند: اجماع بر

---

[1]. محمد ناصر الألبانی، تعلیقات الالبانی علی صحیح ابن خزیمه، ج ۲، ص ۸۶

[2]. العسقلانی، ۱۳۸۴ هـ ج ۲، ص ۵۰.

ترک عمل به آن نیست، آن چنان که ترمذی گفته است[1]. در حقیقت حدیثی که صحّت آن از رسول خدا ثابت شده باشد حداقل بعضی از علمای امّت به آن عمل کرده‌اند، حتی اصولیان گفته‌اند: عمل اکثر امت برخلاف خبر صحیح به آن ضرری نمی‌رساند چون قولشان حجت نیست.[2]

۳- درباره‌ی این گفته‌ی امام ترمذی که حدیث صحیح ابن عباس با حدیث دیگری از ابن عباس تعارض دارد که از حنش از عکرمه از ابن عباس روایت شده است که: "هر کس نمازها را بدون عذر جمع کند دچار گناهی از گناهان کبیره شده"، باید گفت که از راویان آن حنش ابوعلی رحبی (همان حسین بن قیس) است که او را بسیار ضعیف دانسته‌اند. طبرانی و ابن حبان و ابویعلی و بزار و ابن ابی حاتم و خطیب بغدادی این حدیث را نقل کرده‌اند.[3]

روایت مذکور تنها از طریق حسین معروف به حنش آمده و آن هم نزد اهل نقل ضعیف است و به حدیثش استناد نمی‌شود.[4] اگرچه حاکم در المستدرک حنش را ثقه دانسته اما امام ذهبی گفته ضعیف است.[5] ابن جوزی آن را در موضوعاتش آورده است و گفته: امام احمد بن حنبل،

---

[1]. النووی، ۱۴۰۷ ق.

[2]. محمد جمال الدین القاسمی، *قواعد التحدیث*، بیروت، دارالکتب العلمیه، [دون تا]، ۹۱ و ۹۲. و، صدیق حسن خان، *حصول المأمول من علم الاصول*، القسطنطنیه، مطبعه الجوائب، ۱۲۹۶ق. و، ابن الملقن، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۸۱- ۸۳.

[3]. الطبرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۱، ص ۲۱۶، رقم ۱۱۵۴۰. و، ابن حبان، *المجروحین*، حلب، دارالوعی، الطبعه الاولی، ج ۱، ، ۱۳۹۶ق، ص ۲۴۲. و، ابویعلی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۳۶، رقم ۲۷۵۱. و، البزار، ۲۰۰۹م. و، الخطیب، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۴، ۲۹۳۶.

[4]. النسائی، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۱۶۹. ابن عبدالبر، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۷۷ و ج ۱۲، ص ۲۱۰. الهیثمی، ۱۴۱۲ق.

[5]. الحاکم، ۱۳۹۸.

حسین بن قیس از راویان این حدیث را تکذیب کرده است. و یکبار نیز متروک الحدیث خوانده است.[1] دارقطنی نیز آن را متروک الحدیث خوانده است.[2] و از جمله علمایی که ضعف آن را به صراحت بیان کرده‌اند، امام بخاری است.[3] ابن معین هم او را ضعیف خوانده و گفته: لیس بشیء[4]. همچنین ابن ابی حاتم، نسائی، ساجی، ابو حاکم، جوزجانی، یحیی، عقیلی، ابن عدی، ابن حبان، ابو زرعه و آلبانی او را ضعیف خوانده‌اند و بر ضعیف بودن حدیث تاکید کرده‌اند.[5]

خود امام ترمذی نیز که این حدیث را روایت کرده آن را ضعیف دانسته است. و بعد از نقل آن حدیث گفته که احمد و حسین را ضعیف دانسته‌اند و عمل اهل علم بر آن اشاره می‌کند به این که عمل اهل علم آن حدیث را تقویت کرده است[6]. و به صراحت آمده که از جمله دلیل صحت حدیث، عمل اهل علم به آن حدیث است هر چند به اسنادش اعتماد نشود.[7] اما

---

[1]. عبدالرحمن بن علی بن محمد ابن جوزی، *الموضوعات فی الأحادیث المرفوعات*، تحقیق: نورالدین شکری بن بوباجیلاود، ریاض، مکتبة اضواء السلف، ۴ ج، ۱۴۱۸ هـ، ج ۲، ص ۱۰۱.

[2]. الدارقطنی، ۱۴۰۳ق، ج۱.

[3]. البخاری، ۱۴۲۶ق، ص۳۴. البخاری، التاریخ الکبیر، ۳۹۳/۱/۲.

[4]. أبو زکریا یحیی بن معین، *تاریخ*، محقق: أحمد محمد نور سیف، مکة: مرکز البحث العلمی، ۱۳۹۹ ق، ج ۲، ص ۱۱۸، رقم ۸۶۵.

[5]. العقیلی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۴۸. و، الزیلعی، ۱۳۹۳ق، ج ۲، ص ۱۹۳. الألبانی، ۱۴۱۲ق، رقم ۴۵۸۱. ابن ابو حاتم، ۱۳۷۱ق، ۶۳/۳/۲. النسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، الضعفا و المتروکین، تحقیق: محمود ابراهیم، حلب، دارالوعی، الطبعه الاولی، ۱۳۹۶ ق ص۳۴. العسقلانی، احمد بن علی بن حجر، *تهذیب التهذیب*، دارالفکر، الطبعه الاولی، ج ۲، ۱۴۰۴ق، ص۳۱۴. الدار قطنی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۳۹۵. ابن عدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۷۶۴. ابن حبان، ۱۳۹۶ق، ج ۱، ص ۲۴۲.

[6]. الترمذی، ۱۴۰۳ق، رقم ۱۸۸.

[7]. جلال الدین عبدالرحمن سیوطی، *التعقبات علی الموضوعات ابن الجوزی*، تحقیق: عبدالله شعبان، دار مکة المکرمة، المنصورة / مصر، ط ۱، ۱۴۲۵ هـ، ص۵۱.

این قول در احادیثی است که احتمال ضعف در روایت دارند یا تنها از یک طریق روایت شده‌اند که با عمل سلف صالح جبران می‌شود اما در احادیثی که اطمینان به ضعفش زیاد باشد امکان جبرانش نیست همان طوری که در این روایت است.[۱] پس بر اساس آن چه نقل شده با وجود صحت یکی و ضعف دیگری هیچ تعارضی بین این دو حدیث وجود ندارد.

تأویل‌های خبر ابن عباس:

در مورد حدیث ابن عباس همان گونه که امام نووی فرموده است علما براساس مذهب خود در مورد آن اقوال و تأویل‌های زیادی نوشته‌اند، از جمله:

اول، بعضی از آن‌ها حدیث را بر جمع با عذر باران تأویل کرده‌اند، و این نزد جماعتی از کبار متقدّم مشهور است. اما آن هم ضعیف است چون در روایت دیگری "**من غیرخوف و لامطر**" آمده است.

دوم، بعضی هم گفته‌اند که در زمان ابری بودن هوا بوده که ظهر را خوانده‌اند سپس ابرها کنار رفته‌اند و معلوم شده که وقت عصر رسیده پس آن را هم خواندند. اما این هم باطل است چون به فرض احتمال آن در مورد ظهر و عصر باشد، در مورد مغرب و عشاء این احتمال وجود ندارد. پس رد است چون در حدیث، مغرب و عشاء نیز آمده است.

سوم، بعضی هم به تأخیر اولّی به آخر وقتش تاویل کرده‌اند که اگر آن را تمام کرد وقت دومی هم می‌رسد، و آن را می‌خوانند که در این صورت نمازشان به صورت جمع بوده است و این نیز باطل است چون مخالف

---

[۱]. عمربن حسن شیخ فلاته، *الوضع فی الحدیث*، دمشق، مکتبه الغزالی، ج ۲، ۱۴۰۱، ص ۲۵۵.

ظاهر حدیث است و احتمال آن را ندارد. و مخالف فعل ابن عباس است که هنگام خطبه آن را گفته و به این حدیث برای درستی کارش استدلال کرده و ابی هریره آن را تصدیق کرده و عدم انکارش در این تأویل، صریح است.

چهارم، بعضی هم آن را به عذر مریضی تاویل کرده‌اند و این قول امام احمد بن حنبل و قاضی حسین، مختار خطابی، متولّی و رویانی از اصحاب امام شافعی است. و این قول مختار و برگزیده در تاویل این حدیث است، به دلیل ظاهر حدیث و فعل ابن عباس و موافقت ابی هریره و این که مشقّت آن بیشتر از باران است.

امام نووی این تأویل را در"روضه الطالبین"هم آورده اما در"المجموع"حدیث را در رفتن راه کِلی تأویل کرده است. و این به پیروی از بیهقی در تأویلش است.[1] اما از بین این دو رأی امام نووی، رأی اخیر ایشان همان تأویل مریضی است چون روضه الطالبین را بعد از المجموع تألیف کرده و این از مقدمه الرّوضه فهمیده می‌شود و شرح مسلم هم متأخر از همه است که بعد از سال ٦٧٤ تألیف کرده که از کلامش[2] فهمیده می‌شود و روضه را در سال ٦٦٩ تالیف کرده هم چنان که در آخرش گفته است[3] و این تاویل را بیشتر شافعیه و حنابله پذیرفته‌اند.[4]

---

[1]. نووی، ۱۴۰۷ق، ۲۱۸/۵-۲۱۹.

[2]. همان، ۵۷/۱۲.

[3]. نووی، ۱۳۸۶ق، ۳۱۶/۱۲.

[4]. شمس الدین الکرمانی، شرح *الکرمانی علی صحیح البخاری*، مصر، المطبعه المصریه، الطبعه الاولی، ۱۳۵۲ق، ۱۹۲/۴. و، السیوطی، *تنویر الحوالک علی شرح موطا*، بیروت، دارالفکر، [دون تا]، ۱۶۲/۱. و، ابن مفلح، *المبدع شرح المقنع*، ج ۲، ص ۱۱۸.

اما ابن حجر تأویل امام نووی را ضـعیف دانسته است و گفته که: جای تأمل است چون اگر پیامبر (ص) بین نمازها را به سبب مریضی جمع کرده چرا همراه ایشـــان نمـاز خوانـدنـد مگر همه آن‌ها این عذر را داشـــتند.[۱] همچنین العینی هم در عمده القاری گفته که: تاویلشـان به مریضی مخالف حدیث است.[۲]

پنجم، بعضـــی هم گفته‌اند که مراد نه باران زیاد و نه مداوم اســـت که شـایـد در هنگام وقت دومی قطع شـود و معلوم اسـت که ظاهر لفظ (و لا مطر) هر بارانی را می‌رساند اگر چه کم باشد.[۳]

ششم، بعضی نیز به هر حاجت و کار و نیازی و حرجی که خوف فوت نماز می‌رود تاویل کرده‌اند و این قول ترجیح داده شـده‌ی ما است. علمای ما کســـانی از متقدم را که بر این رای بوده‌اند ذکر کرده‌اند. به گفته‌ی امام نووی گروهی از ائمه جمع در حضـر را به سـبب حاجت برای کسانی که آن را عادت خویش نسـازند از جمله از قول ابن سیرین و اشهب مالکی و خطابی از قفال شاشی کبیر از اصحاب امام شافعی از ابی اسحاق مروزی و از جماعتی از اهل حدیث و ابن منذر روایت کرده‌اند[۴].

در این بـاره از خطابی و ابن منذر نقل کرده‌اند و ابن تیمیه این رأی را پذیرفته اسـت و از آن به طور خیلی قوی دفاع کرده است.[۵] و این رای در

---

[۱]. العسقلانی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۴۲.
[۲]. العینی، عمده القاری، ج ۵، ص ۳۱.
[۳]. الکاند هلوی، ۱۴۰۰ق.
[۴]. همان، ج ۵، ص ۲۱۹.
[۵]. الخطابی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۲۶۵. و، ابن المنذر، *الاوسـط*، ج ۲، ص ۴۳۳. و، ابن تیمیه، ۱۳۹۸ق، ج ۲۴، ص ۷۶. و، ابی عبدالله محمد ابن قیم، *زاد المعاد*، بیروت، دارالکتاب العلمیه، [بی تا]، ج ۱، ص ۱۳۲.

روایت سعید بن مسیب و ابن شیبه تحت عنوان "فی الراعی یجمع بین الصلاتین" آمده است. در این روایت آمده که شخصی به خدمت ابن مسیب آمد و پرسید: من شتر چرانم تا شب مشغول دوشیدن آن‌ها هستم می‌توانم نمازها را جمع کنم فرمود: اگر خوف فوت نماز را داشتی آن‌ها را جمع کن.[۱]

ابن منذر آورده است که جمع نمازها در حضر مباح است هر چند سببی و علتی نباشد چون اخبار از رسول الله ﷺ ثابت شده‌اند که ایشان نمازها را در مدینه جمع کرد، و از ابن عباس جمع بین نمازها در حضر روایت شده است و پرسیده شد چرا؟ فرمود تا امت پیامبر در حرج نباشند. و هم‌چنین از ابن سیرین روایت کردیم که اشکالی ندیده است، اگر نمازها را جمع کنند به سبب حاجت یا چیزی در صورتی که آن را عادت خویش نسازند.[۲]

شیخ احمد شاکر در شرح و تحقیقشان بر جامع ترمذی بعد از ذکر اسماء قایلان به جواز جمع به سبب عذر و حاجت فرموده است: و این صحیح است که از حدیث (ابن عباس) گرفته شده است و اما تأویل به مریضی یا عذری و... هیچ دلیلی ندارد. عمل به این حدیث جمع به سبب حاجت حرج‌های بسیاری از مردم را بر می‌دارد. و آن رخصت و کمک به انجام طاعت است اگر عادت خویش نسازد هم چنان که ابن سیرین فرموده است.[۳] ابن عباس که این حدیث را روایت و برای جمع نماز به آن

---

[۱]. ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۴۵۹.

[۲]. همان، ج ۲، صص ۴۳۲- ۴۳۴.

[۳]. الترمذی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، صص ۳۵۸- ۳۵۹.

استدلال کرده است در سفر و باران نبود بلکه برای مسلمانان خطبه‌ای می‌داده که به معرفتش نیاز داشتند و این از جمله حاجاتی است که نزد ایشان جمع در آن جایز است تا امت پیامبر به حرج نیافتند (**أراد ان لا يحرج أمته**).

حتی ابن تیمیه، جمع در عرفه و مزدلفه را به سبب خوف و باران و سفر ندانسته بلکه می‌فرماید جمع کردند، تا حرج از امتش رفع شود.[۱] بر این اساس اگر کسی در حضر (اقامت) نیاز به جمع داشته باشد برای رفع حرج می‌تواند جمع کند به سبب قول ابن عباس که بعد از ذکر حدیث فرمود «**اراد ان لا يحرج امته**» یا در قولی دیگر «**لئلاتكون امتی فی حرج.**» لذا اولاً اصل بر این است که نمازها در وقت‌های معینی که دارند خوانده شود هم چنان که خداوند فرموده است «**إنْ الصلوة كانَت على المؤمنين كتاباً مَوقوتا**»[۲] مگر به سبب عذر و حاجتی. دوماً در این جا فرق اساسی بین اهل سنت و اهل تشیع در اوقات نماز است، اهل تشیّع جمع را در هر وقتی و هر حالی بدون وجود عذر یا حاجتی قبول دارند، اما اهل سنت حتی قایلانشان به مشروعیت جمع در غیر خوف و مطر، وجود مجوز شرعی و حاجت و نیاز را برای جمع شرط دانسته‌اند. در این رابطه ابن عبدالبر گفته است: «اما در مورد جمع نمازها در حضر علما اجماع دارند که بدون عذر هرگز جایز نیست مگر گروه اندکی که نظرشان شاذ است.»[۳] و مازری مالکی در شرح التلقین گفته است: و اما هر کس نمَازها را بدون

---

[۱]. ابن تیمیه، ۱۳۹۸، ۷۷/۲۴.

[۲]. سوره‌ی النساء، آیه‌ی ۱۰۳.

[۳]. ابن عبدالبر، ۱۳۸۷ق، ۲۱۰/۱۲. ابن عبدالبر، ۱۴۰۳، ۲۹/۶.

ضرورت جمع کند از آن نهی می‌شود و به خاطر آن ادب می‌شود.[۱] خطابی نیز در أعلام الحدیث می‌گوید: «جمع نمازها جز با سبب عذری جایز نمی‌باشد.»[۲] در نهایت، آلبانی می‌فرماید: بدان، حدیث ابن عباس که دلالت بر جمع نماز در هنگام اقامت برای رفع حرج است به طور مطلق نیست و این نکته قابل توجه و مهمی است.[۳]

جمع بین ظهر و عصر در حدیث صحیح وارد شده و خود آن‌ها دلالت بر مشروعیت بین مغرب و عشاء می‌کند مانند خبر ابن عباس. به همین سبب امام مالک به خاطر فرق گذاشتن بین نماز روز و شب و اینکه که حدیث را روایت کرده و قسمتی را تأویل کرده است و آن را تخصیص داده، مورد انتقاد امام شافعی قرار گرفته است. وی بعد از قول ابن عباس (**جمع رسول الله بین الظهر و العصر و المغرب و العشاء من غیر خوف و لا سفر**) گفته: به نظرم در باران بوده است (**أری ذلک کان فی المطر**). امام شافعی گفته است: چرا مالک نه عمومیت حدیث و نه تأویلش (تخصیصش) را اتخاذ نکرده است، بلکه فقط بعضی را تأویل کرده است یعنی قسمت "**جمع بین الظهر و العصر**" و این روش با اجماع جایز نیست.[۴] ابن رجب گفته: جای تعجب است که امام مالک حدیث ابن عباس را بر جمع به سبب باران حمل کرده و در مورد ظهر و عصر قبول نکرده

---

[۱]. المازری، ۱۹۹۷م، ۸۲۸/۲- ۸۲۹.

[۲]. ابی سلیمان الخطابی، *أعلام الحدیث فی شرح النجاری*، تحقیق: محمد بن سعد، جامعه ام القری، الطبعه الاولی، ۱۴۰۹ق، ۴۲۷/۱.

[۳]. آلبانی، ۱۴۱۵ق، ۳۵۸/۳.

[۴]. القرطبی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۷۳.

در حالی که حدیث در جمع ظهر و عصر و مغرب و عشاء صراحت دارد.[۱]

پس با توجه به تفسیر امام مالک، حدیث ابن عباس به سبب ضرورت باران مقتضی جمع بین ظهر و عصر و بین مغرب و عشاء نیز هست.[۲] به همین علت و ثبوت احادیث دیگری که دلالت بر جواز می‌کند، ضعف حدیث ابن عمر ضرری به آن نمی‌رساند. بلکه از ابن عمر آمده که فرموده است: **ان النبی جمع فی المدینه بین الظهر و العصر فی یوم مطیر.**[۳] **و انه جمع بین المغرب و العشاء فی لیله مطیره.**[۴]

ادله مخالفان جمع نمازها:

مخالفان جمع بین نمازها به ادله بسیاری از کتاب و سنت و اقوال صحابه استناد کرده‌اند و مانعان جمع در حضر با عذر به فعل بعضی صحابه استناد کرده‌اند و خبر ابن عباس را بر جمع صوری حمل کرده‌اند. مانعان جمع به موارد زیر استناد کرده‌اند:[۵]

۱- آیه شریفه (**حافظوا علی الصلوات و ا لصلوات الوسطی**)[۶] یعنی، بر نمازها توجّه کامل داشته باشید بع خصوص نماز وسطی (صبح).

---

[۱]. ابن رجب، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۲۶۹.

[۲]. الباجی، ۱۳۳۱ق، ج ۱، ص ۲۵۷.

[۳]. محمد بن عبدالهادی، تنقیح التحقیق، الامارات العربیه، المکتبه الحدیثه، الطبعه الاولی، تحقیق: عاصر حسن جبری، ج ۲، ۱۴۰۹ ق، ص ۱۸۶.

[۴]. العسقلانی، ۱۳۸۴ هـ ۵۰/۲.

[۵]. الشیبانی، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۱۶۴. یعقوب بن ابراهیم، ۱۳۵۵. عبدالغنی الغنیمی المیدانی، *اللباب فی شرح الکتاب*، بیروت، المکتبه العلمیه، ج ۱، ۱۴۰۰ق، ص ۳۲۰. السرخسی، ۱۳۴۵ق، ج ۱، ص ۱۴۹. محمد امین ابن عابدین، حاشیه ابن عابدین، بیروت، دارالفکر، الطبعه الثانیه، ج ۱، ۱۳۸۶ق، ص۱۹۴. ابن الهمام، شرح *فتح القدیر*، ج ۲، ص ۲۰.

[۶]. سوره بقره، آیه‌ی ۲۳۸.

۲- و آیه **(إن الصلاة كانت على المؤمنين كتاباً موقوتا)**[1] یعنی، نماز برای اهل ایمان حکمی معین و واجب است.

۳- حدیث جبریل از جابر بن عبدالله درباره مواقیت نماز که: **"ان جبريل عليه السلام أمام النبی فی الصلاة يومين متوالين بيّن له فی أولهما أول الأوقات و فی ثانيهما آخر هما وقال له الوقت بين هذين الوقتين"**[2]. یعنی، جبریل علیه السلام پشت سرهم دو روز برای پیامبر امامت کرد. و اول وقت نمازها و آخر وقت آنها را برایش بیان کرد و به ایشان گفت وقت نماز بین این دو وقت است. اما ترمذی از امام بخاری نقل کرده که صحیح ترین حدیث در مواقیت نماز، حدیث جابر است[3]. و حاکم صحیح دانسته و ذهبی با آن موافقت کرده است[4].

٤- و مانند آن از ابن عباس آمده که فرموده است: **"قال رسول الله أمامنی جبريل عند البيت مرتين ثم قال: يا محمد هذا وقت الانبياء من قبلك و الوقت فيما بين هذين الوقتين."**[5] یعنی، رسول خدا فرمود جبریل در منزل دو بار برایم امامت کرد و فرمود: ای محمد این وقت نماز پیامبران قبل از توست و وقت نمازها، بین این دو وقت است. ترمذی آن را حسن صحیح و حاکم صحیح دانسته و اما ذهبی با آن موافقت کرده است.[6]

---

[1]. سوره نساء، آیه‌ی ۱۰۳.

[2]. النسائی، ۱۴۲۱، ۲۵۵/۱. و، امام احمد، مسند، ۳۳۰/۳. و، البیهقی، ۱۴۲۴، ۳۶۸/۱- ۳۶۹- ۳۷۲- ۳۷۳. و، الدار قطنی، ۱۴۰۳، ۲۵۹/۱. محمد بن ابن حبان، صحیح، محقق: احمد شاکر، لناشر: دارالمعارف، ۱۳۷۲. و، ابن خزیمه، ۱۳۹۱ق، ۳۵۳.

[3]. الترمذی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۸۱، رقم ۱۵۱.

[4]. الحاکم، ۱۳۹۷ق، ۱۹۵/۱- ۱۹۶.

[5]. ابو داود، ۱۳۰۶، ۱۰۷/۱، رقم ۱۳۹۳. امام احمد، مسند، ۳۳۳/۱- ۳۵۴. الدار قطنی، ۱۴۰۳، ۲۵۸/۱.

[6]. الترمذی، ۱۴۰۳، ۲۷۸/۱، رقم ۱۴۹. حاکم، ۱۳۹۷ق، ۱۹۳/۱.

وجه استدلال در دو آیه و دو حدیث بیان اول و آخر اوقات نمازها توسط جبریل با قول (**الوقت بین هذین الوقتین**) است. که مقتضی عدم جواز خارج کردن نمازها از وقت شان به صورت تقدیم و تأخیر است. و حصر و محدودیت وقت نمازها در اوقات تعیین شده را می‌رساند پس جمع نمازها منع شده چون خارج کردن یکی از آن دو از وقتش است. در حاشیه ابن عابدین آمده است که: جمع در غیر عرفه و مزدلفه جایز نیست چون اوقات نماز بدون هیچ اختلافی ثابت هستند و خارج کردن نمازها از وقتش جز با نص قطعی جایز نیست که از امر ثابت با امر احتمالی، خروج شایسته نیست و هر کسی که ذره‌ای از بوی علم را احساس کرده جز این نمی‌گوید. و هر حدیثی که در این مورد آمده احتمالی است، هر چند احتمال صحیح بودن آن باشد (قطعی صدور باشند) اما نص قطعی دلاله نیستند.[1]

الکاسانی در بدائع الصنائع یک دلیل منع جمع را همان اوقات قطعی نمازها با دلائل مقطوع از کتاب و سنت متواتر و اجماع می‌داند که تغییر اوقاتشان به نوعی از استدلال یا با خبر واحد فاسد است و سفر و مطر هم تاثیری در اباحه فوت نماز از وقتش ندارد.[2] پس آن‌ها با وجود عذری که ذکر کردیم، جمع بین نمازها را جایز نمی‌دانند. و آن چه از خبر واحد روایت شده در مقابل دلیل مقطوع قبول نمی‌شود یا اگر قبول هم کنند تاویل می‌کنند که جمع بین آن‌ها فعلی است نه وقتی.

۵- امام مسلم در باب قضای نماز فوت شده و استحباب و تعجیل

---

1. ابن عابدین، ۱۳۸۶، ۳۸۲/۱.
2. علاءالدین ابوبکر الکاسانی، *بدائع الصنائع*، بیروت، دارالفکر، ج ۱، ۱۴۱۷ق، ص ۱۲۷.

قضایش از ابی قتاده آورده که پیامبر فرموده است: "**أما إنه ليس في النوم تفريط، إنما التفريط على من لم يصل الصلاه حتى يجيء وقت الصلاه الأخرى.**"[1] و با لفظ دیگری آمده، "**ليس في النوم تفريط إنما التفريط في اليقظه.**"[2] یعنی، در خواب تفریط و کوتاهی نیست، تفریط را کسی انجام داده که نماز را تا آمدن وقت دیگری نخوانده یا در لفظی دیگر، در خواب بودن تفریط نیست تفریط در زمان بیداری است. که ترمذی این قسمت حدیث را حسن صحیح دانسته است.

وجه استدلال در حدیث فوق این است که کسی گناه کرده است که عمداً نماز را از وقتش به تأخیر اندازد. به سبب وصفش به این که مفرط است، که مقتضی عدم جواز جمع نمازها به صورت تاخیر است چرا که در آن تاخیر نماز اولی از وقتش است. و از آن به طریق اولی عدم جواز جمع به صورت تقدیم گرفته می‌شود چون خواندن نماز دومی قبل از وجوبش است.[3]

٦- حدیث عبدالله بن مسعود که فرموده است: "**ما رأيت رسول الله صلى صلاه لغير ميقاتها إلاصلاتين: جمع بين المغرب و العشاء بالمزدلفه و صلى الفجر يومئذ قبل ميقاتها.**"[4] **یعنی،** رسول خدا را ندیدم نماز را در غیر وقتش بخواند جز دو نماز: جمع مغرب و عشاء در مزدلفه و نماز فجر

---

[1]. مسلم، صحیح، ۴۷۳/۱- رقم ۳۱۱.
[2]. ابو داود، ۱۳۰۶، ۴۴۱. و، الترمذی، ۱۴۰۳، ۱۷۷. نسائی، ۱۴۲۱، ۲۹۴/۱. ابن ماجه، ۱۳۵۹، ۶۹۸. امام احمد، مسند، ۲۹۸/۵- ۳۰۲- ۳۰۵- ۳۰۹.
[3]. ابن الهمام، شرح *فتح القدير*، ۲۰/۲.
[4]. محمد بن اسماعیل البخاری، صحیح، تحقیق: محمد زهیر الناصر، دارطوق، الطبعه الاولی، ۱۴۲۲ق، ۱۶۸۲. و، مسلم، صحیح *مسلم*، ۱۲۸۹.

که در آن هنگام قبل از وقتش خواند. وجه استدلال در آن این است که ابن مسعود وقوع جمع از رسول خدا در غیر مزدلفه را نفی کرده است و این دلالت می‌کند که جمع در غیر آن‌ها ممنوع است چون نماز از وقتش خارج می‌شود.

۷- از ابن عباس آمده که رسول خدا فرموده است: "**من جمع بين صلاتين من غير عذر فقد أتى باباً من ابواب الكبائر.**"[1] یعنی، هر کس نمازها را بدون عذر جمع کند دچار گناه کبیره شده است. که حنش بن قیس ابو علی رجبی یا حسین بن قیس از راویانش است که ترمذی آن را روایت کرده و فرموده نزد اهل حدیث ضعیف است و نزد اهل علم به آن عمل شده است.[2]

۸- از ابی قتاده عدوی آمده که فرموده است: "**سمعت قراءه كتاب عمر بن الخطاب رضى الله عنه، ثلاث من الكبائر الجمع بين الصلاتين و الفرار من الزحف و النهبه.**"[3] یعنی، قرائت نوشته عمر ابن خطاب را شنیدم که فرموده بود سه مورد از گناهان کبیره است: ۱- جمع بین دو نماز ۲- فرار از جهاد ۳- غارت و گرفتن مال دیگری به ناحق. در این رابطه حافظ ابن حجر گفته که بکر بن عبدالله مزنی از عمر نشنیده است.[4]

۹- از عبدالله بن مسعود آمده است که: "**لا جمع بين الصلاتين الا بعرفه، الظهر و العصر.**" یعنی، جمعی بین دو نماز نیست جز نماز ظهر و

---

[1]. الترمذی، ۱۴۰۳، ۳۵۶/۱، شماره ۱۸۸.

[2]. شیبانی، ۱۳۸۵ق، ۱۶۵/۱. و، البهقی، ۱۴۲۴ق، ۱۶۹/۳. الصنعانی، ۱۴۰۳، ۵۵۲/۲. ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹، ۴۵۹/۲.

[3]. العسقلانی، ۱۴۱۸ق، ۱۷۹/۱. بوصیری، ۱۴۱۹ق، ۴۸۶/۲، رقم ۲۱۱۹.

[4]. همان، ۱۶۵/۱.

عصر در عرفه. سید مهدی حسن گیلانی قادری در تعلیقاتش بر "الحجه علی اهل المدینه" ابو یوسف گفته است که: از عجائب دنیا این است که ابن مسعود این را گفته باشد.[1]

۱۰- لیث بن سعد جمع نمازها را در حضر به سبب عدم ورود از صحابه حتی در صورت حاجت و سبب هم منع دانسته و آن در نامه‌اش به امام مالک آمده است. مفهوم کلی این نامه این است که هرگز صحابه‌ای در شب بارانی بین نماز مغرب و عشا را جمع نکرده است.[2]

۱۱- حنفیه و ابن حزم منع کرده‌اند به سبب حمل خبر ابن عباس بر جمع صوری، که ظهر را تا آخر وقتش به تاخیر انداخت و عصر را در اول وقتش فوری خواند. کسانی بعد از ایشان از جمله ابن ماجشون، طحاوی و ابن سید الناس آن را تایید کرده‌اند. قرطبی آن قول را حسن و پسندیده و ابن حجر أولی دانسته‌اند. شوکانی، عینی، صنعانی، کشمیری و صدیق حسن خان از مدافعان این تاویل هستند.[3]

۱۲- و در نهایت، مخالفان جمع نمازها بیان کرده‌اند که احادیث جمع در نوعی از اضطراب واقع شده‌اند و در بعضی از احادیث از ابن عباس آمده که: "**جمع بین الظهر و العصر و المغرب و العشاء من غیر خوف و**

---

[1]. همان، ۱۶۵/۱.

[2]. ابن قیم، *اعلام الموقعین*، ۸۳/۳ و، قاضی عیاض، ۱۳۸۷ق، ۴۱/۱- ۴۴.

[3]. ابن رجب، ۱۴۱۷ق، ۲۴/۲. و، الشوکانی، ۱۹۷۳ق، ۳/ ۲۶۰. و، الصنعانی، ۱۴۱۸ق، ۴۳/۲. کشمیری، ۱۴۲۶ق، ۱۱۱/۲. ابی الحسن نور الدین بن عبدالهادی السندی، *حاشیه السندی علی النسائی*، ذیل *سنن النسائی*، دارالفکر، الطبعه الاولی، ۱۳۴۸ق، ۲۸۶/۱. العینی، *عمده القاری*، ۳۱/۵. ابی الطیب صدیق بن حسن خان القنوجی، *فتح العلام شرح بلوغ المرام*، المدینه، المکتبه العلمیه، ۱۹۵/۱. و، حسن خان القنوجی، ۱۳۹۸ق، ۷۴/۱.

لاسفر"، و در بعضی دیگر: "**جمع بین الظهر و العصر و المغرب و العشاء بالمدینه من غیر خوف و لا مطر**"، آمده است. لذا آنها به این دلیل جمع را جایز ندانسته‌اند. و به گفته‌ی آنها بین حدیث ابن مسعود، "**ما رایت رسول الله ﷺ صلی صلاة لغیر وقتها الا بجمع**"، و بین باقی احادیث که جمع را جایز می‌دانند، تعارض وجود دارد و گفته‌اند: حدیث ابن مسعود به سبب فقیه‌تر بودنش نسبت به راویان دیگر احادیث جمع، و به سبب این که به احتیاط نزدیک‌تر است، ترجیح دارد.[1]

جواب و ردّ ادلّه‌های مانعان جمع نمازها:

جواب دلیل اول و دوم و سوم و چهارم و پنجم مانعان جمع، که خلاصه‌ی آنها رد منع جمع در حضر است به دلیل آن‌چه از احادیث توقیت نماز که با تواتر ثابت شده است و پس ترک آن‌ها با خبر واحد جایز نیست، این است که همگی حق و درست هستند اما اوقات نماز که پیامبر با قول و فعلش بیان فرمود به سبب حال و احوال بعضی‌ها، دو نوع هستند: الف- اوقات سعت و سلامتی و رفاه و ب- اوقات عذر و ضرورت. که احادیث بیان شده از نوع اول هستند. برای هر یک از آن‌ها احکام جداگانه‌ای هست همان گونه که واجبات و شروط نماز بر حسب قدرت و ناتوانی فرق می‌کند اوقاتش هم این چنین است. دو نوع وقت داریم، پنجگانه و سه گانه که در قرآن هم به آن اشاره شده است.[2] که اوقات پنجگانه برای اهل

---

[1]. ابن الهمام، شرح *فتح القدیر*، ۲۰/۲.

[2]. القرطبی، ۱۹۸۸ق، ج ۱۰، ص ۳۰۴. و، شهاب الدین السید محمود الألوسی البغدادی، *روح المعانی*، بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۸ق ، ۱۳۲/۱۵. و، ابن تیمیه، ۱۳۹۸، ۲۵/۲۴.

سعت و رفاه، و اوقات سه گانه برای صاحبان عذر است که در سنت به تفصیل به بیان اسبابش پرداخته شده است. لذا احادیث جمع درباره‌ی عذرها و ضرورت‌ها هستند و سنت بعضی از آن را تبیین می‌کند نه رد.[۱]

همچنین امام شافعی این احادیث مواقیت متواتره را بر غیر حالتی حمل کرده که احادیث جمع در مورد آن‌ها آمده است. پس تعارضی که حنفیه به آن استناد می‌کنند، واقع نشده است. هنگامی که رسول خدا در مدینه در حالت امن و مقیم بودن جمع کرده جز بر مخالفت این حدیث با تعیین اوقات جبریل، حمل نمی‌شود یا این که حالتی که در آن جمع کرده با آن حالت فرق داشته و این چنین بوده است. پس جایز نیست که گفته شود جمع ایشان (ص) در حضر مخالف آن آیات و احادیث است و برای جمع ایشان در حضر علت جداگانه‌ای وجود دارد که آن جز باران نمی‌باشد.[۲]

در این رابطه ابن قدامه فرموده است: "احادیث متواتره را ترک نمی‌کنیم بلکه آن‌ها را تخصیص می‌دهیم و تخصیص متواتر با خبر صحیح به اجماع جایز است و هم چنین تخصیص کتاب با خبر واحد به اجماع جایز است و تخصیص سنت با سنت به طریق اولی جایز است."[۳] و ابن عربی فرموده است: "استناد اهل عراق به این که اوقات نمازها از طریق متواتر ثابت شده پس با احادیث جمع چون آحاد هستند نسخ نمی‌شود و جواز جمع در عرفه از طریق نقل تعداد کافی و تواتر است، این غلط است چون هم‌چنان

---

۱. ابن قیم، *اعلام الموقعین*، ۴۲۳/۲.

۲. الشافعی، ۱۴۰۴ ق، ۹۴/۱.

۳. ابن قدامه، ۱۴۰۳ ق، ج ۲، ص ۲۷۳. و، ابو اسحاق ابراهیم بن موسی الشاطبی، *الموافقات*، تحقیق: ابی عبیده مشهور آل سلمان، الطبعه الاولی.

که اوقاتش به صورت متواتر ثابت شده هم‌چنین تعداد نمازها هم با تواتر ثابت شده اما به نمازها، وتر را افزوده‌ای و شش عدد شده است پس جمع با احادیث صحیح متعدد اولاتر است."[۱]

امام ابن قیم بعد از ذکر احادیث جمع رسول الله گفته است: همه این سنن در نهایت صحّت و صراحت هستند و تعارض برای آن‌ها نیست اما بعضی‌ها به خاطر این که جزو آحاد هستند رد کرده‌اند که اوقات نماز با تواتر ثابت شده‌اند. مانند حدیث امامت جبریل‌ علیه السلام برای پیامبر ﷺ و تعیین اوقات هر یک از نمازها و مانند حدیث عبدالله بن عمر، و این بیان از طریق قول و فعل پیامبر است. و این احادیث محکم و صریح در تفصیل اوقات بین امت به صورت اجماع هستند و در اوقات نماز به آن‌ها استناد کرده‌اند. و احادیث جمع که مراد از آن‌ها جواز جمع در فعل یا وقت است، مجمل و محتمل و غیر صریح هستند. پس چگونه احادیث صریح و مبیّن برای احادیث مجمل و محتمل ترک می‌شود و آیا این جز ترک محکم و اخذ متشابه نیست؟ اما جواب عسقلانی این بوده است که همه این‌ها حق و درست است و از طرف خداوند است و هر آن‌چه از طرف خدا باشد اختلاف در آن نیست. اما کسی که این مواقیت را با قول و فعل تعیین فرموده همان کسی است که جمع را با قول و فعلش تشریع کرده است. پس بعضی از سنت گرفته می‌شود و بعضی ترک می‌شود. و چنانچه اشاره شد، اوقاتی که پیامبر با قول و فعلش بیان فرموده بر حسب احوال مکلف یا اوقات سعت و رفاه هستند یا اوقات عذر و ضرورت که هر یک از آن‌ها

---

[۱]. ابن العربی، ۱۹۹۲ م، ۳۲۵/۱.

احکام مخصوص به خود دارند و همان گونه که واجبات و شروط نماز بر حسب تفاوت قدرت و عجز متفاوت است اوقاتش هم این چنین است. پیامبر اوقاتی را بیدار می‌شد و نماز می‌خواند و آن اوقات غیر از اوقات نماز پنج گانه است[۱].

و جواب دِلیل ششم، به حدیث ابن مسعود مربوط می‌شود که دلالت بر حصر نمازها در مزدلفه و نفی جمع در غیر آن دارد. جای شک نیست و اجماع است که پیامبر بین ظهر و عصر در عرفه را جمع کرده است اما در حدیثش نیامده پس حصرش درست نیست. و کسی اقامه نماز صبح را قبل از فجر نگفته و ثابت نیست که ایشان نماز صبح را قبل از فجر خوانده باشد و در این دو مورد اجماع است. لذا ثبوت شهادت به غیر از آن، بر خلاف قول ایشان است که پیامبر بین نمازها در سفر و حضر جمع کرده و از حدیث ابن عمر و انس و ابن عباس که مانند ایشان صحابه بوده‌اند ثابت است.[۲]

امام ذهبی بعد از ذکر تعریف و تمجید از علم و تفقه ایشان (ابن مسعود) می‌نویسد، با وجود این، فتاوی منفرده از ایشان ثابت است که تنها ایشان به آن فتوی داده است، هر امامی قولش ممکن است قابل قبول یا رد باشد جز پیامبر معصوم و احتمال دارد این حدیث منشأش از جمله فتوی منفرد ایشان باشد که از ظاهر حدیث نسبت به صحابه دیگر معلوم است.[۳]

---

[۱]. العسقلانی، ۱۳۷۹، ۵۲۶/۳.

[۲]. الساعاتی، *فتح الربانی*، ۴۰۱/۳.

[۳]. شمس الدین ابو عبدالله الذهبی، *تذکره الحفاظ*، محقق: عبد الرحمن بن یحی المعلمی، هند، حیدرآباد: دائرة المعارف العثمانیة، ۱۳۷۴ق، ۱۶/۱.

درباره‌ی دلیل هفتم از ابن عباس که جمع دو نماز از جمله گناهان کبیره است. همچنانکه اشاره شد، حسین بن قیس معروف به حنش از جمله راویان آن است و آراء محدثان در مورد او این است که او را ضعیف دانسته‌اند.[1]

راجع به هشتمین دلیل یعنی کتاب عمر (رض) که یکی از آن سه کبائر را جمع بین نمازها فرموده است، به فرض ثبوتشان، جمع بین این اخبار و آثار از جهت‌هایی ممکن است این معنی‌ها را داشته باشد:[2]

۱- به صورت مطلق آمده‌اند که بر همه نمازها صدق می‌کند اما حدیث ابن عباس آن را با جمع بین ظهر و عصر و مغرب و عشاء مقید کرده است. پس قول به حرمت همه نمازها در یک وقت واحد، در غیر نمازهایی است که ایشان (ص) جایز دانسته است.

۲- برای بیان حد نمازهای فوت و قضا شده است که آن‌ها را بدون عذر در وقت خود نخواند و با نماز دیگری جمع کرده است.

۳- یا این که منظور این است که اگر همیشه به صورت عادت هر روز نمازها را جمع کرد دچار گناه کبیره شده است.

درباره‌ی دلیل نهم، چنانکه اشاره شد، با توجه به احادیث دیگر و قول و فعل صحابه، برخی علما آن را از ابن مسعود بعید دانسته‌اند. و نیز دلیل دهم از لیث یعنی عدم ورود جمع در حضر از صحابه، رد است به دلیل ادله قایلان از اقوال صحابه و افعالشان که نقل شده که جمع از ابن عمر ثابت است. و علاوه بر فعل عمر، ابوبکر، عثمان، علی و جماعتی از تابعین،

---

[1]. الترمذی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۳۵۶، رقم ۱۸۸.
[2]. المبارکفوری، ۱۳۹۹ق، ۵۶۳/۱.

ابن تیمیه نیز ذکر کرده که جمع نمازها در حضر خصوصاً به سبب عذر مطر از صحابه با تواتر نقل شده است. و اغلب اگر که این آثار صحابه به لیث بن سعد نرسیده به سبب دوری وی از مدینه بوده است.[۱]

یازدهمین دلیل حمل حدیث ابن عباس بر جمع صوری است که خطابی و ابن عبدالبر و ابو خطاب و نووی و ابن تیمیه آن را ضعیف دانسته و گفته‌اند که جمع رخصت است و اگر صوری باشد سختی آن بیشتر است چون در آن حرج بزرگی است. همچنین، این برای هر کسی، در هر وقتی جایز است ولی رفع حرج در هنگام نیاز است و باید رخصت برای کسانی باشد که عذر دارند تا حرج از آن‌ها رفع شود. و دلیل جمع رخصت هم قول ابن عباس است که فرموده **«اراد ان لا یحرج أمته»** و همچنین اخبار به صراحت جمع را در وقت یکی از نمازها می‌دانند و آن از لفظ خود جمع نیز فهمیده می‌شود.[۲]

در واقع اوایل و اواخر اوقات برای بیشتر مردم قابل درک نیست و این یکی از دلایل رد جمع صوری است که خود سبب حرج است. تامل در احادیث جمع کند مشخص می‌کند که همه آن‌ها در جمع وقت نه جمع فعل و صوری صراحت دارند و جمع فعل، همراه سختی و مشقّت است که باید منتظر فرصتی بود که وقت اولی فقط به اندازه انجامش باقی مانده باشد به صورتی که اگر سلام داد وقت دوم داخل شود به این ترتیب هر

---

[۱]. ابن تیمیه، ۱۳۹۸، ۸۳/۲۴.

[۲]. نووی، ۱۴۰۷، ۲۱۸/۵. و، ابن عبدالبر، ۱۴۰۳ق، ۲۰/۶. و، احمد بن عمر القرطبی، ۱۴۱۷ق، *المفهم*، تحقیق: جمعی، دار ابن کثیر، الطبعه الاولی، ۳۴۴/۲. و، قاضی عیاض، ۱۴۱۹ق، ۳۴/۳. و، ابی عبدالله محمد المواق، *التاج و الإکلیل لمختصر الخلیل*، دار الکتب العلمیة، الطبعة الأولی، ۱۴۱۶ه، ۱۵۳/۱. و، العراقی، *طرح التثریب فی شرح التقریب*، ۱۲۷/۳.

یک از آن‌ها در وقتش خوانده شده است. مراعات وقت نماز به نحوی که به اندازه چهار رکعت یا سه رکعت وقت باقی بماند تا نماز را شروع کند و به موقع تمام کند که وقت اولی تمام و وقت دومی فرا برسد از نظر علم و عمل در نهایت عسر و حرج و مشقت است و این منافی مقصود جمع است و الفاظ سنت صحیح و صریح آن را رد می‌کنند. این قلب نمازگذار را در نماز به خود مشغول می‌کند و از مقصود اصلی نماز نیز دور می‌کند.[۱]

ابن قدامه فرموده است: اگر جمع به صورت صوری بود جمع بین عصر و مغرب و عشاء و صبح جایز می‌شد در حالی که اختلافی در تحریم آن بین امت نیست.[۲] دیگر این که تأویل به جمع صوری هیچ دلیل ندارد و دلیل دیگر این که ابن عباس به صورت جمع تاخیر جمع کرده و برای دلیلش به حدیث پیامبر استناد کرد و اعتراض مردم را در موقعی که خطبه می‌خواند برای اداء نماز جواب داد و با دلیلش سکوت اختیار کردند. اگر ابن عباس نماز را به صورت جمع صوری انجام داده بود عبدالله بن شقیق که اعتراض کرده بود می‌دانست که با جمع صوری هر نمازی در وقت معین شرعی انجام می‌شود پس چرا برایش غریب بود و از ابی هریره پرسیده و ایشان آن را تایید کردند. و ابن عباس در ادامه فرمود که پیامبر برای رفع حرج از امتش این کار را کرد. هر موقع جمع صوری انجام شود نماز در وقت معین خود بوده و رخصتی حاصل نشده تا حرج رفع شود و حکم از واجب به اباحه تغییر نکرده است خصوصاً این که در مدینه در حضر انجام داده است. اینها همه دلیل بر جمع حقیقی هستند نه صوری.

---

۱. الزرقانی، ۱۴۰۱ق. و، ابن تیمیه، ۱۳۹۸، ۵۴/۲۴ و، ابن قیم، *اعلام الموقعین*، ۴۲۳/۲- ۴۲۴.
۲. ابن قدامه، ۱۴۰۳، ۲۷۳/۲.

از طریق جابر بن عبدالله آمده که پیامبر برای رخصت این را انجام داد و رخصت در لغت به معنای تیسیر و تسهیل و مخالف تشدید است و در عرف اهل اصول، تغییر حکم شرعی از سختی به آسانی به سبب عذری با وجود حکم اصلی است. و این در جمع حقیقی است که در آن تغییر به سبب سختی در وقت معین و جواز تأخیر یا تقدیم نماز به سهولت به سبب عذر و حاجت است. و همچنین از خود لفظ جمع می‌توان آن را فهمید که در شریعت جمع جز بر جمع حقیقی اطلاق نمی‌شود. همچنانکه خطابی گفته است: در ظاهر اسم جمع بر کسی که ظهر را تا آخر وقتش به تأخیر اندازد و عصر را در اول وقت خود بخواند اطلاق نمی‌شود چون در این صورت هر نمازی در وقت مخصوص خود خوانده شده و جمع باید انجام هر دو نماز در وقت دیگری باشد همچنانکه جمع بین نمازها در عرفه و مزدلفه این چنین است. بعضی از سنت بعضی از آن را تبیین می‌کند، به فرض این که در عرف شرع جمع فقط جمع حقیقی نمی‌باشد. جمع پیامبر در سفرهایش مشخص می‌کند که مراد از جمع همان جمع حقیقی است نه صوری همچنانکه پیامبر در عرفه نماز را به صورت جمع تقدیم خوانده و جمع تاخیر را هم در مزدلفه انجام داده است.

اگر مراد از جمع، جمع صوری باشد با حدیث "**من جمع بین الصلاتین من غیر عذر فقدأتی باباً من ابواب الکبائر**"، در تعارض است که جمع صوری را استثنا نکرده است. اگر از احادیث، کیفیت جمع پیامبر فهمیده نشود که صوری یا حقیقی بوده، از فعل راوی به خوبی و به صراحت فهمیده می‌شود که ابن عباس جمع را به صورت جمع تاخیر انجام داد و به

جمع پیامبر استدلال کرد.[۱]

همچنین این حدیث ابن عباس که نسائی با لفظ، "**صلّیتُ مع النبی الظهر و العصر جمیعاً و المغرب و العشاء جمیعاً اخّر الظهر و عجّل العصر و اخّر المغرب و عجل العشاء**" روایت کرده است و از آن جمع صوری فهمیده می‌شود، باطل است. چراکه قسمت "اخر الظهر و عجل العصر و اخرالمغرب و عجل العشاء" جزو کلام ابن عباس نیست و در اصل سؤال عمرو بن دینار از ابی شعثاء است که قتیبه بن سعید در حدیث وارد کرده است. عبدالله بن شقیق، صالح مولی التوأمه، شقیق بن سلمه ابووائل، طاوس، عکرمه، سعید بن جبیر، ابو شعثاء و جابر بن زید از کسانی هستند که این حدیث ابن عباس را روایت کرده‌اند و از جابربن زید نیز، عمرو بن هزم و قتاده و عمرو بن دینار و از عمرو بن دینار، محمد بن مسلم، حماد بن زید، شعبه، ابن جریج، معمر، روح بن القاسم، حماد بن سلمه و سفیان بن عینیه و از سفیان بن عینیه، محمد بن ادریس و ابوبکر بن ابی شیبه و احمد بن حنبل و علی بن المدین و قتیبه بن سعید روایت کرده‌اند، که هیچ یک از این روایان، آن بخش اضافی را روایت نکرده‌اند جز قتیبه بن سعید.[۲]

و در نهایت این که در جمع صوری به روایت ابن مسعود در بخاری استناد می‌شود که پیامبر را ندیده که در غیر وقتش نمازها را بخواند جز در دو نماز جمع بین مغرب و عشاء در مزدلفه و نماز فجر قبل از وقتش. و گفته می‌شود که ابن مسعود به طور مطلق جمع را نفی کرده جز همین دو

---

۱. العسقلانی، ۱۳۷۹، ص ۵۲۶.

۲. ابی الفیض احمد بن محمد الغماری، *ازاله الخطر عن جمع بین الصلاتین فی الحضر*، مکتبة القاهرة، الطبعة الثانیة، ۲۰۰۹، ص ۱۴۰.

مورد جمعی که گفته و در این دو حصر کرده است. اما همچنانکه گفته شد حصرش باطل است چون اجماع است که در عرفه هم پیامبر (ص) جمع کرده است. دوم این که عدم علم به رؤیتش مستلزم عدم ثبوت و وقوع نیست چون از بیشتر صحابه‌ها جمع ثابت است جدای از این که چه جمعی باشد.

از این گونه موارد از ابن مسعود وارد است که باید به حساب فتوای فردیش و نسیان‌هایش گذاشت. جدا از آن چه که ذهبی از ایشان گفته بود که دارای فتاوای منفرده است، از ایشان نسیان‌هایی هم نقل شده و شاید همین نسیان، سبب این فتاواهایش شده است. همچنانکه عبدالرزاق روایت کرده است که وی رفع یدین را در سه جای نماز که به تواتر ثابت شده و معوذتان در قرآن را هم که اختلافی در آن نیست فراموش کرده و این که پیامبر در وقت خودش نماز صبح را خوانده و هم چنین کیفیت جمع پیامبر در عرفه و مزدلفه از جمله نسیان‌های ایشان هستند.

این که نوعی اضطراب در احادیث ابن عباس است که یکبار در غیر خوف و سفر و در جای دیگر در غیر خوف و مطر، از ایشان نقل شده است جای تأمل است. حسن السقاف در رساله‌اش امعان النظر[1] درباره‌ی متن حدیث شدیداً مضطرب، گفته است که: در علم مصطلح حدیث و اصول آمده که اگر حدیثی در سند یا متن مضطرب باشد احتجاج به آن هرگز جایز نیست، چون حدیث مضطرب دارای شرطی است که باید آن را داشته باشد.

---

[1]. حسن بن علی السقاف، *إمعان النظر فی مسألتی المسح علی الخفین و الجمع بین الصلاتین فی المطر*، ص ۵.

عراقی در طرح التثریب[1] می‌گوید: حدیث مضطرب معلول است و روایات ساقط می‌شوند اگر **"تساوی وجوه الاضطراب"** باشد یعنی اگر وجوه و طرق آن مثل هم مساوی باشند. اما اگر بعضی وجوه و طرق را بتوان ترجیح داد حکم با روایت راجح داده می‌شود. و ابی حجر نیز فرموده است: «**و شرط الاضطراب ان تتساوی الوجوه فی الاختلاف و اما إذا تفاوتت فالحکم لرّاجح بلاخلاف**»[2]. یعنی، شرط اضطراب این است که وجوه و طرق آن احادیث که اختلاف دارند مساوی باشند اما اگر وجودشان متفاوت بود بدون اختلاف حکم به حدیثی است که راجح است. به همین سبب روایت راجح را (**من غیر خوف و لامطر**) پسندیده‌اند که از روایت حبیب بن ابی ثابت است و ایشان هم از رجال صحیحین است. اما روایت دیگر (**من غیرخوف و لا سفر**) از روایت ابن الزبیر است و تنها مسلم از ایشان روایت کرده است. هرچند در واقع اضطرابی در بین آن‌ها نیست و قابل جمع هستند که پسندیده تر نیز هست از اینکه بگویم روایات مضطربی هستند چون در اوقات مختلف بوده است و هر دو روایت صحیح، و از وجوه و طرق متفاوتی هستند و اضطرابی در بین آن‌ها مشاهده نمی‌شود.

و این که بین حدیث ابن مسعود (**ما رأیتُ رسول الله صلاه لِغَیر وقت‌ها الا بِجمع**) و احادیثی که جمع را جایز می‌کند تعارض وجود دارد، پس حدیث ابن مسعود به سبب فقیه تر بودن راوی که آن به احتیاط نزدیک‌تر است هنگام تعارض مقدم می‌شود به دلایل زیر رد است. چنانچه اشاره شد اولاً، امام ذهبی در مورد ایشان فرموده است که از بزرگان صحابه و علم و

---

[1]. العراقی، *طرح التثریب*، ۱۲۹/۲.

[2]. العسقلانی، ۱۴۱۵، ۵۷۸/۳.

دانش است اما با وجود این، قرائات و فتاوی شخصی زیادی دارد و هر امامی قولش قبول یا رد می‌شود جز امام متقین صادق مصدوق امین معصوم پیامبر (ص). دوم این که اقوال و افعال دیگر بزرگان صحابه دلالت بر مشروعیت جمع نمازها دارد. سوم این که احادیثی هست که دلالت واضح بر مشروعیت جمع دارند و اثبات بر نفی هنگام تعارض همچنانکه اصولیان گفته‌اند مقدم است.

بیهقی در جواب قول ابن مسعود برای منع جمع می‌گوید: "پس حکم با قولی است که آن را جایز می‌دانند و از کسانی که رسول خدا را دیده و شاهد ایشان بوده‌اند جمع نمازها را روایت کردیم."[1] در این رابطه، امام شافعی فرموده است: ما و شما اصحاب مالک از حدیث معاذ مشروعیت جمع در سفر را گرفته‌ایم اما بعضی از ابن مسعود روایت کرده‌اند که پیامبر جز در مزدلفه جمع نکرده است. دلیل ما این است که اگر ابن مسعود گفته که انجام نداده دیگران گفته‌اند انجام داده و قول کسانی که گفته‌اند انجام داده اولی تر است چون شاهد آن بودند و کسی که گفته انجام نداده شاهد انجامش نبوده و قول یک نفر مخالف حجت نیست.[2] و اما تأیید جمله آخر تفسیر راوی حدیث ابن عباس (**اخّر الظهر و عجّل العصر و عجّل العشاء**) به دلایل زیر باطل است:

۱- آن راوی تفسیرش قبول می‌شود و بر تفسیر دیگران مقدم می‌شود که راوی حاضر قضیه است و آن را مشاهده کرده است مانند صحابه اما اکثر راویان این چنین نیستند.

---

[1]. البیهقی، *خلافیات*، تحقیق: ابی عبید مشهور بن آل سلمان، دارالصمیمی، الطبعه الاولی، ۱۴۱۵ق، ۸۱/۲.

[2]. البیهقی، ۱۴۱۱ق، ۶۸/۲.

۲- و این که تفسیرش از روی حجت و نقل نیست بلکه ظن ایشان است (**و ظن لایغنی من الحق شیئاً**).

۳- این که از بین راویانش تنها یک نفر از راویان این جمله را در آخرش آورده است. نتیجه این که قول راجح و نزدیک به مقصد تشریع جمع در عرفات و مزدلفه و سفر و حضر به سبب حاجت و عذر، جایز است. برای رفع حرج از بندگان و آسانی بر آن‌ها است و این از علت منصوص آن فهمیده می‌شود «که امتش در حرج نباشد». و جمهور غیر حنفیه برای انجام جمع، وجود عذر سفر یا وجود عذری در حضر را شرط دانسته‌اند.

۲-۲-۲-۱- مفهوم عذر و مصادیق مهم آن:

براساس سوره‌ی کهف آیه ٧٦، عذر سببی است که موجب اباحه رخصت می‌شود.[1] ابن منظور در تعریف عذر می‌گوید "**العذر: الحجه التی یعتذرُ بها**"، یعنی، حجت و دلیلی که با آن عذر و پوزش خواسته می‌شود. مانند جهل، خواب، سهو، حیض، مریضی، سفر، حاجت و نیاز، بارندگی و....[2] عذرهای مشروع عبارتند از: ۱- دشوار بودن انجام واجب مانند سلس البول بودن و، ۲- مشقتی که برخلاف معمول در انجام عارض می‌شود مثل بیماری، سفر. آثار عذر، اباحه رخصت، عدم گناه وعدم قضا می‌باشد.[3]

---

[1]. جلالی زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۸۴.

[2]. محمد ابن منظور، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر، الطبعه الثالثه، ج ۴، ۱۴۱۴ق، ص ۵۴۵

[3]. جلالی زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۸۴.

۲-۲-۲- ۲- ضابطه عذر جمع نماز:

همانا ابن عباس هنگامی که از ایشان سؤال شد که چرا پیامبر در غیر سفر و مطر و خوف نمازها را جمع کرد؟ از پیامبر نقل کرد که فرمود: **«أراد أن لا یحرج أمته»** و در روایت طبرانی از ابن مسعود آمده **«لئلا تحرج امتی.»** شوکانی در تفسیر این عبارت گفته است: تا دچار مشقّت و سختی نشوند و بر آن‌ها آسان شود.[1] البته مسلّم است که انجام تکالیف خود به نوعی دارای مشقّت هستند اما این مشقت‌ها عادی هستند (مشقه معتاده) به همین سبب تکلیف نامید شده‌اند و این اندازه از مشقّت مانع انجام تکلیف نیست. و این در توانایی و استطاعه انسان‌ها به طور عمومی است که خداوند نفس‌ها را به آن مکلف کرده است اما اضافه بر امر خدا به سبب عارضه دیگری غیر عادی می‌شود.[2]

۲-۲-۳- جواز جمع نمازها در سفر و ادله آن:

جمع در عرفه و مزدلفه اجماع دارد[3] و مورد اتفاق تمامی مسلمانان است و علت اینکه ادله‌اش را در اینجا ذکر می‌کنیم آن است که غیر حنفیه علت جمع در آن دو مکان را سفر می‌دانند. امام مسلم[4] به طور مفصل در باب حجه النبی آورده که چگونه پیامبر حج انجام داده و انجام چگونگی نماز پیامبر در عرفه و مزدلفه را نیز بیان فرموده است. در اینجا به خلاصه‌ای از

---

[1]. شوکانی، ۱۹۷۳م، ۲۴۵/۳.

[2]. الشاطبی، الموافقات، ۲۱۴/۲.

[3]. ابن منذر، ابوبکر محمد، *الاجماع*، تحقیق: فواد عبد المنعم، دارالمسلم، الطبعه الاولی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۳۸.

[4]. مسلم النیشابوری، صحیح، ۸۸۶/۲، شماره ۱۲۱۸.

یک حدیث صـحیح در بخاری و مسـلم اکتفا می‌کنیم که مورد قبول همه مذاهب است و اختلافی در آن نیست بدین صورت که رسول خدا پس از شش سال در سال ده هجری قصد حج فرمودند و به مردم اعلام کردند و همراه آن‌ها به حج تشریف بردند. در عرفه هنگامی که خورشید زوال کرد خطبه‌ای برای مسـلمانان بیان فرمود و اذان و اقامه گفته و نماز ظهر را خواندند. سـپس اقامه دیگری گفتند و نماز عصر را خواندند و نماز سنت رواتبی را بینشان نخواند و سوار شدند تا به مزدلفه رسیدند. بعد از غروب خورشـید در آنجا مغرب و عشـا را با یک اذان و دو اقامه خواندند بدون اینکه چیزی از نماز سنت بینشان بخواند.

جمع در عرفه و مزدلفه دلالت صریح و صحیح در جمع تقدیم ظهر و عصـر و جمع تأخیر مغرب و عشـا به صـورت جمع حقیقی است[1]. جمع نمازها در سفر در وقت یکی از آن‌ها بنابر قول بیشتر اهل علم جایز است[2]. احادیث جمع در سـفر براساس وقت نماز ظهر و عصر یا مغرب و عشا و اینکه جمع حقیقی یا صوری را بیان می‌کنند عبارتند از:

گروه اول، تنهـا جمع مغرب و عشـا را ثابت می‌کنند، تقدیم و تأخیر، حقیقی و صـوری آن معلوم نیست. مانند حدیث انس بن مالک که فرموده اسـت: **"كان النبی صلی الله علیه وسلم یجمعُ بین صلاه المغرب و العشاء فی السـفر."**[3] یعنی، پیامبر نماز مغرب و عشـا را در سـفر جمع می‌کرد. و نمونه دوم، حدیث پدر سـالم یعنی عبدالله از پیامبر اسـت که گفته: **"كان**

[1]. السرخسی، ۱۳۴۵ق، ج ۱، ص ۱۴۹.
[2]. ابن قدامه، ۱۴۰۳ ق، ج ۲، ص ۲۰۰.
[3]. البخاری، ۱۴۲۲ ق، ۱۱۰۸.

النبی صلی الله علیه و سلم یجمعُ بین المغرب و العشا اذا جد به السیر"[1]، و در صحیح مسلم با لفظ «**رأیت رسول الله**» آمده است. یعنی، پیامبر را دیدم هر گاه در طی کردن مسیر شتاب داشت نماز مغرب و عشا را جمع می‌کرد. و حدیث سوم از ابن عمر است که فرموده است: "**کان رسول الله صلی الله علیه وسلم إذا عَجِل به السیر جَمّع بین المغرب و العشاء**"[2]، یعنی، پیامبر خدا هر گاه در طی کردن و رفتن به جایی شتاب و عجله داشت نماز مغرب و عشا را جمع می‌کرد.

گروه دوم، احادیثی هستند که به جمع تأخیر مغرب و عشا اشاره دارند اما جمع حقیقی یا صوری آن معلوم نیست. برای نمونه حدیث ابن عمر از پیامبر که فرموده است: "**رایتُ رسول الله صلی الله علیه و سلم اذا أعجَلَه السیْر فی سفر یؤخر صلاة المغرب حتی یجمعَ بینها و بین العشاء.**"[3] یعنی، رسول خدا را دیدم که هرگاه برای طی کردن مسیر سفرش عجله داشت نماز مغرب را به تأخیر می‌انداخت تا آن را با عشا جمع می‌کرد. و حدیث دوم از پدر سالم به مانند آن آمده و فرموده است: رسول خدا را دیدم هرگاه برای رفتن به جایی عجله داشت نماز مغرب را به تأخیر می‌انداخت تا آن را با نماز عشا جمع می‌کرد[4].

گروه سوم، جمع تأخیر مغرب به وقت عشا و به صورت جمع حقیقی را می‌رسانند. برای نمونه حدیث ابن عمر فرموده: "**کان اذا جدَّ به السیر**

---

[1]. همان، ۱۱۰۶.
[2]. صحیح مسلم، ۷۰۳/۴۲.
[3]. البخاری، ۱۴۲۲ ق، ۱۱۰۹.
[4]. صحیح مسلم، ۷۰۳/۴۵.

جَمَعَ بین المغرب و العشاء بعد ان یغیبَ الشفق."[1] یعنی، اگر در طی کردن مسیرش عجله داشت مغرب و عشا را بعد از اینکه شفق غروب کرد جمع می‌کرد. و غروب شفق نیز معلوم است که نشانه دخول و شروع وقت عشا است[2].

گروه چهارم، جمع تأخیر ظهر به وقت عصر را به صورت جمع حقیقی و صریح و صحیح بیان می‌کنند. برای نمونه حدیث انس بن مالک است که فرموده: "**کان رسول الله صلی الله علیه وسلم إذا ارتَحَل قبل ان تَزیغَ الشمسُ اخرَّ الظهر الی وقت العصر ثم نزل فجمع بینها فان زاغت الشمس قبل ان یَرتَحَل صلی الظهر ثم رکب.**"[3] یعنی، رسول خدا هر گاه قبل از زوال و مایل شدن خورشید از وسط آسمان، برای مسافرت حرکت می‌کرد نماز ظهر را به وقت عصر به تأخیر می‌انداخت سپس توقف می‌کرد و پیاده می‌شد و آن‌ها را جمع می‌کرد و اگر خورشید زوال می‌کرد قبل از حرکت، نماز ظهر را می‌خواند سپس حرکت می‌کرد. در روایت صحیح دیگری از انس که بعدا ذکر خواهد شد در آخر روایت آمده که نماز ظهر و عصر را می‌خواند بعد حرکت می‌کرد. در حدیث دیگری از انس بن مالک این روایت با صراحت بیشتری آمده و فرموده: "**کان النبی اذا ارادَ أن یَجمَعَ بین الصلاتین فی السفر اخَّر الظهَر حتی یدخُل اولُ وقت العصر ثم یجمع بینهما.**"[4] یعنی، پیامبر هرگاه می‌خواست که دو نماز را در سفر جمع کند

---

[1]. همان، ۷۰۳/۴۳.
[2]. الجزیری، ۱۴۲۴ ق، ج ۱، صص ۱۶۶ و ۱۶۸.
[3]. مسلم، ۷۰۴/۴۶. و، ابوداود، ۱۳۰۶ق. و، ابو عبد الله محمد، صححه *البانی*، تحقیق: عبد الباقی، المکتبه عیسی الحلبی و دار احیاء الکتب العربیه.
[4]. صحیح مسلم، ۷۰۴/۴۷.

ظهر را به تأخیر می‌انداخت تا اول وقت عصر برسد سپس آن را جمع می‌کرد.

گروه پنجم، جمع ظهر و عصر، مغرب و عشا را بدون مشخص بودن تقدیم و تأخیر، حقیقی یا صوری بیان می‌کنند. از آن جمله، حدیث ابن عباس است که فرموده: **"کان رسول الله صلی الله علیه و سلم یجمعُ بین صلاه الظهر و العصر اذا کان علی الظهر سیر و یجمع بین المغرب و العشاء."**[۱] یعنی، رسول خدا بین نماز ظهر و عصر و بین مغرب و عشا را هنگامی که در حال سفر بود جمع می‌کرد. و حدیثی از معاذ بن جبل که فرموده: **"ان النبی صلی الله علیه و سلم جمع بین الظهر و العصر و المغرب و العشاء فی غزوه تبوک فی السفر."**[۲] یعنی، پیامبر (ص) نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را در غزوه تبوک در سفر جمع کرد.

گروه ششم، جمع تأخیر ظهر و عصر و مغرب و عشا را می‌رساند و حقیقی و صوری آن‌ها معلوم نیست. حدیث معاذ بن جبل از این دسته است که فرموده: **"انهم خرجوا مع رسول الله فی غزوه تبوک فکان رسول الله صلی الله علیه و سلم یجمع بین الظهر و العصر و المغرب و العشا فأخّرَ الصلاه یوما ثم خرج فصلی الظهر و العصر جمیعاً ثم دخل ثم خرج فصلی المغرب و العشا جمیعاً."**[۳] یعنی، صحابه با رسول خدا به غزوه تبوک رفتند، رسول خدا نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را جمع می‌کرد، روزی نماز را به تأخیر انداخت سپس رفت نماز ظهر و عصر را به صورت جمع

[۱]. البخاری، ۱۴۲۲ ق، ۱۱۰۷.
[۲]. الترمذی، ۱۳۹۵ ق، ص ۵۵۴.
[۳]. ابو عبدالله محمد، صحیح البانی، ۱۰۷۰.

خواند بعد دوباره وارد غزوه شد بعد دوباره رفت و نماز مغرب و عشا را به صورت جمع خواند.

گروه هفتم، جمع تأخیر ظهر و عصر و مغرب و عشا را به صورت جمع حقیقی به صراحت بیان می‌کنند. از جمله اینها می‌توان به حدیث انس اشاره کرد که گفته: هرگاه پیامبر برای رفتن به سفری عجله داشت نماز ظهر را تا اول وقت عصر به تأخیر می‌انداخت و آن‌ها را جمع می‌کرد و همچنین مغرب را به تأخیر می‌انداخت تا با عشا هنگام غروب شفق جمع کند.[1]

گروه هشتم، جمع تقدیم ظهر و عصر، مغرب و عشا را به صورت حقیقی بیان می‌کند اما حقیقی یا صوری بودن جمع تاخیرشان معلوم نیست و هر دو را شامل می‌شود. احادیث جمع معاذ بن جبل تا حدودی از این دسته‌اند. برای نمونه می‌توان به این حدیث معاذ اشاره کرد که فرموده: **"کان فی غزوه تبوک إذا ارتَحَلَ قبل ان تزیغ الشمس اخّر الظهر حتی یجمعها الی العصر فیصلیهما جمیعا و اذا ارتحل بعد زیغ الشمس صلی الظهر و العصر جمیعا ثم سار و کان اذا ارتحل قبل المغرب اخر المغرب حتی یُصلیها مع العشاء و اذا ارتحل بعد المغرب عجّل العشاء فصلاها مع المغرب."**[2] و ابو داود در ادامه‌اش گفته: **"و لم یرو هذا الحدیث الا قُتیبه وحده."**[3] یعنی، در غزوه تبوک هرگاه پیامبر قبل از زوال خورشید حرکت می‌کرد ظهر را به تأخیر می‌انداخت تا با عصر جمع کند پس آن‌ها را به

[1]. ابوداود، ۱۲۰۶.
[2]. النیشابوری، صحیح، ۷۰۴/۴۸.
[3]. ابوداود، ۱۲۰۶، ۱۲۲۰.

صورت جمع می‌خواند و هرگاه بعد از زوال خورشید حرکت می‌کرد ظهر و عصـر را به صورت جمع تقدیم می‌خواند بعد برمی‌گشت و هر گاه قبل از مغرب حرکت می‌کرد مغرب را به تأخیر می‌انداخت تا با عشا جمع شود و اگر بعد از مغرب حرکت می‌کرد عشا را با مغرب به صورت جمع تقدیم می‌خوانـد. ابو داود در ادامـه‌اش گفتـه این حـدیـث فقط از طریق قتیبه به تنهایی آمده اسـت. و همچنین از معاذ آمده اسـت که: **"ان النبی صلی الله علیه وسلم کان فی عزوه تبوک إذا ارتحل قبل زیع الشمس اخر الظهر الی ان یجمعها الی العصر فیصلیهما جمیعا و اذا ارتحل بعد زیغ الشمس عجل العصر الی الظهر وصلی الظهرو العصر جمیعاً ثم سار و کان اذا ارتحل قبل المغرب اخر المغرب حتی یصلیها مع العشاء و اذا ارتحل بعد المغرب عجل العشـاء فصـلاها مع المغرب."**[1] یعنی، پیامبر صلی الله علیه وسلم در غزوه تبوک هرگـاه قبـل از زوال خورشــیـد حرکـت می‌کرد ظهر را بـه تأخیر می‌انداخت تا با عصر جمع کند و آن‌ها را به صورت جمع می‌خواند و اگر بعد از زوال خورشید حرکت می‌کرد عصر را به ظهر می‌برد و ظهر و عصر را به صورت جمع تقدیم می‌خواند بعد برمی‌گشت و هرگاه قبل از مغرب حرکت می‌کرد مغرب را به تأخیر می‌انداخت تا آن را با عشاء جمع کند و هرگاه بعد از مغرب حرکت می‌کرد عشاء را به مغرب می‌برد و با مغرب به صورت جمع تقدیم می‌خواند.

تا حدودی همه لفظهایی که از معاذ آمده مثل هم هستند اما بعضی‌ها از طریق قتیبه آمده‌اند و آن را ضعیف دانسته‌اند. در مسند امام احمد و صحیح ابن حبـان و ابوداود و ترمذی هم آمده‌اند. ترمذی بعد از بیان آن گفته: نزد

---

[1]. الترمذی، ۱۳۹۵ ق، ۵۵۳

اهل علم حدیث ابی زبیر از ابی طفیل از معاذ معروف اســت که پیامبر در غزوه تبوک ظهر و عصــر و مغرب و عشــاء را جمع کرده اســت، به همین دلیل امام شــافعی و امام احمد و اسحاق گفته‌اند: اگر نمازها را در سفر در وقت دیگری جمع کرد اشکالی ندارد[1].

گروه نهم، جمع ظهر و عصــر و مغرب و عشــاء را به صــورت صوری بیان می‌کنند. حدیثی از عمرو از جابر ابن زید از ابن عباس آمده که فرموده است: **"صلیت مع النبی صلی الله علی و سلم ثمانیاً جمیعا و سبعاً جمعیاً قلت: یا ابا الشــعثاء اظنه اخر الظهر و عجل العصــر و اخر المغرب و عجل العشــاء قال: و انا اظن ذلک."**[2] یعنی، هشــت رکعت را به صورت جمع و هفت رکعت را به صــورت جمع با پیامبر خواندم. راوی عمرو ابن دینار به ابــا شــــعثاء (جابر بن زید) گفته که گمان دارم ظهر را به تأخیر انداخته و عصر را به تعجیل خوانده و مغرب را به تأخیر انداخته و عشاء را با تعجیل خوانده باشد، جابر گفت: من هم همین گمان را دارم.

گروه دهم، جمع تأخیر و تقدیم ظهر و عصــــر و مغرب و عشــــاء را به صـــورت جمع حقیقی می‌رســـانند. مهمترین نمونه این مورد حدیث حجه النبی اســـت که در صحیح مسلم به تفصیل آمده است. در این باره، حدیثی از انس را نقل می‌کنیم که فرموده: **کان رســول الله صلی الله علیه وسلم إذا ارتحل قبل ان تزیغ الشمس اخر الظهر الی وقت العصر ثم نزل فجمع بینهما فان زاغت الشــمس قبل ان یرتحل صــلی الظهر و العصــر ثم رکب**[3]. **و فی**

---

[1]. امام احمد، ۱۳۹۸ق، ۲۲۰۹۴. و، ابن حبان، ۱۳۷۲، ۱۵۹۳. و، الترمذی، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۳۹.
[2]. النیشابوری، صحیح، ۷۰۵/۵۵.
[3]. البخاری، ۱۴۲۲ ق، ۵۸. النیشابوری، صحیح مسلم، ۷۰۴.

روایه:صلی الظهروالعصرثم رکب[1]. یعنی، رسول خدا هرگاه قبل از زوال خورشید حرکت می‌کرد ظهر را تا وقت عصر به تأخیر می‌انداخت بعد توقف می‌کرد و بین ظهر و عصر را به صورت جمع تأخیر می‌خواند و اگر خورشید زوال می‌کرد قبل از اینکه حرکت کند نماز ظهر می‌خواند بعد سوار می‌شد. و در روایتی آمده نماز ظهر و عصر را می‌خواند بعد سوار می‌شد. قسمت اول روایت متفق علیه است و قسمت آخر آن که در روایت دیگر آمده از همان طریق بخاری و مسلم است که ابونعیم در مستخرج علی مسلم و حاکم در اربعین آورده‌اند و ابن حجر و منذری و نووی آن را صحیح دانسته‌اند[2]. و از طریق دیگری از انس همچنین آمده: "**اذا کان فی سفر فزاغت الشمس قبل ان یرتحل صلی الظهر و العصر جمیعاً و ان ارتحل قبل ان تزیغ الشمس جمع بینهما فی اول وقت العصر کان یفعل ذلک فی المغرب و العشاء.**"[3] یعنی، اگر رسول خدا در سفر بود و قبل از اینکه حرکت می‌کرد خورشید زوال می‌کرد ظهر و عصر را به صورت جمع تقدیم می‌خواند و اگر قبل از اینکه خورشید زوال کند حرکت می‌کرد آن‌ها را در وقت نماز عصر به صورت جمع تأخیر می‌خواند و آن را در مورد مغرب و عشاء نیز انجام می‌داد. هیثمی در مورد این حدیث گفته: "**رجاله موثقون**"، یعنی رجال سند حدیث ثقه هستند[4]. و در تکمیل سند انس همچنین از انس آمده: "**کان رسول الله اذا کان فی سفر فزالت الشمس صلی**

---

[1]. ابونعیم احمد الاصبهانی، *المسند المستخرج علی صحیح مسلم*، التحقیق: محمد حسن، بیروت، دارالکتب العلمیه، الطبعه الاولی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، شماره ۱۵۸۲، ص ۲۹۴.

[2]. العسقلانی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۸۲۹. العسقلانی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۲۳.

[3]. الطبرانی، *المعجم الاوسط*، ۱۴۱۵، ج ۷، ص ۲۹۹، شماره ۷۵۵۲.

[4]. الهیثمی، ۱۴۱۲ ق، ج ۲، ص ۱۶۰، شماره ۲۹۷۳.

الظهر و العصر جمیعاً ثم ارتحل."[1] یعنی، رسول خدا اگر در سفر بود و خورشید زوال می‌کرد نماز ظهر و عصر را به صورت جمع می‌خواند بعد حرکت می‌کرد. این دسته دهم قوی‌ترین و کامل‌ترین دلیل می‌باشد.

به هر حال، جماعت زیادی از فقها و همه مذاهب مشهور جز حنفیه قایل به مشروعیت جمع با عذر سفر هستند، اما شروط سفری که سبب جواز جمع می‌شود مورد اختلاف است:

اول، مالکیه، لیث بن سعد، اوزاعی و ثوری جواز جمع ظهر و عصر و مغرب و عشا را در سفر مخصوص کسی می‌دانند که در طی کردن مسیرش شتاب و عجله دارد[2]. متاخرین مالکیه قول مشهور را مطلق می‌دانند چه در طی کردن مسیر عجله وجود داشته باشد و یا نه و چه طی کردن مسیرش با عجله برای رسیدن به کاری و مالی یا صرفا برای طی کردن مسافت باشد، مساوی است[3]. قاضی عیاض و قرطبی جمع مطلق در سفر را از جمهور سلف و علمای حجاز و فقهای محدث و اهل ظاهر حکایت کرده‌اند[4]. سائر ائمه مذاهب جز حنفیه از جمله شافعیه، حنابله، ظاهریه، ابن حبیب، ابن ماجشون مالکی و متأخرین مالکی قایل به مشروعیت جمع در سفر بدون این شرط هستند[5]. روایت مشهوری را از امام مالک نیز نقل کرده‌اند که جمع در سفر بدون این شرط هم جایز است[6].

---

[1]. البیهقی، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۲۳۱، شماره ۵۵۲۳.

[2]. امام مالک، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص ۱۱۱. و، ابن عبدالبر، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۹۸. و، البغدادی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۴۰۱.

[3]. محمد بن احمد الدسوقی، *حاشیه الدسوقی علی الشرح الکبیر*، مصر، الحلبی، [دون تا]، ج ۱، ص ۳۳۹.

[4]. قاضی عیاض، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۳۵. و، القرطبی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۴۳.

[5]. منصور بن یونس البهوتی، *کشاف القناع*، مکه، مطبعه الحکومه، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۳. و، المواق، ۱۴۱۶هـ ج ۲، ص ۱۵۳. و، ابن حزم، ج ۴، ص ۲۶۴.

[6]. الزرقانی، ۱۴۰۱ق، ج۱، ص ۲۹۵ .

دوم، سفری باشد که قصر در آن جایز باشد تا بتوان نمازها را جمع کرد. این شرط به شافعیه مربوط می‌شود و شیرازی در المهذّب[۱] آن را پسندیده و در التّنبیه[۲] از دو قولی که ذکر کرده یکی را بر دیگری ترجیح نداده است. امام نووی در تصحیح التنبیه[۳] و شرح صحیح مسلم[٤] این شرط را ترجیح داده و گفته در سفر کوتاه ممنوع است. أسنوی هم در تذکره[٥] با ایشان هم نظر است. اما مالکیه[٦] و ظاهریه[۷] این را شرط ندانسته‌اند.

سوم، نوع سفری که جمع در آن جایز است باید سفر قربت باشد مانند حج و جهاد... و این ظاهر روایت ابن قاسم است. نظر شافعی و ظاهر روایت اهل مدینه از امام مالک هم این است که سفر معصیت نباشد[۸]. حنابله نیز قایل به عدم جواز جمع هستند مگر در سفری که قصر نماز در آن مباح باشد و شرط گذاشته‌اند که سفر قصر نماز نیز باید مباح و طویل باشد[۹]. ابن حزم از ابن مسعود و طاوس و ابراهیم تیمی عدم جواز قصر جز در سفر قربت روایت کرده است[۱۰].

---

۱. ابی اسحاق ابراهیم الشیرازی، *المهذب*، بیروت، دارالمعرفه، الطبعه الثانیه، ۱۳۷۹ق، ج ۱، ص ۱۱۱،

۲. ابی اسحاق ابراهیم الشیرازی، *التنبیه*، عالم الکتب، الطبعه الاولی، ۱۴۰۳ق، ص ۴۱.

۳. ابی زکریا یحیی بن شرف النووی، *تصحیح التنبیه*، تحقیق: محمد عقله، ۱۴۱۷، ج۱، ص ۱۵۵.

۴. نووی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۱۲.

۵. عبدالرحیم بن الحسن الأسنوی، *تذکرة النبیه فی تصحیح التنبیه*، دمشق، دارالکتب الظاهریه، ج ۲، ص ۵۱۱.

۶. المازری، ۱۹۹۷م، ج ۲، ص ۸۳۱.

۷. ابن حزم، *المحلی*، ج ۴، ص ۲۶۴.

۸. القرطبی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۱۷۳. و، الشیرازی، ۱۳۷۹ق، ج ۱، ص ۱۰۹.

۹. البهوتی، ۱۴۰۵ق، ص ۹۹. و، ابراهیم بن محمد ابن ضویان، *منار السبیل فی شرح الدلیل*، بیروت، المکتب الاسلامی، ط. الخامسه، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۱۳۴.

۱۰. ابن حزم، *المحلی*، ج ۴، ص ۲۶۸.

چهارم، سفر مباح برای جمع باید در خشکی باشد نه دریا، مالکیه این را شرط دانسته‌اند[1].

۲-۲-٤- جواز جمع نماز به سبب مریضی و ادلهٔ آن:

مریضی سبب جمع تقدیم بین نمازها است. شیخ دردیر و دسوقی مالکی یکی از اسبابی را که برای جمع نمازها ذکر کرده‌اند مریضی است[2]. مالکیه و حنابله جمع نمازها را به سبب مریضی جایز می‌دانند. حنابله جمع تقدیم و تأخیر را برای مریض و شیرده و مستحاضه و ناتوان از طهارت را برای نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا جایز می‌دانند[3].

شافعیه مریضی را سبب جمع نمازها نمی‌دانند. امام رافعی فرموده است: قول مشهور این است که سبب مریضی و خوف و گل با وجود اینکه در زمان پیامبر بوده اما چون از ایشان نقل نشده که به سبب این‌ها نماز را جمع کند، پس نمازها با این اسباب جمع نمی‌شود و جایز نیست[4]. و برخی نیز گفته‌اند چون از پیامبر نقل نشده و به علت اینکه نمازها دارای وقت معینی هستند جز دلیل صریح نمی‌تواند با مواقیت نمازها مخالفت کند[5]. امام نووی هم قول مشهور مذهب شافعی را به دلیل حدیث ابن

---

[1]. الدردیر، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۲۰۹.

[2]. احمد طه الدردیر، *شرح الکبیر*، بیروت، دارالفکر، [دون تا]، ج ۱، ص ۳۶۸. و، الازهری، *الثمر الدانی فی تقریب المعانی شرح رساله القیروانی*، ص ۱۹۰.

[3]. المرداوی، ۱۳۷۴، ج ۲، صص ۳۳۵ و ۳۴۰. و، ابو الحسن علی المرداوی، *تصحیح الفروع*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۶۹

[4]. ابی القاسم عبدالکریم الرافعی، *فتح العزیز شرح الوجیز*، المدینه، المکتبه السلفیه، ج ۲، ص ۲۴۷.

[5]. ابی بکر عثمان بن محمد الدمیاطی، *حاشیه اعانة الطالبین*، تحقیق: محمد سالمف، المدینه، دارالکتب العلمیه، ج ۲، ص ۱۷۴.

عباس، عدم جواز جمع به سبب مریضی می‌داند[1]. اما بعضی از شافعیه از جمله خطابی و امام نووی و همچنین از قول عمر بن عبدالعزیز و حسن بصری جواز جمع به سبب مریضی را اختیار کرده‌اند[2]. و جماعتی از جمله سبکی و اسنوی و بلقِنی و سیوطی جمع را به سبب عذر مریضی پسندیده‌اند و برای جوازش به آیه "**و لا جناحَ علیکم ان کان بکم اذی من مطر او کنتم مرضی ان تضعوا اسلحتکم**"[3] استدلال کرده‌اند. یعنی، اگر به سبب باران در اذیت بودید یا مریض بودید گناهی بر شما نیست که اسلحه‌های خود را زمین بگذارید. در این آیه به سبب این تساوی که بین حکم باران و مرض است، جمع برای مریضی هم جایز است همچنان که برای باران جایز است[4]. و همچنین ابی مقری و خطیب شربینی و ابن ملقن بر این رأی هستند[5].

شرط جمع برای مریضی این است که مانند مطر باید تا پایان سلام اولی و تکبیره الاحرام دومی استمرار داشته باشد و شامل هر نمازی می‌شود که ادایش در وقتش سخت است. بعضی گفته‌اند که اگر انجام قیام برایش سخت باشد جمع برایش جایز است و گرنه جایز نیست و بعضی گفته‌اند جمع برای مریضی جایز است که همراه نجاست زیادی باشد بر طبق قول

---

[1]. نووی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۱۳.

[2]. عبدالله بن عبدالرحمن البسام، تیسیر *العلام*، کویت، احیاء التراث الاسلامی، الطبعه الثانیه، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۰۹. و، قاضی عیاض، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۳۶. و، نووی، ۱۳۴۴، ج ۴، ص ۳۸۳. و، البغوی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۱۹۹.

[3]. سوره النساء، آیه‌ی ۱۰۲.

[4]. سیوطی، تنویر *الحوالک شرح موطا مالک*، ج ۱، ص ۱۶۲.

[5]. محمد الخطیب الشربینی، *الاقناع*، بیروت، دارابن حزم، ۱۴۳۴ق، ج ۱، ص ۱۵۲. و، ابن الملقن، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۸۰.

صحیح مذهب حنبلی[1]. شیخ عثیمین جمع را برای مریضی جایز می‌داند که اگر جمع را انجام ندهد مریضی باعث مشقتش شود چه مریضی در سر باشد و یا در پشت یا در شکم یا در پوست یا در غیر از آن‌ها.[2] ابن العربی و ابن جلاب فرموده‌اند مریضی که سبب جمع باشد حدی ندارد جز این که در علم به مریض بودن شک وجود دارد[3].

۲-۲-۵- جواز جمع نماز به سبب باران و ادله آن:

الف) **باران و برف و سرما**؛ مالکیه برای مقیم جمع تقدیم بین مغرب و عشا را فقط در مسجد به سبب باران بر اساس قول مشهور جایز دانسته‌اند[4]. امام مالک و قولی از امام احمد جمع به سبب باران را فقط برای نمازهای مغرب و عشا به شرط گرفته‌اند اما این قول مرجوح است. و از حنابله قاضی و ابو خطاب در الهدایه و ابن تیمیه این رای را پسندیده‌اند. و ابن رزین در النهایه و نظم آن و التسهیل بر آن تأکید کرده‌اند و الخلاصه و ادراک الغایه و مسبوک الذهب و المستوعب و التلخیص و البلغه و خصال ابن البنا و طوخی در شرح الخرقی و الحاویین آن را ترجیح و قول صحیح مذهب دانسته‌اند[5]. همچنین، حنابله جمع مغرب و عشا را به سبب

---

[1]. ابن قدامه، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۲۰. المرداوی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۳۵.

[2]. العثیمین، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۵۵۳

[3]. ابن العربی، ۱۹۹۲م، ج ۱، ص ۳۲۶. و، ابی قاسم عبیدالله بن الحسین ابن الجلاب، *التفریع*، تحقیق: حسین الدهمانی، المغرب، دارالمغرب الاسلامی، الطبعه الاولی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۶۲.

[4]. امام مالک، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص ۱۱۱. و، ابن الجلاب، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۶۱. و، قاضی عبدالوهاب، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۴۰۲.

[5]. المرداوی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۳۷.

برف، باران، سرما، تگرگ و یخبندان جایز می‌دانند[1].

اما شافعیه قایل به جواز جمع باران در ظهر و عصر نیز هستند.[2] شافعیه جمع تقدیم را بین ظهر و عصر و مغرب و عشا را در مسجد به سبب باران و برف مشروع می‌دانند اگر لباس را خیس کند و باران تا وقت شروع نماز دومی ادامه داشته باشد[3]. بر اساس قول قدیم امام شافعی جمع نماز در باران به صورت تقدیم و تأخیر جایز بوده است[4]. در هر حال، شافعیه و ابو ثور قایل به این هستند که جمع در باران باید در وقت اولی باشد، و قایل به عدم جواز آن در وقت دومی هستند چون عذر باران چه بسا قبل از اینکه جمع شود تمام شود و جمع ممنوع شود[5]. اما حجت قائلان جواز جمع در وقت دومی این است که با وجود تمام شدن باران عذرهای دیگری از جمله گل و سرما و... باقی می‌ماند، پس نزد آن‌ها جمع در غیر باران مثلا در گل و سرما هم جایز است و با عدم باران هم این عذرها باقی می‌ماند. لذا جمع در وقت دومی هم جایز است[6].

توضیحات بیشتر در این مورد به همراه ادله جواز جمع نماز به سبب باران در قسمت قول به تفصیل جواز جمع نماز در ادله دوم (اقوال و افعال صحابه) آورده شده است که اشاره شد.

---

[1]. ابن قدامه، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۲۷۴. و، ابن مفلح، المبدع، ج ۲، ص ۶۸

[2]. امام شافعی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۹۴. نووی، ۱۳۴۴، ج ۴، ص ۳۸۱.

[3]. امام شافعی، ۱۴۰۴، ج۱، ص ۹۴. و، ابی الحسن علی الماوردی، *الحاوی الکبیر*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۴۵۰.

[4]. عبدالله بن حسن الکوهجی، *زاد المحتاج بشرح المنهاج*، تحقیق: عبدالله بن ابراهیم، قطر، الطبعه الاولی، ۱۴۰۲، ج ۱، ص ۳۱۱.

[5]. شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۱۱. و، نووی، ۱۳۴۴، ج ۴، ص ۲۵۹.

[6]. المرداوی، ۱۳۷۴ق، ج ۲، ص ۳۴۰. ابن تیمیه، ۱۳۹۸، ج ۲۴، ص ۵۷.

ب) گِل؛ مالکیه به اتفاق مانند باران، گل در تاریکی شب را سبب جواز جمع تقدیم مغرب و عشا می‌دانند. اما گل یا تاریکی به تنهایی سبب جمع نیستند بلکه باید با هم باشند تا بتوان جمع کرد[1]. نزد حنابله گِل به تنهایی سبب جمع است بدون اینکه تاریکی را همراهش شرط بدانند و آن را مانند باران مخصوص مغرب و عشا دانسته‌اند[2]. اما شافعیه و ابو ثور و طبری جمع را به سبب گل قبول ندارند.[3]

جواز جمع نماز در باران به صورت فرادی و غیر مسجد:

انجام جمع در مسجد به صورت جماعت اولی‌تر است از اینکه مردمی در خانه شان نماز را به صورت فرادی بخوانند. مالکیه و شافعیه نماز جمع به صورت فردی را ممنوع می‌دانند چون آن‌ها نیت امام در نماز دومی در جمع تقدیم در باران را شرط دانسته‌اند مانند جمعه و گرنه منعقد نمی‌شود. قولی از حنابله برای جمع نمازها در باران برای منفرد در مسجد هست که ابن عقیل پسندیده و آن را صحیح دانسته است. همسایه مسجد رخصت ندارد که نمازها را به پیروی از اهل مسجد جمع کند و خود در خانه‌اش باشد بلکه باید یا به مسجد برود و با آن‌ها جمع کند یا هر نمازی را در وقتش بخواند. و مالکیه امام راتب و دائمی را استثنا دانسته‌اند[4]. اختلافی در

---

[1]. القرافی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۷۴. و، ابی بکر بن حسن الکشناوی، *اسهل المدارک*، بیروت، دارالفکر، الطبعه الثانیه، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۲۹۵. و، علی الصعیدی العدوی، *حاشیه العدوی*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۹۵.

[2]. المرداوی، ۱۳۷۴ق، ج ۲، ص ۳۳۸. و، العثیمین، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۵۵۴. و، صالح بن ابراهیم البلیهی، *السلسبیل فی معرفه الدلیل*، مکتبه ابن تیمیه، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۱۸۰.

[3]. امام شافعی، ۱۴۰۴ق، ج۱، ص ۹۶، و، ابن عبدالبر، ۱۳۸۷، ج ۱۲، ص ۲۱۲.

[4]. الزرقانی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۱۹۷. و، القرافی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۷۶. و، الخرشی، ۱۳۱۶، ج ۱، ص ۴۲۵. الرافعی، *فتح العزیز*، ج ۴، ص ۴۷۹. و، جلال الدین المحلی، *شرح المحلی*، مصر، المطبعه عیسی الحلبی،

جواز جمع نمازها در مسجد نیست و منظور مالکیه هر مسجدی است که نماز در آن اقامه می‌شود هر چند مسجد غیر جامع باشد[1]. و همچنین اختلافی نیست در جواز جمع برای کسانی که با جماعت در غیر مسجد می‌خوانند. ولی حنابله قایل به جواز جمع برای کسی هستند که در خانه‌اش می‌خواند. مرداوی این قول را قول مذهب دانسته و قاضی حنبلی گفته که این ظاهر کلام احمد و آن را صحیح دانسته است[2]. اما در جواز جمع به صورت جماعت اختلافی نیست اگرچه بعضی شروط را برای آن نماز جماعت اضافه کرده‌اند. قلیوبی از شافعیه فرموده: برای مسجد قیدی نیست مراد محل جماعت است. ابن حجر فرموده: قول اظهر این است که رخصت برای نمازگزار به صورت جماعت به مسجد و یا غیره اختصاص دارد[3]. و این مقتضی مذهب مالکیه نیز است[4].

۲-۲-٦ - جواز جمع نماز به سبب سایر اسباب (حاجت و نیاز و...)

جماعتی از فقها می‌گویند که عذر و حاجت‌های سبب جمع نمازها تنها در سفر و باران وگل و مریضی منحصر نمی‌شود بلکه تعمیم دارد و سائر عذرها را شامل می‌شود. با گنجایش‌ترین مذاهب اربعه اهل سنت در جمع نمازها مذهب امام احمد است که برای حرج و حاجت و نیاز جمع نماز را

ج ۱، ص ۲۶۸. القدامه، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۶۷. المرداوی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۳۹ .

[1]. الدردیر، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۱۱. و، الدسوقی، *حاشیه الدسوقی*، ج ۱، ص ۳۷۰.

[2]. المرداوی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۳۹. و، احمد بن محمد الشویکی، *التوضیح*، تحقیق: ناصر بن عبدالله، مکه، المکتبه المکیه، الطبعه الاولی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۳۴۹. و، البهوتی، ۱۳۹۴ ق، ج ۱، ص ۱۸۴.

[3]. احمدبن سلام قلیوبی و شیخ عمیره، *حاشیه قلیوبی و عمیره علی شرح المحلی*، مصر، مطبعه عیسی حلبی، ج ۱، ص ۲۶۸. و، الهیثمی، *تحفه المحتاج*، ج ۲، ص ۴۰۳.

[4]. محمد بن محمد علیش، *شرح منح الجلیل*، طرابلس، لیبی، مکتبه النجاح، ج ۱، ص ۲۵۴.

جایز می‌داند. این حاجت با کلام قاضی ابویعلی مقید شده که فرموده: اگر حاجتی و کاری باشد که ترک جمعه و جماعت برایش مباح شود جمع نماز هم برایش جایز است[۱].

به هر جهت، این رأی و نظر جماعتی از علما است به شرطی که حاجتی باشد و آن را عادت قرار ندهد. هر عالمی که در این باره بحث کرده است بدون استثنا این دو شرط را ذکر کرده است. ابن منذر که خود نیز از جمله موافقان این نظر می‌باشد وقتی از ابن سیرین این قول را روایت می‌کند، فرموده است: "**انه کان لایری بأساً ان یجمعَ بین الصلاتین إذا کانت جاجةٌ او شیءٌ مالم یتخذ عادةً**"[۲] یعنی، ایشان اشکالی ندیده بین نمازها جمع شود اگر حاجت و نیازی باشد و آن را هم به صورت عادت قرار ندهد. و شیخ خطابی متوفی (۳۸۸) از استادش ابوبکر قفال شاشی متوفی (٣٦٥ یا به قولی ٣٣٦) نقل می‌کند که فرموده است: شنیدم که ابابکر قفال از ابی اسحاق مروزی متوفی (٣٤٠) حکایت می‌کند. و در ادامه این جمله را آورده که ابن منذر فرموده است: هیچ منعی ندارد که حدیث ابن عباس بر عذری از عذرها حمل شود چون ابن عباس خود به علتی در آن خبر داده و آن این است که تا امت پیامبر دچار حرج نشود[۳].

امام نووی در این باره می‌فرماید: جماعتی از ائمه جمع در حضر را به سبب حاجتی برای کسی که آن را عادت قرار ندهد جایز می‌دانند و آن قول ابن سیرین و اشهب مالکی و خطابی از قفال شاشی کبیرَ شافعی از ابن

---

[۱]. ابن تیمیه، ۱۳۹۸ ق، ج ۲۴، ص ۲۸.
[۲]. ابن المنذر، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۴۳۳.
[۳]. الخطابی، ۱۳۵۱ ق، ج ۱، ص ۲۶۵.

اسحاق مروزی و از جماعتی از اهل حدیث روایت کرده و ابن منذر نیز آن را پسندیده است[1]. حافظ ابن حجر نیز این دو قید و شرط را ذکر کرده و فرموده از جمله کسانی که قایل به آن هستند ابن سیرین و ربیعه و اشهب و ابن منذر و قفال کبیر و جماعتی از اهل حدیث هستند[2]. ابن قدامه این قول را به ابن شبرمه نیز نسبت داده است[3]. ابن تیمیه و ابن قیم نیز این رأی را پذیرفته‌اند[4]. و همچنین شوکانی وقتی از آن جماعت اسم برده آن شرط را هم ذکر کرده است[5].

شیخ احمد شاکر در شرح ترمذی بعد از ذکر اسامی قایلان به جواز جمع به سبب عذر و حاجت می‌گوید که این صحیح بوده و از حدیث ابن عباس گرفته شده است و بعد می‌گوید این رخصت و یاری بر طاعت برای آن‌ها است اگر آن را عادت خود نسازند همچنانکه ابن سیرین گفته است[6].

---

[1]. نووی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۱۹. و ابی بکر محمد بن احمد الشاشی القفال، حلیه *العلماء فی معرفه مذاهب الفقهاء*، تحقیق: یاسین احمد درادکه، بیروت، مکتبه الرساله، الطبعه الاولی، ۱۴۰۰ق، ج ۲، ص ۲۰۷.

[2]. العسقلانی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۴.

[3]. ابن قدامه، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۲۱.

[4]. ابن تیمیه، ۱۳۹۸، ج ۲۴، ص ۷۶. و ابن قیم، زاد المعاد، ج ۱، ص ۱۳۳.

[5]. الشوکانی، ۱۹۷۳م، ج ۳، ص ۲۶۴.

[6]. الترمذی، ۱۳۹۵ق، ج۱، ص ۳۵۹.

فصل سوم:

احکام جمع نمازها

۳-۱- نمازهای قابل جمع شدن:

جمع بین نماز صبح با نمازهای دیگر و بین عصر و مغرب درست نمی‌باشد. از رسول خدا در غیر دو حالت ظهر و عصر و مغرب و عشاء جمع نماز نقل نشده است و این از ادله‌های جمع در سفر و حضر هم فهمیده می‌شود. نماز از جمله عبادات توقیتی است، پس چون ادلّه و نصی از قرآن و پیامبر نیست، جایز نیست در غیر آن‌ها جمع شود. بین علما نیز در این مورد اختلافی نیست که جمع نماز صبح با دیگر نمازها و یا جمع نماز عصر با مغرب جایز نیست و اجماع بر آن نقل شده است[1].

شیخ مازری فرموده است: در منع جمع بین نمازهایی که اشتراک وقت ندارند مانند عصر و مغرب، عشا و صبح، صبح و ظهر شک و اختلافی نیست اگر چه عذرهای زیادی هم وجود داشته باشد[2]. ابن حجر هیتمی نیز درباره آن فرموده: جمع عصر با مغرب و عشا با صبح و صبح با ظهر ممنوع است[3]. امام رافعی و ابن حجر و... نیز فرموده‌اند که جمع بین نماز صبح با غیر آن، عصر و مغرب جایز نیست و نقلی از رسول خدا در مورد آن‌ها وارد نشده است[4]. امام نووی هم فرموده: جمع صبح با غیر و عصر با مغرب جایز نیست[5].

---

[1]. ابن عبدالبر، ۱۳۸۷، ج ۱۲، ص ۲۰۵.

[2]. المازری، ۱۹۹۷م، ج ۲، ص ۸۳۸ و ۸۲۹.

[3]. الهیثمی، *تحفه المحتاج*، ج ۲، ص ۳۹۴.

[4]. الرافعی، *فتح العزیز*، ج ۴، ص ۴۷۲. و، الحافظ ابن حجر العسقلانی، *التلخیص الحبیر*، تصحیح: عبدالله هاشم الیمانی، المدینة المنورة، ۱۳۸۴ هـ ج ۴، ص ۴۷۲.

[5]. النووی، ۱۳۸۶ق، ج ۱، ص ۳۹۶. و، محمد الخطیب الشربینی، مغنی *المحتاج*، دار احیاء التراث العربی، [دون تا]، ج ۱، ص ۲۷۲.

۳-۲- نیت جمع:

در جمع نیت را شـــرط دانســـته‌اند چون هر عملی داخل در عمومیت این قول رسول الله است که فرموده‌اند: «**انما الاعمال بالنیات و انما لکل امریء مانوی.**[۱]» یعنی، اعمال برای قبولی نزد خدا بستگی به نیت‌ها دارند. و با هر کســی مطابق نیتش رفتار می‌شود. اشاره به این دارد که هر عملی که هدف از انجامش به خاطر خدا نباشد باطل است و در دنیا و آخرت ثمره و نتیجه ندارد. از امام شـافعی روایت شـده که فرموده است: این حدیث یک سوم علم است و در هفتاد باب فقه وارد می‌شود.

نیت در لغت به معنی قصـد و اراده اســت و در کلام علما به دو معنی اســت، معنی اول، تمییز بعضی از عبادات از بعضی مانند تمییز نماز ظهر از نماز عصـر و تمییز عبادات از عادات مانند تمییز غســل جنابت از غسل و حمام برای نظافت و.... منظور فقها از نیت در کتاب‌هایشـــان همین معنای اول می‌باشـد. اما معنی دوم، تمییز مقصود از انجام عمل است که هدف از عمل و انجام آن برای خداســت یا برای غیر خداست و این تعریف همانی اســـت که عارفان تحت عنوان اخلاص و... از آن صـــحبت می‌کنند[۲]. ائمه مذاهب در مورد محل و وقت نیت کردن اختلاف دارند. قول مشـــهور در مذهب مالکیه و حنابله این است که در هنگام تکبیرة الاحرام واجب است چون در هر عبادتی که نیت شـرط است در اولش معتبر است[۳]. و این قول

---

[۱]. صحیح مسلم، ۱۹۰۷.

[۲]. عبـدالرحمن بن احمـد ابن رجب، *جامع العلوم و الحکم*، تحقیق: الارناؤوط، بیروت، الرســاله، الطبعه السابعه ۱۴۲۲ ق، ج ۱، ص ۶۱ و ۶۵ و ۶۶

[۳]. القرافی، ۱۴۰۴ ق. و، الکشـــــاوی، ۱۴۲۰ق، ج۱ص۲۳۸. و المرداوی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۳۷. و ابن

مذهب اباضیه نیز هست و در صحت جمع سه چیز را به شرط گرفته‌اند که از جمله آن‌ها نیت است. که اگر نیت جمع نباشد واجب است که جداگانه خوانده شود و نیت تا زمانی که در نماز اولی هستی قابل قبول است و این ظاهر مذهب است اما مشهور این است که نیت جمع در هنگام شروع اولی باشد[۱]. البته در مالکیه هم برای کسی که به مسجد آمد و دید که مشغول نماز جماعت هستند اقتدا کند و هنگام نماز بعدی یعنی مغرب نیت کند جایز است[۲].

قول اصح در مذهب شافعیه جواز نیت هنگام تکبیره الاحرام یا در اثنای آن یا هنگام تحلل و سلام از نماز اولی است و بعد از تحلل جایز نیست[۳]. پس اگر کسی نیت جمع کرد بعد نیت ترک آن را قبل از سلام کرد سپس بعد از سلام دوباره نیت کرد جمع برایش جایز نیست[۴]. امام مزنی قولی از امام شافعی به جواز نیت جمع بعد از سلام نماز اول و قبل از تکبیرة الاحرام دومی آورده که ایشان و بعضی از اصحاب شافعی از جمله امام نووی آن را پسندیده‌اند[۵]. و همچنین گفته‌اند بعد از سلام نماز اول و قبل از تکبیرة الاحرام نماز دومی کفایت می‌کند که این را حافظ ابن حجر

القدامه، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۷۴.

[۱]. اطفیش، ۱۳۹۲ق، ج ۲، ص ۲۹۲. و، الکشناوی، ۱۴۲۰.

[۲]. الدردیر، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۲۱۱.

[۳]. الهیتمی، تحفته المحتاج، ج ۲، ص ۳۹۵. و النووی، ۱۳۴۴، ج ۴، ص ۳۷۴.

[۴]. عبدالحمید الشروانی، *حاشیه علی تحفه المحتاج* بشرح المنهاج، قاهره: المطبعه المیمنیه، ۱۳۱۵ق، ج ۲، ص ۳۹۶.

[۵]. نووی، ۱۳۴۴، ج ۴، ص ۳۷۴. و، إسماعیل بن یحیی المزنی، مختصر *المزنی*، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۱۱۹.

عسقلانی و شیخ ابراهیم بیجوری و شیخ سراج بُلقینی ترجیح داده‌اند[1].

سیوطی بعد از اشاره به اقوال شافعی در مورد نیت می‌گوید: فهمیده می‌شود که سبب اختلاف علما در وقت نیت جمع مربوط به این است که آیا آن‌ها عبادت واحدی هستند یا دو عبادت مختلف و جداگانه هستند. کسانی که می‌گویند عبادت واحدی هستند گفته‌اند شرط است که نیت هنگام تکبیرة الاحرام نماز اولی یا قبل از سلام اولی آن باشد، و کسانی که می‌گویند هر دو جمع عبادت‌های مختلفی هستند می‌گویند بعد از سلام اول و قبل از تکبیرة الاحرام دومی هم جایز است[2]. در ظاهر، جمع نمازها، عبادت‌های مختلفی هستند به همین سبب فاصله‌ای بین آن‌ها جایز است. امام نووی این نظر را قوی دانسته و بُلقینی و ابن حجر آن را ترجیح داده‌اند. و همچنین بعضی حنابله مثل ابوبکر عبدالعزیز و از قدمایشان امام خلّال[3] و ابن تیمیه آن را ترجیح داده‌اند و فرموده‌اند این قول جمهور علما است[4].

ادله ترجیح این رأی این است که پیامبر هنگامی که با اصحابش جمع و قصر خوانده به احدی از آنها نفرموده که نیت جمع و قصر داشته باشید بلکه از مدینه به سوی مکه خارج شد ظهر را در عرفه خواند و به آن‌ها نگفت که نیت جمع کنند سپس ایشان عصر را بدون نیت به صورت جمع

---

[1]. ابراهیم البیجوری، حاشیه البیجوری علی شرح ابن قاسم الغزی علی متن ابی شجاع، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۳۹۶. و، العسقلانی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۸.

[2]. سیوطی، ۱۳۹۹ق، ص ۲۴ و ۵۲۰.

[3]. ابن تیمیه، ۱۳۹۸ ق، ج ۲۴، ص ۱۰۴.

[4]. همان، ص ۲۸.

تقـدیم خواند و همچنین بعداً در ذی حلیفه به آن‌ها نفرمود که نیت کنید[1]. و از علمای معاصر آلبانی و ابن باز به آن فتوی داده‌اند. در جواب سـوالی که از ایشـان پرسـیده شـد که نیت برای جواز جمع شـرط است فرمودند: علمـا در مورد آن اختلاف دارند. اما قول راجح این اسـت که نیت هنگام افتتاح نماز اولی شـرط نیست بلکه نیت جمع بعد از فراغ از نماز اولی هم جایز اسـت[2]. همچنین به مفهوم حدیث "**انما الاعمال بالنیّات**" هم اسـتناد شده که هر چیزی که عمل و کار نیست، نیت در آن شرط نیست. برخلاف بسـیاری از شـافعیه، ابن حجر عسقلانی با نقل قول از بلقینی فرموده است که جمع عمل نیسـت بلکه نماز عمل اسـت و اسـتناد کرد به اینکه پیامبر (ص) در غزوه تبوک، جمع کرد و به کسـانی که با ایشـان بودند نگفت که نیت کنند و اگر شـرط بود به آن‌ها می‌گفت[3]. اما در جمع تأخیر نیت جمع در وقت نماز اولی شرط است چون وقتی آن را بدون نیت به تأخیر اندازد قضا می‌شود[4].

۳-۳- ترتیب بین نمازها:

مذهب شـافعیه ترتیب را برای جمع در وقت اولی شـرط می‌دانند اما در

---

[1]. همان، ص ۵۰.

[2]. شـیخ عبدالعزیز ابن عبدالله بن باز، *تحفة الاخوان*، تحقیق: محمد الشـایع، الطبعه الثامنه، ۱۴۱۶، ص ۱۳۵.

[3]. العسقلانی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۸.

[4]. نووی، ۱۳۴۴، ج ۴، ص ۳۶۷. و، الشـویکی، ۱۴۱۸ ج ۱، ص ۳۵۰. و، بن یوسـف مرعی، *دلیل الطالب*، دمشق، المکتب الاسلامی، ۱۳۸۱ق، ص ۵۲.

وقت دومی طبق نظر صحیح مذهب شافعی شرط نیست[1]. مذهب حنابله ترتیب را برای جمع به طور مطلق شرط می‌دانند چه جمع در وقت اولی یا دومی باشد. پس اگر کسی در وقت اولی جمع را با نماز دومی شروع کرد صحیح نیست باید بعد از اولی دوباره اعاده کند و اگر جمع را در وقت دومی با نماز دومی شروع کرد نماز اولی نزد حنابله قضا می‌شود اما نزد شافعیه ادا است[2].

۳-٤- موالات:

مالکیه موالات را برای جمع به طور مطلق شرط می‌دانند چه جمع در وقت اولی یا دومی باشد[3]. به همین سبب گفته شده که نماز نفل بین نمازهای جمع، کراهت و حتی حرام است. اما قول ظاهر مذهب کراهت را می‌رساند و اگر بینشان نفل را خواند جمع ممنوع نمی‌شود[4]. همچنین مالکیه فاصله بین دو نماز جمع را به اندازه یک اذان جایز می‌دانند[5]. مذاهب شافعیه و

---

[1]. المحلی، شرح المحلی، ج ۱، ص ۲۶۶. و، الغزالی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۵۸. و الماوردی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۴۹۶.

[2]. المرداوی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۴۲. ابن قدامه، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۶۷. و، ابی تغلب عبد القادر بن عمر الشیبانی، *نیل المآرب*، تحقیق: محمد سلیمان الاشقر، الکویت، مکتبه الفلاح، الطبعه الاولی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۹۰. و، نصیر الدین محمد بن عبدالله السامری، *المستوعب*، تحقیق: مساعد الفالح، الریاض، مکتبه المعارف، الطبعه الاولی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۴۰۴.

[3]. ابی عبدالله محمد صمد الحطاب، *مواهب الجلیل شرح مختصر خلیل*، بیروت، دارالفکر، الطبعه الثانیه، ۱۳۹۸ق، ج ۲، ص ۱۵۷.

[4]. القرافی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۶۷. و، الدسوقی، *حاشیه الدسوقی*، ج ۱، ص ۳۷۱. و، ابن الجلاب، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۶۲.

[5]. المازری، ۱۹۹۷، ج ۱. محمد بن احمد الرهونی، *حاشیه الرهونی علی شرح الزرقانی لمختصر خلیل*، بولاق، طبعه الامیریه، ۱۳۰۶ق، ج ۲، ص ۱۴۳.

حنابله موالات را هنگام جمع تقدیم شرط می‌دانند و فاصله کمی بین آن‌ها را اشـکالی نمی‌بیند اما اگر فاصـله طولانی باشـد جمع باطل می‌شود چون معنای جمع متابعت و مقاربت اسـت و با فاصله این متابعت از بین می‌رود چه با خواب یا سهواً یا شغل یا کاری باشد.

معیار کمی و زیادی عرف و عادت مردم است و گفته‌اند به اندازه اقامه و وضـو اما قول صـحیح این اسـت که حد و اندازه توسـط عرف تعیین می‌شود. و در صورت فاصله افتادن، علما بر دو دسته‌اند که خوانده شود یا قضـا شـود و ارجح همان قول اول است یعنی کامل خواندن است[۱]. معیار عدم موالات و فاصـله بینشان بر اساس قول صحیح، عرف است و حداقل فاصـله، اقامه اسـت[۲]. و اما موالات در جمع تأخیر شـرط نیسـت[۳] به دلیل روایت شـیخان از اسـامه از پیامبر (ص) که ایشان وقتی از عرفه به مزدلفه رفتند، فرود آمدند و نماز مغرب را خواندند سـپس هر کسی شترش را در جایش خواباند و بعد نماز عشا را خواندند[٤].

ابن تیمیه موالات را نه در وقت اولی و نه در وقت دومی بر اساس قول صحیح شرط نمی‌داند. چون به نظر وی دلیلی در شرع ندارد و مراعات آن رخصـتش را از بین می‌برد[۵]. سـخنی از امام احمد شـبیه این قول است که فرموده: اگر هر یـک از نمـازهـایش را در خانه‌اش خواند و دیگری را در

---

[۱]. المرداوی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۴۳. و، البهوتی، ۱۳۹۴ق، ج ۲، ص ۷. و، نووی، ۱۳۸۶ق، ج ۱، ص ۳۹۷. و، الشربینی، *مغنی المحتاج*، ج ۱، ص ۲۷۳.

[۲]. سیوطی، ۱۳۹۹ق، ص ۴۰۸.

[۳]. ابن قدامه، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۸۰. ابن القیم، *اعلام الموقعین*، ج ۴، ص ۱۸۹.

[٤]. البخاری، ۱۴۲۲، ۱۶۷۲. و، مسلم، صحیح، ۱۲۸۰.

[۵]. ابن التیمیه، ۱۳۹۸ق، ج ۲۴، ص ۵۴

مسجد اشکالی ندارد. و این سخن از ایشان می‌رساند که جمع همان جمع در وقت است و مواصله در آن شرط نیست اما بعضی از اصحابش آن را به فاصله نزدیک و کم تاویل کرده‌اند و آن خلاف نص است[1]. از امام مالک نیز مانند آن سخن نقل شده است.[2]

۳-۵- یقین بر صحّت نماز اولی:

مسائل متعددی زیر این شرط قرار می‌گیرد که از جمله آن‌ها این است که اگر بعد از جمع، فساد نماز اولی به سبب فراموش کردن رکنی معلوم شود، باطل می‌شود، نماز دومی هم چنین است و این در جمع تقدیم است[3]. ابن حجر هیتمی فرموده است: اولی به سبب ترک رکن باطل می‌شود و دومی به سبب بطلان شرطش، که اولی باید صحیح باشد[4]. و می‌تواند به صورت تقدیم یا تأخیر دوباره آن را جمع کند[5]. اما نماز اولی به سبب بطلان نماز دومی، باطل نمی‌شود[6].

اگر قبل از تمام شدن نماز اولی رکن ترک شده به یادش آمد، می‌تواند نماز را کامل کند و جمع برایش درست است و اگر در اثنای نماز دومی یادش آمد قطع کند و اولی را کامل کند. اگر بین سلامش و یاد آمدن آن فاصله زیاد نشده باشد باز جمع برایش درست است و گرنه باطل می‌شود

---

[1]. همان، ج ۲۴، ص ۵۲. و، المرداوی، ج ۲، ص ۳۴۲.
[2]. امام مالک، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص ۱۱۰. ابن الجلاب، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۶۲.
[3]. المحلی، شرح *المحلی*، ج ۱، ص ۲۶۵. و، الرافعی، فتح العزیز، ج ۴، ص ۴۷۷. ابن مفلح، *المبدع شرح المقنع*، ج ۲، ص ۱۲۴. ابی تغلب، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۹۱.
[4]. الهیثمی، *تحفته المحتاج*، ج ۲، ص ۳۸۹.
[5]. الانصاری، ۱۳۶۷ ق. ج ۱، ص ۷۲.
[6]. ابن مفلح، *المبدع شرح المقنع*، ج ۲، ص ۱۲۴. الحطاب، ۱۳۹۸ق. ج ۲، ص ۱۵۶.

و می‌تواند دوباره جمع کند[1]. اما اگر بعد از جمع، رکنی از دومی ترک شده باشد و بین سلام و به یاد آمدن آن فاصله‌ای افتاده باشد که در عرف زیاد باشد نماز دومی باطل می‌شود و جمع برایش جایز نیست و باید در وقت خودش اعاده شود[2]. ولی اگر معلوم نبود که رکن ترک شده از کدام یکی بوده است، جمع باطل می‌شود و اعاده‌ی آنها واجب است و اگر وقتی برای اعاده باقی نمانده باشد برای کسی که برایش جایز است به صورت جمع تأخیر خوانده شود و گر نه اولی قضا می‌شود. و اگر وقت برای اعاده شان باقی نمانده باشد هر دو قضا می‌شوند[3].

در مورد کسی که جمع تقدیم می‌خواند سپس یقین دارد که رکنی ترک شده و نمی‌داند از کدام یکی بوده است، از امام رملی سوال شده که آیا جمع تأخیر برایش جایز است یا باید هر نمازی را در وقت خودش بخواند؟ که در جواب فرموده است: در جواز جمع شان به صورت تأخیر شکی نیست.[4] اگر کسی جمع تأخیر خواند و در تشهد عصر، یادش آمد که سجده را ترک کرده و نمی‌داند که در نماز عصر یا ظهر بوده، باید رکعت دیگری بخواند و سپس ظهر را اعاده کند و جمع برایش درست است[5].

---

[1]. قلیوبیی، *حاشیه قلیوبی و عمیره علی شرح المحلی*، ج ۱، ص ۲۵۶.

[2]. الشربینی، ۱۴۳۴، ج ۱، ص ۱۵۰.

[3]. ابن مفلح، المبدع، ج ۲، ص ۱۲۴. الشربینی الخطیب، الاقناع، ج ۱، ص ۱۵۰. و، الانصاری، ۱۳۶۷ق، ج ۱، ص ۷۲.

[4]. محمد بن ابی العباس الرملی، *نهایه المحتاج الی شرح المنهاج*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۸۰.

[5]. همان.

۳-٦- اذان و اقامه در جمع نمازها:

مـالیکه گفته‌اند برای نماز مغرب اول وقتش اذان گفته می‌شــود، مندوب اســت و گفته شـده واجب است که نمازش کمی به تأخیر افتد اما مندوب درســت‌تر است، سپس برایش اقامه گفته می‌شود و مغرب خوانده می‌شود. بعد برای عشاء در صحن مسجد و گفته شده در محراب مسجد به صورت آهسته اذان داده می‌شود، تا مردم فکر نکنند که وقت عشاء فرا رسیده است که به سـببب آن چه بسـا در نماز مغرب شک کنند. سپس برای آن اقامه و عشـاء خوانده می‌شـود و بینشـان با نماز نفل فاصـله انداخته نمی‌شود که کراهـت دارد و اگر جمع بـه خاطر نماز نفل به تأخیر انداخته شــود نماز عشاء در وقت خودش افضلتر می‌باشد[1].

ابن رشــد بعد از ذکر قول امام مالک برای ترک نماز نفل بعد از نماز مغرب در جمع نمازها فرموده اســت: اگر آن برای مردم مباح می‌بود سبب تأخیر نماز عشاء می‌شد و مانعی می‌شد که تا تاریکی مطلق نماز جمع تمام نشــود در حالی که هدف از جمع بین نماز مغرب و عشـا این است که در روشــنای تمام شــود و مردم راحت بتوانند در این گل و باران به خانه باز گردند. استدلال مالیکه برای دو اذان و دو اقامه نیز این است که در اصل باید برای هر نمازی اذان و اقامه گفته شود و این اصل به استصحاب گرفته شده تا زمانی که دلیلی برخلاف آن آورده شود.

---

[1]. ابن شــاش، ۱۴۱۵ق. و، القرافی، ۱۴۰۴، ۳۷۸/۲. و، التتـائی، ۱۴۰۹ق، ۳۲۴/۱. و، الرهونی، ۱۳۰۶ق، ۱۴۳/۲. و، المدنی، ۱۳۰۶ق، ۱۴۳/۲. ابوالفضــل عبدالله الغماری، *ارشـاد السـالک*، مصــر، مکتبه القاهره، ۱۳۹۲ق، ص ۱۸. و، الکشــناوی، ۱۴۲۰، ۲۳۶/۱. و، الدردیر، ۱۳۸۵ق، ۲۱۰/۱. و، مواق، ۱۴۱۶ق، ۱۵۷/۲. و، الخرشی، ۱۳۱۶ق، ۴۲۴/۱.

اما از عبدالرحمن بن یزید آمده که عبدالله بن مسعود (رضی الله عنه) حج انجام داد در مزدلفه به مردی امر کرد که اذان و اقامه گوید سپس نماز مغرب خواند و بعدش دو رکعت نماز خواند سپس برای نماز عشاء ندا داد و امر به اذان و اقامه کرد.[۱] و حافظ ابن حجر فرموده است که این حدیث مشروعیت اذان و اقامه برای هر نمازی در هنگام جمع را می‌رساند.[۲]

حنفیه (در جمع در عرفه و مزدلفه)، شافعیه و حنابله بر این قول هستند که برای هر دو نماز جمع، جز یک اذان گفته نمی‌شود و برای هر کدام یک اقامه است.[۳] و به حدیث جابر بن عبدالله در حج الوداع استناد کرده‌اند که: **ان النبی صلی الصلاتین بعرفه بأذان واحد و إقامتین و أتی المزدلفه فصلی بها المغرب و العشاء بأذان واحد و إقامتین و لم یسبح بینهما ثم اضطجع حتی طلع الفجر.**[٤] یعنی، پیامبر دو نماز را در عرفه با یک اذان و دو اقامه خواند بعد در مزدلفه مغرب و عشاء را با یک اذان و دو اقامه خواند و بینشان نماز نفل نخواند بعد تا طلوع فجر ماندند. امام شافعی بعد از ذکر این حدیث فرموده است: این حدیث دلالت می‌کند بر این که برای هر کسی که بین دو نماز را در وقت اولی جمع می‌کند برای هر یک از آن‌ها اقامه کند و برای اولی اذان گوید و برای دیگری اقامه گوید بدون اذان.[۵]

ابن قدامه در شرح مختصر خرقی بعد از قول **(و ان أذن فلابأس)**

---

[۱]. البخاری، ۱۴۲۲، ۱۶۷۵.

[۲]. العسقلانی، ۱۳۷۹، ۵۲۵/۳.

[۳]. نووی، ۱۳۴۴ق، ۸۶/۳ و، شهاب الدین احمد بن محمد ابی العباس القسطلانی، *ارشاد الساری لشرح صحیح البخاری*، بیروت، دارالکتب العلمیه، الطبعه السادسه، ۱۴۱۶ق، ۳ /۲۰۵. و، الساعاتی، *الفتح الربانی*، ۱۳۵/۵.

[۴]. مسلم، صحیح، ۱۲۱۸.

[۵]. الشافعی، ۱۴۰۴ق، ۱۰۶/۱.

فرموده است: نظر خرقی این بوده که میان این که برای اولی اذان گوید یا نه، مخیر است و هم چنین امام احمد بر این قول است چون هر دو حدیث از پیامبر روایت شده‌اند. اما گفتن اذان اولی‌تر است، براساس پیروی از آن چه در سنت آمده است.[۱] امام نووی عمل به حدیث جابر را بر دیگر روایات ترجیح داده و گفته است: جابر دارای علم و ثقه زیادی است و بیشتر از همه به حدیث و نقل حجه النبی اهتمام ورزیده، بنابراین برای اعتماد اولی‌تر است. و این در مذهب ما صحیح است که اذان برای اولی آن دو نماز، مستحب و برای هر یک اقامه گفته شود پس با یک اذان و دو اقامه بین آن‌ها فاصله انداخته شود.[۲]

ابو ثور، عبدالملک ماجشون مالکی، ابن حزم و طحاوی حنفی بر این قول هستند و حدیث عبدالله بن مسعود را تأویل کرده‌اند به این که اصحاب پیامبر (ص) متفرق شده بودند، لذا برای آن‌ها اذان گفت که جمع شوند و با آنان نماز جمع بخوانند.[۳] و جدا از این تأویل، حدیث ابن مسعود موقوف است. ابن قیم در تهذیب السنن فرموده است: و صحیح‌تر از همه آن‌ها، حدیث جابر است که بینشان را با اذان و دو اقامه جمع کرد به دو دلیل یکی این که غیر از حدیث جابر بقیه مضطرب هستند. و دوم این که حدیث جابر در مورد جمع پیامبر (ص) صحت دارد و ایشان در عرفه بینشان را با اذان و دو اقامه جمع کرد و هرگز در حدیث ثابتی خلاف آن نیامده است[٤].

---

[۱]. ابن قدامه، ۱۴۰۳ق، ۴۳۰/۱.

[۲]. نووی، ۱۳۴۴ق، ۸۶/۳ و، مسلم، صحیح، ۱۸۷/۸. نووی، ۱۳۸۶ق، ۱۹۸/۱.

[۳]. العسقلانی، ۱۳۷۹، ۵۲۵/۳. مسلم، صحیح، ۱۸۸/۸. الساعاتی، *الفتح الربانی*، ۱۳۹/۵. القسطلانی، ۱۴۱۶ق، ۲۰۵/۳.

[۴]. محمد بن أبی بکر لبن القیم، *تهذیب السنن*، المحقق: إسماعیل بن غازی مرحبا، مکتبة المعارف، ۱۴۲۸،

و اما در وقت دومی، اگر دو نماز را در سفر یا مطر جمع کرد و اولی را به وقت دومی به تأخیر انداخت برای هر یک اقامه گفته می‌شود و برای دومی اذان گفته نمی‌شود و در مورد اذان برای اولی اقوال مختلفی وجود دارد. به گفته‌ی امام حرمین اظهر این است که اذان گفته نشود. در حالی که امام نووی فرموده است که اظهر این است که برایش اذان گفته شود. در صحیح مسلم از جابر آمده که رسول خدا بین مغرب و عشاء را در مزدلفه در وقت دومی با یک اذان و دو اقامه جمع کرده است و این نزد علی‌ﷺ بر روایت اسامه و ابن عمر مقدم است به سبب ثقه بودن آن.[1]

۳-۷- نمازهای سنت رواتب هنگام جمع نمازها:

اول، در مورد نمازهای رواتب در صورت جمع بین ظهر و عصر؛ در این باره رافعی فرموده است که اول سنت ظهر بعد سنت عصر سپس دو نماز فرض خوانده شود.[2] امام نووی آن را درست دانسته و فرموده: آن چه محققان فرموده‌اند درست است که سنت قبل از نماز ظهر خوانده شود و بعد نماز ظهر و عصر اقامه گردند، سپس سنت بعد از ظهر و سنت عصر خوانده شود. بعد فرموده: چگونه صحیح است که سنت بعد از ظهر قبل از آن خوانده شود در حالی که وقتش با اقامه ظهر وارد می‌شود و هم چنین سنت عصر که وقتش جز با دخول وقت عصر وارد نمی‌شود و وقت عصر

.۴۱۰/۵

[1]. نووی، ۱۳۸۶ق، ۱۹۷/۱.

[2]. الرافعی، *فتح العزیز*، ۴۸۱/۴.

هنگام جمع با ظهر جز با اقامه ظهر به طور صحیح وارد نمی‌شود.[۱] شروانی در حاشیه‌اش بر تحفه المحتاج در مورد نماز رواتب هنگام جمع ظهر و عصر فرموده است: سنت قبل از ظهر مقدم می‌شود و می‌تواند به تأخیر هم انداخته شود چه جمع به صورت تقدیم یا تأخیر باشد. و اگر جمع تأخیر بود می‌تواند در وسطشان یا در اولشان سنت را هم بخواند چه ظهر یا عصر را مقدم کند.[۲]

بعضی‌ها نماز سنت رواتب را بعد از نماز عصر در جمع با ظهر مکروه دانسته‌اند به دلیل نهی پیامبر (ص) از نماز بعد از عصر. و این که مراد از نهی خود نماز عصر است یا هر نمازی بعد از وقت عصر است، گفته‌اند مراد خود نماز عصر است. و پیامبر فرموده: **«و لاصلاه بعد صلاتین: بعد العصر حتی تغیب الشمس و بعد الصبح حتی تطلع الشمس»** یعنی، هیچ نمازی بعد از این دو نماز نیست: بعد از عصر تا خورشید غروب می‌کند و بعد از نماز صبح تا خورشید طلوع می‌کند.[۳] و ثابت است که این حدیث نهی از نماز بعد از عصر با حدیث دیگری مقید شده مثل حدیث حضرت علی بن ابی طالب رضی الله عنه: **"نهی رسول الله عن الصلاه بعد العصر الا والشمس مرتفعه."**[۴] یعنی، رسول خدا از نماز بعد از عصر نهی کرد مگر اینکه خورشید هنوز بالا باشد. ابن حزم در "المحلی" این را صحیح

---

[۱]. نووی، ۱۳۸۶ق، ۴۰۲/۱. و، الشربینی، مغنی المحتاج، ۲۷۵/۱.
[۲]. الشروانی، ۱۳۱۵ق، ۳۹۷/۲.
[۳]. احمد بن یحیی الونشریسی، *المعیار المعرب و الجامع المغرب*، المحقق: محمد حجی، مملکة المغربیة: دار الغرب الإسلامی، ۱۴۰۱ ق، ۲۱۲/۱. و، ابن تیمیه، ۱۳۹۸، ۲۰۰/۲۳.
[۴]. ابو داود، ۱۳۰۶ق، ۴۲/۲، رقم ۱۲۷۴. و، نسائی، ۱۴۲۱ق، ۲۸۰/۱. و، احمد، مسند، ۱۲۹/۱- ۱۴۱.

دانسته[1] و ابن حبان نیز آن را در صحیح خود آورده است.[2] این حدیث دلالت بر جواز نماز بعد از عصر نیز دارد اما اگر خورشید مرتفع باشد، پس هیچ کراهتی برای نماز سنت ظهر و سنت عصر بعد از جمع فرض ظهر و عصر نیست. پس کلام امام نووی صحیح و درست است.

دوم، در مورد نماز رواتب جمع مغرب و عشاء؛ در جواز نماز سنت عشاء بعد از جمع با مغرب و قبل از غروب شفق بین مالکیه و شافعیه و حنابله اختلافی نیست. امام نووی فرموده است: در جمع عشاء و مغرب، اول دو فرض خوانده می‌شوند سپس سنت مغرب بعد سنت عشاء خوانده می‌شود[3].

شروانی فرموده است: اگر مغرب و عشاء جمع تقدیم شود می‌توان سنت مغرب را در وسطشان خواند. اگر جمع تأخیر باشد و عشاء مقدم شود، می‌توان سنت عشاء را در وسط خواند، و گرنه ممنوع است[4]. ابن قدامه نیز فرموده است: اگر در وقت نماز اولی جمع کرد می‌تواند سنت دومی آن‌ها را قبل از دخول وقت نماز دومی بخواند[5].

بعضی از علما مانند آلبانی، رواتب بعد از نماز اولی به صورت جمع بین نمازها در حضر را هنگام جمع ساقط می‌دانند و بین این رواتب با رواتب قبلی نماز فرق قایل هستند و گفته‌اند که قول به مشروعیت آن‌ها به دلیل خاص نیاز دارد. اما این قول مرجوح است به دلایل زیر:

---

[1]. ابن حزم، *المحلی*، ۳/۳۱- ۲/۲۷۱.

[2]. ابن حبان، ۱۳۷۲، ۶۲۱

[3]. نووی، ۱۳۸۶ق، ۱/۴۰۲

[4]. الشروانی، ۱۳۱۵ق، ۲/۳۹۷.

[5]. ابن قدامه، ۱۴۰۳ق، ۲/۱۲۵.

اول، به دلیل استصحاب، اصل انجام دادن این رواتب است مانند رواتب قبلی و مانند سنت عشاء بعدی و وتر. کسی که بین این دو رواتب فرق گذارد نیاز به دلیل دارد.

دوم، چون نماز سنت در سفر هنگام قصر ساقط می‌شود پس رواتب ظهر و عصر و مغرب و عشاء همراه قصر خوانده نمی‌شود، اگر جمع هم واقع نشود. ابن عمر این را تصریح کرده و مازری گفته است: بین نمازهای جمع در سفر نفل خوانده نمی‌شود چون جمع به سبب ضرورت و عجله در سفر مباح شده پس مراعات وقت اختیاری به سبب ضرورت عجله ساقط می‌شود. و در سفر از خواندن نفل دوری می‌شود چون منافی حال مسافر و کوتاه کردن نماز است.[1]

سوم، وقت جمع شرعاً معین است و یک وقت دارد و همچنین این قول که وقت نماز اولی با تمام شدن جمع، تمام می‌شود بنابر این سنتش ساقط می‌شود، صحیح نیست. چون اگر برای نمازگزار بطلان نماز اولی هنگام تمام شدن جمع، روشن شد می‌تواند آن را ادا کند نه قضا.

چهارم، نسائی و... از حدیث ابن عباس روایت کرده‌اند که ابن عباس در بصره نماز اولی و عصر را خواند و چیزی بینشان نبود و مغرب و عشاء را نیز خواند بدون این که چیزی بینشان باشد، بر این اساس که وی در مدینه با رسول خدا نماز اولی را خوانده و عصر را هشت سجده خوانده بدون این که چیزی بینشان باشد. و این دلالت می‌کند که پیامبر (ص) سنت را بعد آنها خوانده است.

---

[1]. المازری، ۱۹۹۷م، ۸۳۶/۲.

پنجم، نهی از نماز بعد از عصر منوط به پایین آمدن خورشید است هم چنان که گذشت. بنابراین استناد به نصوص وارده بر نهی از نماز بعد از عصر، ضعیف است.

ششم، علت چشم پوشی در این مسئله از یک جهت به سبب کمی وقوع جمع بین نمازها در حضر در مدینه از طرف رسول الله و صحابه و از جهت دیگر تشویق آن‌ها به اداء رواتب در خانه‌هایشان بوده است. و دلیل صریحی در عدم آن نیست و اصل این است که، **"ابقاء ما کان علی ما کان علیه"**، یعنی استصحاب باقی می‌ماند تا دلیل دیگر آن را رد کند.

امام بخاری در باب عدم نماز تطوع بعد از نماز فرض حدیث ابن عباس را آورده که ابن حجر درباره آن فرموده است: دلالت می‌کند بر ترک تطوع بعد از نماز اولی و مراد این است، اما تطوع بعد از نماز دومی مسکوت عنه است و هم چنین تطوع قبل از نماز اولی احتمال دارد و قول بخاری به طور کلی آن را ساقط نمی‌کند که احتمال نداشته باشد.

۳-۸- نماز سنت وتر هنگام جمع نمازها:

مالکیه می‌گویند که نماز سنت وتر جز بعد از غروب شفق خوانده نمی‌شود یعنی بعد از دخول وقت عشاء.[1] بعضی از شافعیه نیز می‌گویند که وقت وتر بعد از غروب شفق وارد می‌شود هر چند با عشاء متصل نباشد. اما عراقی و... آن را ضعیف دانسته‌اند.[2]

مازری در شرح التلقین گفته است که نماز نفل بعد از عشاء و وتر در مسجد خوانده نمی‌شوند ولی در منزل بعد از غروب شفق خوانده

---

[1]. المازری، ۱۹۹۷م، ۸۴۳/۲.

[2]. نووی، ۱۳۴۴ق، ۱۹۳/۴.

می‌شوند. نماز نفل بعد از عشا احتمال نهی از آن ممکن است تا مردم قبل از تاریکی شدید به منزل‌هایشان برسند. نماز وتر سنت موکده است ضرری به تقدیمش قبل از وقتش ندارد به همین خاطر تا غروب شفق به تأخیر انداخته می‌شود.[1]

شافعیه و حنابله بر این نظر هستند که وتر بعد از تمام شدن نماز عشاء خوانده شود و دخول وقتش را شرط نمی‌دانند[2] و این قول ابن عبدالحکم و عبدالحق از مالکیه نیز هست.[3] و سبب اختلافشان این است که آیا وقت وتر با تمام شدن نماز عشاء فرا می‌رسد و تابع نماز است یا وقت خاصی دارد که از آن تقدم پیدا نمی‌کند. جمهور بر قول اولی هستند و مالکیه بر قول دوم. و ظاهر این است که وتر تابع فرض عشا است به سبب حدیث صحیح پیامبر از چندین طریق از جمله طرق ابن عباس، عمروبن عاص، ابن حذافه، ابی بصره، ابن عمر، ابی سعید خدری، عمر بن شعیب و... که پیامبر فرموده‌اند: "**ان الله زاد کم صلاه و هی الوتر فصلّوها فیها بین الصّلاه العشاء الی صلاه الفجر.**"[4] یعنی، خداوند نمازی را بر شما اضافه کرد و آن وتر است پس آن را بین نماز عشا تا نماز فجر بخوانید. لذا قول صحیح همان قول جمهور است و سیوطی و کتانی این حدیث را از احادیث متواتر خوانده‌اند[5].

---

[1] المازری، ۱۹۹۷م، ۸۴۳/۲.

[2] المدنی، ۱۳۰۶ق، ۳۲۸/۱.

[3] نووی، ۱۳۸۶ق، ۴۰۲/۱. ابن قدامه، ۱۴۰۳ق، ۱۲۵/۲.

[4] الدارقطنی، ۱۴۰۳ق، ۱۶۴۰ و ۱۶۳۹. و، الطبرانی، المعجم الکبیر، ۱۴۱۵ ق، ۱۱۶۵۲ و ۲۱۶۷، ۱۰۸/۲-۱۱۲. و، الطبرانی، ۱۴۱۵ق المعجم الاوسط. و، الترمذی، ۱۴۰۳ق، ۴۵۲. و، ابن ماجه، ۱۳۵۹ق، ۱۱۶۸. الحاکم، ۱۳۹۸ق، ۳۰۶/۱ و ۵۹۳/۳. و، الألبانی، ۱۴۰۵ق، ۱۵۶/۲- ۱۵۹، رقم ۴۲۳.

[5]. عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی، *الازهار المتناثره فی الاخبار المتوارة*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۶ق، ص ۹۹. و، محمد بن جعفر الکتانی، *نظم المتناثره من الحدیث المتواتر*، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۹۸۷م،

۳-۹- نماز جمعه هنگام جمع نماز:

جمع بین نماز جمعه و عصر در حضر جایز است و اگر خواستند جمعه را تا وقت عصر به تأخیر اندازند جایز است که در وقت عصر خطبه گفته شود و نماز بخوانند. به گفته‌ی امام نووی جمع بین نماز جمعه و عصر به سبب باران جایز است و باید باران موجود باشد تا عصر را جلو انداخت. ولی وجود باران در دو خطبه شرط نیست هر چند که آن‌ها به جای دو رکعت هستند. ایشان فرموده است که اگر خواسته شود جمعه تا وقت عصر به تأخیر انداخته شود، جایز است و در وقت عصر خطبه گفته می‌شود و نماز خوانده می‌شود.[۱] اما مالکیه جایز نمی‌دانند به سبب این که فقط بین مغرب و عشاء را با عذر مطر جایز می‌دانند. در حالی که در مذهب حنابله قول به مشروعیت آن هست.[۲]

بعضی از اهل علم قایل به عدم مشروعیت جمع نماز جمعه با نماز عصر هستند چون جمع وارد از پیامبر در مدینه به صورت هفت و هشت رکعتی بوده و جمع جمعه با عصر شش رکعتی می‌شود.[۳] اما این جمع که از پیامبر منقول است در روز جمعه نبوده به همین خاطر هفت و هشت رکعتی بوده است. و در شرع نماز جمعه را برای جمع استثنا نکرده است. همچنین مشروعیت جمع مسافر برای جمع نماز جمعه با عصر هم به نوعی برای مقیم نیز مؤید است و علت منصوص جمع **"لئلا تحرج أمتی"**

ص ۷۱.

[۱]. نووی، ۱۳۸۶ق، ۴۰۰/۱.

[۲]. المرداوی، ۱۴۱۸ق، ۹۸/۲.

[۳]. العثیمین، ۱۴۲۲ق، ۵۷۲/۴

می‌باشـد که در روز جمعه هم قابل انکار نیسـت و مثل روزهای دیگر احتمال به وجود آمدن حرج ممکن است.

۳-۱۰- افضلیّت جمع تقدیم و جمع تأخیر:

در حالت کلی و بدون عذر، خداوند برای کسی مباح نکرده است که نماز را از وقتش بـه تـأخیر اندازد همانگونه که اجازه نداده که آن را قبل از فرا رسیدن وقتش بخواند و چون معلوم نیست کی عذر بر انسان وارد می‌شود. پس جمع تأخیر از جمع تقدیم والاتر نیست بلکه بسته به آن نیاز و حاجت و مصـلحت شاید یکی از آنها افضل باشد و این قول مذهب جمهور علما است. و ظاهر مذهب امام احمد و قول مخصوص از ایشان و غیره است و به گفته ابن تیمیه، هر کسی که قول به تفضیل یکی بر دیگری به طور مطلق داده باشـد به اشـتباه رفته است[۱]. با این وجود، بعضی از فقها در بعضی از عذرها قول به افضلیت وقت اولی یا دومی داده‌اند از جمله بعضی از فقهای حنبلی در مریضی جمع تأخیر و در باران جمع تقدیم را افضل دانسته‌اند،[۲] مالکیه و شـافعیه نیز در باران جمع تقدیم را افضل دانسته‌اند[۳] و بعضی نیز در سـفر جمع تأخیر و بعضـی نیز جمع تقدیم را افضـل دانسته‌اند[۴]. اما در واقع همانطور که بیان گردید بسـتگی به وقت حاجت و نیاز دارد. اگر ابن عبـاس نمـازش را به تأخیر انداخت به علت حاجت و نیازی بود که برای

---

[۱]. ابن تیمیه، ۱۳۹۸، ۵۷/۲۴.
[۲]. المرداوی، ۱۳۷۴ق، ۲۴۰/۲.
[۳]. محمد بکر اسماعیل، *الفقه الواضح*، مصر، القاهره، دارالمنار، ۱۴۱۷ق، ۱۳۸/۱.
[۴]. ابن ضویان، ۱۴۰۲ ق، ۱۳۸/۱.

مســـلمانان پیش آمد و در امر مهمی خطبه می‌داد. پس فضـــیلت تقدیم یا تأخیر بستگی به آن حاجت و نیازی دارد که باید دید در نماز اولی یا دومی اتفاق می‌افتد. همانطور که امام نووی برای عذر سفر گفته است که اگر در وقت اولی مســافر در خانه بود افضل این است که دومی را جلو بیاندازد و اگر در وقت اولِی در حرکت و مسافرت بود افضل این است که وقت دوم پیاده شود و اولی را با دومی با تأخیر بخواند[1].

[1]. نووی، ج ۵، ص ۲۱۳.

کلام آخر

از برکت‌های آسان‌گیری دین اسلام مشروع بودن جمع میان نمازها به دلیل بعضـی اسباب، نیازها و عذرها از جمله سفر، ترس، بارش باران، عوارض طبیعی و غیره جهت رفع حرج و مشـقت از امت اسلام، بوده است. در هر صـورت، حدیث صـحیح دور از شـذوذ و علت ابن عباس امکان پاسخ به پرسشهای مطرح شده در مورد جمع نماز را فراهم کرده است. و همانطور که یوسف قرضاوی هم اشاره می‌کند[1]، از ویژگی‌های دین مبین اسلام این اسـت که انسان مسلمان می‌تواند براساس وقایع و قضایای تازه‌ای که پیش می‌آیند، نصوص شریعت را توسعه و گسترش دهد.

در این کتاب سعی شد که ضمن اشاره به کلیاتی در مورد جمع نماز و نیز احکـام آن، دلایلی را که بتوان با تکیه بر آنها جواز جمع نماز در هنگام امور مشـقت‌آور امروزی و بدین صـورت منع مشـقت و حرج بیشـتر در شـرایط خاص برای فرد مومن مسـلمان را اسـتنتاج کرد، برجسـته نمود. خلاصـه‌ی مطالب ارائه شـده و نتیجه‌ی این مباحث را می‌توان به صورت زیر ارائه کرد:

---

[1] یوسـف قرضـاوی، *دیدگاههای فقهی معاصـر*، ترجمه: احمد نعمتی، ج ۴، چاپ اول، تهران: نشـر احسان، ۱۳۸۹، ص ۶۳۷.

اول: این که اوقات نمازها در حالت وسعت و رفاهی پنج دسته و در حالت تنگنا و شدت و سختی سه دسته هستند به همین سبب در قرآن هم به هر دو دسته اشاره شده و این مشروعیت جمع در حضر و سفر را می‌رساند.

دوم: خداوند در سوره حج آیه‌ی ۷۸ می‌فرماید "و در دین برایتان هیچ تنگنا و سختی قرار نداده است". یعنی در احکام خداوند هیچ حکمی تشریع نشده است که بندگان را در سختی و تحیّر قرار دهد. هر جا که در امور دینی‌شان به سختی و مشکلی گرفتار می‌شوند، خداوند برای آنها گشایش و راحتی فراهم می‌سازد تا احکامش قابل تحمل بوده و مورد قبول بندگان قرار گیرد. از جمله این مشقات برای بندگان سفر، مریضی، حاجت و نیاز می‌باشد که انسان در انجام عبادات از جمله نماز، در آن مواقع راحتی و آسایش را از دست می‌دهد. لذا خداوند در احکام تخفیفاتی قائل شده تا بر بندگان رفع مشقت نماید که قصر و جمع نماز از جمله آنها هستند و هدف از انجام آنها هم رفع مشقت است. اگر در برخی موارد گزاردن نماز به وقت خود مشقت آور باشد، پس انسان حق دارد بین دو نماز جمع کند به شرطی که آن را عادت خویش نسازد بلکه عمل به این حکم فقط در موارد ندرت و ضرورت به خاطر رفع حرج و مشقّت جایز است.

سوم: دلایل مشروعیت جمع نماز از نظر مذاهب اربعه اهل سنت از قرآن، احادیث و اجماع برگرفته شده‌اند. سبب اختلاف مذاهب و علما در تاویل آثاری است که در مورد جمع نماز روایت شده‌اند و چون استدلال

از این ادله بر جواز جمع نماز است این استدلالها افعالی هستند و اقوالی نیستند و افعال هم در بر دارنده احتمالات زیادی می‌باشد و همچنین اختلاف در صحیح دانستن بعضی از این افعال و در جواز قیاس در غیر این افعال است.

چهارم: رأی راجح مربوط به قایلان به سنت بودن جمع نماز است اگر سببش موجود باشد و هیچ منعی ندارد که حدیث ابن عباس بر عذری از عذرها حمل شود چون خود به علتی در آن خبر داده و آن این است که تا امت پیامبر (ص) دچار حرج نشوند. و می توان گفت که اسباب جمع نماز توقیفی نیستند و به تناسب زمان تغیر می‌کنند و می‌توان در این رابطه قیاس انجام داد تا نماز فوت یا قضا نشود.

پنجم: احادیثی در خصوص جمع حقیقی برای شخص مسافر و در عرفه وجود دارد که جمع را به معنی شرعی خود تبدیل کرده است و آن جمع حقیقی به معنی اداء نمازهای ظهر و عصر یا مغرب و عشاء هر یک در وقت دیگری است.

ششم: برای رفع حرج از امت باید بر جمعی که در حضر و به خاطر عذر آمده معنای حقیقی حمل گردد نه برای آن تأویل دوری مانند جمع صوری برگزید. و این احادیث مخصّص نصوص وارده در مواقیت هستند نه معارض با آن‌ها.

هفتم: امروزه طلب و حاجت مردم اسبابی را به وجود آورده‌اند که حرج بیشتری را نسبت به گذشته به همراه دارد و احتمال فوت نمازها خیلی بالا رفته است. مثلا برای افرادی همچون نانوا، آشپز، پزشک جراح،

دانشـجو و دانش آموزان سـر کلاس، کارگران با مشقّت کار در قعر چاه و تونل‌های آنچنان و پاسـبان و نگهبانان و سـربازان که با ترک جمع نماز دچار مشـقت و یا ضرر مالی، علمی و... می‌شوند. لذا می‌توان به دلیل این اسـباب و حکمتها تعدیل و تخفیفی در احکام قائل شـد تا اشـخاصـی که شـغل و کار و حرفه آنان مقتضـی جمع کردن نمازها باشـد، بتوانند از این رخصت و مجوز شرعی (صدقه) استفاده نمایند.

در این رابطه می‌توان به دیدگاههای فقهی یوسـف قرضـاوی به ویژه برای سـاکنان مسلمان اروپا اشاره کرد. ایشان جمع میان نمازها در تابستان و زمسـتان را در آنجا به سـبب هرگونه حاجتی، جایز و روا می‌داند. در تابستان چون وقت عشاء تا نیمه شب به تاخیر می‌افتد و مردم هم باید زود بر سـر کار حاضـر شوند، ادای نماز عشاء در زمان محدود خود، سختی و مشقّت برای مسلمانان آنجا به بار می‌آورد. لذا جمع میان دو نماز مغرب و عشـاء را جایز می‌داند. همچنین جمع میان نمازهای ظهر و عصر و مغرب و عشاء در زمستان را هم جایز می‌داند. زیرا روز برای کارگران و کارمندان موسـسـات بسـیار کوتاه اسـت و به جای آوردن آنها در زمان معین همراه سختی و مشقّت است که با آسانگیری اسلام همخوانی ندارد.[1]

هشتم: حنفیه قائل به عدم جواز جمع بین صلاتین می‌باشند چه در سفر و چه در حضـر به هر عذری، مگر در دو مورد یکی در عرفه و دیگری در مزدلفه آن هم با شرایطی خاص. شافعیّه قائل به جواز جمع نماز در سفر و باران و برف آن هم با شـرایطی می‌باشـند. اما به نظر آنان جمع به خاطر

[1] در این باره بنگرید: قرضاوی، ۱۳۸۹، ص ۶۲۹.

تاریکی شدید و باد و ترس و مرض جایز نیست. مالکیّه اسباب جمع را از این قرار می‌دانند: سفر، بیماری، باران، گل آلود بودن با تاریکی، بودن در عرفه و مزدلفه برای حجاج. حنابله در عرفه و مزدلفه و برای مسافر، بیمار، زن شیرده، زن مستحاضه، سلس البول، عاجز از طهارت آبی یا تیمم، عاجز از شناخت وقت، خائف بر نفس یا مال یا آبرو، خائف از ضرر در زندگی، و در برف، باران، سرما، باد، و گل آلود بودن با شرایطی، جمع را جایز می‌دانند.

نهم: جمع نماز احکامی دارد که رعایت آن لازم است، از جمله: نماز قابل جمع شدن باشد، نیت جمع که شرط است اما در مورد محل آن اختلاف وجود دارد، رعایت ترتیب بین نمازها، موالات و یقین بر صحت نماز اولی.

دهم: درباره‌ی نحوه اذان و اقامه در نماز جمع، مالکیه دو اذان و دو اقامه را مندوب می‌دانند، در حالی که حنفیه و شافعیه و حنابله بر این قول هستند که برای هر دو نماز جز یک اذان گفته نمی‌شود اما برای هر کدام یک اقامه گفته می‌شود.

یازدهم: جمع، در روز جمعه نیز اگر بعد از زوال که با وقت ظهر مشترک می‌شود اداء شود، جمع بینشان با نماز عصر هنگام ضرورت جایز است و نصی از شافعیه بر آن است و نزد حنابله نیز روایتی است و آلبانی نیز بر آن فتوا داده است.

دوازدهم: اداء نماز رواتب هنگام جمع نماز جایز است. و نماز رواتب بهتر است به تأخیر انداخته شود، در این مورد بین علما اختلاف است و

قول صحیح بر ثبوت آن است.

سیزدهم: نماز سنت وتر در هنگام جمع نماز جایز است اما در مورد وقت انجام آن با نماز عشا اختلاف نظر وجود دارد که آیا وقت وتر با تمام شدن نماز عشا فرا می‌رسد و تابع نماز است یا وقت خاصی دارد که از آن تقدم پیدا نمی‌کند. جمهور بر قول اولی هستند و مالکیه بر قول دوم و قول صحیح همان قول جمهور می‌باشد.

چهاردهم: در مورد افضلیت جمع تقدیم و تأخیر، جمع تأخیر از جمع تقدیم والاتر نیست بلکه بستگی به نیاز و حاجت و مصلحت دارد و ممکن است یکی از آن دو افضل باشد. این قول مذهب جمهور علماست و هرکس قول به تفضیل مطلق یکی بر دیگری بدهد به اشتباه رفته است.

فهرست منابع و مآخذ

الف) منابع عربی:
الاسنوی، عبدالرحیم بن احسن، *تذکره النبیه فی تصحیح التنبیه*، دمشق، دارالکتب الظاهر، [دون تا].
ابن ابوحاتم، ابو محمد عبدالرحمن، *الجرح و التعدیل*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، الطبعه الاولی، ۱۳۷۱ق.
ابن ابی شیبه، *المصنف*، الریاض، الرشد، تحقیق: کمال الحوت، الطبعه الاولی، ۱۴۰۹ق.
ابن الأعرابی، ابوسعید، *المعجم*، السعودیه، دار ابن الجوزی، تحقیق و تخریج: عبدالمحسن بن ابراهیم، الطبعه الاولی، ۱۴۱۸ق.
ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مجموع *الفتاوی*، جمع و ترتیب: عبدالرحمن بن محمد، ۱۳۹۸ق.
ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مجموع *الرسائل و المسائل*، تحقیق: محمدرشیدرضا، لجنه التراث العربی، ج ۲، [دون تا].
ابن دقیق العید، تقی الدین ابی الفتح، *إحکام الأحکام شرح عمدة الأحکام*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ج ۲، [دون تا].
ابن جمیع، ابوالحسن محمد، معجم *الشیوخ*، تحقیق: عمر عبدالسلام، بیروت، الرساله، الطبعه الاولی، ۱۴۰۵ق.
ابن الجلاب، ابی القاسم عبیدالله بن الحسین، *التفریع*، تحقیق: حسین الدهمانی، دارالمغرب الاسلامی، الطبعه الاول، ۱۴۰۸ق.
ابن جوزی، عبدالرحمن، *الموضوعات فی الأحادیث المرفوعات*، تحقیق: نورالدین شکری بن بوباجیلاود، ریاض، مکتبة اضواء السلف، ۴ ج، ۱۴۱۸ هـ

ابن حبان، محمد بن، صحیح، محقق: احمد شاکر، لناشر: دارالمعارف، ۱۳۷۲.
ابن حبـان، محمـد، *الثقـات*، تحقیق: محمـد المعیـدخـان، الهند الدکن حیدراباد، دائره المعارف العثمانیه، الطبعه الاولی،۱۳۹۳ق.
ابن حبـان، محمـد، *المجروحین*، تحقیق: محمود ابراهیم زایـد، حلب، دارالوعی، الطبعه الاولی، ۱۳۹۶ق.
ابن حزم، محمد علی، *المحلی*، تحقیق: احمد شاکر، دار الآفاق، ج ۲ و ۳، [دون تا].
ابن خزیمه الســلمی، ابی بکر محمد بن اســحاق، صــحیح، تحقیق: محمد مصــطفی الاعظمی، بیروت، الملک الاسلامی، الطبعه الاول، ۱۳۹۱ ق.
ابو شـیخ، ابی محمد عبدالله بن جبان، *طبقات المحدثین باصـبهان*، موســه الرسـاله، تحقیق: عبدالغفور البلوعی، ۱۴۰۷ق.
ابن رجـب، عبـدالرحمن بن احمـد، *جـامع العلوم و الحکم*، تحقیق: الارنـاؤوط، بیروت، الرساله، الطبعه السابعه، ۱۴۲۲ ق.
ابن شاش، *عقد الجواهر الثمینة*، تحقیق: محمد ابوالأجفان، دارالغرب الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
ابن شــاهین، عمر بن احمـد، *ناســخ الحدیث و منســوخه*، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۰ق، ۲۴۲.
ابن شداد، بهاءالدین ابی المحاسن یوسف، *دلائل الأحکام*، تحقیق: محمد شیخانی و زیاد الدین الایوبی، دمشق، دارقتیبه، ۱۴۱۳ق.
ابن ضـویان، ابراهیم بن محمد، *منار السبیل فی شرح الدلیل*، بیروت، المکتب الاسلامی، الطبعه الخامسه، ۱۴۰۲ق.
ابن عبدالبر، ابن عمر بن یوســف، *التمهید*، تحقیق: مصــطفی العلوی و محمد البکری، المملکه المغربیه، وزاره الاوقاف، ۱۳۸۷ق.
ابن عبدالبر، یوســف بن عبدالله، *الاســتذکار*، بیروت، دارالکتب العلمیه، الطبعه الاولی، ج ۱۲، ۱۴۰۳ق.
ابن عبدالبر ابن عمر بن یوسف، *الاستیعاب فی معرفه الاصحاب*، قاهره، ۱۳۸۰ق.
ابن فارس، ابی الحسین احمد، معجم *مقاییسن اللغه*، تحقیق، عبدالاسلام محمد، بیروت: دارالفکر، ۱۳۹۹ش.
ابن قیم، ابی عبـدالله محمـد بن ابوبکر، *اعلام الموقعین*، تحقیق: طـه عبدالرؤف، بیروت، دارالجیل، [دون تا].

ابن قیم، محمد بن ابی بکر ابی عبدالله محمد، *بدائع الفوائد*، دارالطبع، [دون تا].
ابن قیم الجوزی، ابی عبداله محمد، *مدارج السالکین*، تحقیق: محمدحامد الفقی، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۳۹۲ق.
ابن قیم، ابی عبدالله محمد، *زاد المعاد*، بیروت، دارالکتاب العلمیه، [دون تا].
ابن قیم، محمد بن ابی بکر ابی عبدالله محمد، تهذیب *السنن*، المحقق: إسماعیل بن غازی مرحبا، مکتبة المعارف، ۱۴۲۸.
ابن قدامه، ابی محمد عبدالله، *المغنی*، بیروت، دار الکتاب العربی، ۱۴۰۳ق.
ابن ماجه، محمد بن یزید القزوینی، *السنن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1359 ق.
ابن المقری، *المعجم*، تحقیق: عادل بن سعد، الریاض، مکتبه الرشد، الطبعه الاولی، ۱۴۱۹ق.
ابن مودود الموصلی، عبدالله بن محمود، *الاختیار التعلیل المختار*، دارالمعرفه، الطبعه الثالثه، ۱۳۹۵ ق.
ابن الهمام، کمال الدین، شرح *فتح القدیر*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، [دون تا].
ابن معین، أبو زکریا یحیی، *تاریخ*، محقق: أحمد محمد نور سیف، مکة: مرکز البحث العلمی، ۱۳۹۹ ق.
ابن مفلح، ابو اسحاق برهان الدین ابراهیم، *المبدع* شرح *المقنع*، الدمشق، المکتب الاسلامی، الطبعه الاولی، [دون تا].
ابن مفلح، شمس الدین المقدسی ابی عبدالله، *الفروع*، مصر، دار مصر، للطباعه.
ابن المنذر، ابی بکر محمد، *الاوسط*، تحقیق: صغیر احمد، السعودیه، دارالطیبه، ج ۲، [دون تا].
ابن المنذر، ابوبکر محمد، *الاجماع*، تحقیق: فواد عبدالمنعم، دارالمسلم، الطبعه الاولی، ۱۴۲۵ق.
ابن الملقن، ابی حفص عمر بن علی، *الاعلام بفوائد عمده الاحکام*، تحقیق: عبدالعزیز المشیقح، دارالعاصمه، الطبعه الاولی، ۱۴۱۷ق.
ابن منظور، محمد، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر، الطبعه الثالثه، ۱۴۱۴ق.
ابودلود، سلیمان بن الاشعث، سنن *ابوداود*، تحقیق: محمد محی الدین، بیروت، المکتبه العصری، ۱۳۰۶.
ابویعلی، احمد بن علی، مسند *ابی یعلی*، تحقیق: حسین السلیم اسد، دارالمامون،

الطبعه الاولی، ۱۴۰۴ ق.
الالوسی، ابو الفضل شهاب الدین محمود، *روح المعانی*، بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۸ق.
ابن العربی، ابی بکر، *القبس فی شرح موطا*، تحقیق: محمد عبدالله و الکریم، دارالغرب الاسلامی، الطبعه الاولی، ۱۹۹۲م
ابو یوسف، یعقوب بن ابراهیم، *الآثار*، تحقیق: ابوالوفاء، حیدر آباد هند، احیاء المعارف النعمانیه، الطبعه الاولی، ۱۳۵۵ق.
ابو یوسف بسوی، یعقوب بن سفیان، *المعرفه و التاریخ*، تحقیق: اکرم ضیاء، بیروت، موسه الرساله، الطبعه الثانیه، ۱۴۰۱ ق.
ابوسعید، *مسند الشاشی*، تحقیق: محفوظ زین الله، المدینه، مکتبه العلوم و الحکم، الطبعه الاولی، ۱۴۱۰ق.
ابوعوانه، یعقوب بن اسحاق الاسفرائنی، *مسند*، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۰ق.
اسحاق بن راهویه، اسحاق بن ابراهیم، *المسند*، تحقیق: محمدمختار، بیروت، دارالکتاب العربی، الاولی، ۱۴۲۳ق.
ابن الأعرابی، محمد بن زیاد، *المعجم*، تحقیق: عبدالمحسن بن ابراهیم، عربستان سعودی، دار ابن الجوزی، ۱۴۱۸ق.
ابوالقاسم، علی، *تاریخ ابن عساکر*، تحقیق: عمروبن غرامه، دمشق، دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
الالبانی، *السلسله الصحیحة*، الریاض، مکتبه المعارف، الطبعه الاولی، ۱۴۱۵ق.
الالبانی، *السلسله الاحادیث الضعیفه و الموضوعه*، الریاض، دارالمعارف، الطبعه الاولی، ۱۴۱۲ق.
الالبانی، محمد ناصر، *ارواءالغلیل*، تحقیق: الشاویش، بیروت، المکتب الاسلامی، ۱۴۰۵.
الألبانی، محمد ناصر، *الموتلف*، بیروت، المکتب الاسلامی، ۱۴۰۵.
الألبانی، محمد ناصر، تعلیقات الالبانی علی صحیح ابن خزیمه، ج ۲.
ابو اسحاق الشیرازی، ابراهیم بن علی، *المهذب*، بیروت، دارالمعرفه، الطبعه الثانیه، ۱۳۷۹ق.
ابو اسحاق الشیرازی، ابراهیم بن علی، *التنبیه*، بیروت، عالم الکتب، الطعبه الاولی، ۱۴۰۳ق.
ابی تغلب، عبدالقادر بن عمر، *نیل المارب شرح دلیل الطالب*، تحقیق: محمد سلیمان الاشقر، الکویت، مکتبه الفلاح، الطبعه الاولی، ۱۴۰۳ق.

ابوهلال العسکری، الحسن بن عبدالله، *الفروق اللغویه*، تحقیق: محمد ابراهیم، بیروت، دارالعلم، [بی تا].
البیهقی، احمد بن الحسین، *معرفه السنن و الآثار*، تحقیق: قلعجی، حلب، دارالوعی، ۱۴۱۱ق.
البیهقی، احمد بن الحسین، *خلافیات*، تحقیق: ابی عبید، مشهور به ال سلمان، دارالصمیمی، الطبعه الاولی، ۱۴۱۵ق.
البیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، *السنن الکبری*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۴ ق.
البغوی، ابی محمد الحسین بن افراء، *شرح السنه*، تحقیق: شعیب الارناؤوط، بیروت، المکتب الاسلامی، ط. الثانیه، ۱۴۰۳ ق.
البسام، عبدالله بن عبدالرحمن، *تیسیر العلّام*، کویت، احیاء التراث الاسلامی، الطبعه الثانیه، ۱۴۱۹ق.
ابی زهره، محمد، *الامام مالک، حیاته و فقهه*، بیروت، دارالفکر العربی، الطبعه الثانیه، ۱۹۵۲ م.
الباجی، ابی الولید سلیمان بن خلف، *المنتقی شرح الموطأ*، مصر، مطبعه السعاده، الطبعه الاول، ۱۳۳۱ق.
البخاری، *الضعفاء*، مکتبه ابن عباس، تحقیق: بن ابی العینین، الطبعه الاولی، ۱۴۲۶ق.
البخاری، محمد بن اسماعیل. *صحیح البخاری*، تحقیق: محمد زهیر الناصر، دارطوق، الطبعه الاولی، ۱۴۲۲ق.
البخاری، محمد بن اسماعیل، الجامع الصحیح، الیمامه دار ابن کثیر، ۱۹۸۷م.
البخاری، محمدبن اسماعیل، *التاریخ الکبیر*، تحقیق: محمد عبدالمعید خان، الهند، الدکن، حیدرآباد، دائره المعارف العثمانیه، [دون تا].
البغدادی، الخطیب، *تاریخ بغداد*، تحقیق: مصطفی عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، الطبعه الاولی، ۱۴۱۷ق.
بوصیری، احمد بن ابی بکر، *إتحاف الخیره المهره بزوائد المسانید العشره*، تحقیق: عادل سعد، الریاض، مکتبه الرشد، الطبعه الاولی، ۱۴۱۹ق.
البزار، ابوبکر احمد، *المسند البزار*، تحقیق: محفوظ الرحمن زین الله، بیروت، دارالمعرفه، الطبعه الاولی، ۲۰۰۹م.
البغدادی، قاضی عبدالوهاب، *الاشراف*، تحقیق: مشهور آل سلمان، الدمام، دار ابن عفان،

۱۴۲۱ق.
البغدادی، عبداللطیف، *رساله فی الجمع بین الصلاتین*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۹۷۳ق.
البلیهی، صالح ابن ابراهیم، *السلسبیل فی معرفه الدلیل*، مکتبه ابن تیمیه، الطبعه الثالثه، ۱۴۰۱ هـ.
البهوتی، منصور بن یوسف، *الروض المربع شرح زادالمستقنع*، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۵ق.
البهوتی، منصور بن یوسف، *کشاف القناع*، مکه، مطبعه الحکومه، ۱۳۹۴ق.
البیجوری، ابراهیم، حاشیه البیجوری علی شرح ابن قاسم الغزی علی متن ابی شجاع، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۵.
ابو عبدالله محمد، صحیحه البانی، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، المکتبه عیسی الحلبی و داراحیاء الکتب العربیه، [دون تا].
ابو حفص عمر بن علی، *ابن الملقن، و الاعلام بفوائد عمده الاحکام*، تحقیق: عبد العزیز المشیقح، دارالعاصمه، الطبعه الاولی، ج ۴، ۱۴۱۷ق.
ابن انس، الامام مالک، *الموطا*، تحقیق: محمدفوادعبدالباقی، بیروت، داراحیاءالتراث العربی، ۱۴۰۶ق.
ابن انس، الامام مالک، *المدونه الکبری*، دارالفکر، الطبعه الثانیه، ۱۴۰۰ق.
ابن عابدین، محمد امین، حاشیه ابن عابدین، بیروت، دارالفکر، الطبعه الثانیه، ج۱، ۱۳۸۶ق.
ابن رجب، عبدالرحمن بن احمد حنبلی، *فتح الباری*، تحقیق: محمد عوض، المدینه، مکتبه الغرباء، الطبعه الاولی، ج ۴، ۱۴۱۷ق.
ابن عدی، عبدالله، *الکامل*، تحقیق قراءه و تدقیق: یحیی مختار غزاوی، بیروت، ج ۲، ۱۴۰۹.
ابن حبان، أبو حاتم محمد، *المجرومین*، حلب، دارالوعی، الطبعه الاولی، ج ۱، ۱۳۹۶ق.
ابن تیمیه، احمد، *المجموع*، ط. الأوقاف السعودیة.
بن باز، شیخ عبدالعزیز بن عبدالله، *تحفته الاخوان*، تحقیق: محمدالشایع، الطبعه الثامنه، ۱۴۱۶ق.
بن زید، احمد بن عیسی، *إمالی (رأب الصدع)*، المحقق: علی بن إسماعیل بن عبدالله

المؤید، دار النفائس، الطبعة: الأولی، ج ۱، ۱۹۹۰.
ابی الطیب محمد، شرح سنن *ابی داود*، دارالفکر، الطبعه الثانیه، ۱۳۹۹ق.
الازدی، ابوبکر محمد بن الحسن بن درید، جمهرة *اللغه*، تحقیق: بعلبکی، بیروت، دارالعلم للملایین، الطبعه الاولی، ۱۹۸۷م.
اسماعیل، محمد بکر، *الفقه الواضح*، مصر، القاهره، دارالمنار، ۱۴۱۷ق.
الأصبهانی، ابونعیم أحمد بن عبدالله، *معرفه الصحابه*، تحقیق: عادل العزازی، الریاض: دار الوطن للنشر، ط الأولی ۱۴۱۹ هـ.
الأصبهانی، ابو نعیم أحمد بن عبدالله، *الضعفاء*، دارالثقافه، تحقیق: فاروق حماده، الطبعه الاولی، ۱۴۰۵ق.
الأصبهانی، ابونعیم أحمد بن عبدالله، *الحلیه الاولیاء*، مصر، السعاده، ۱۳۹۴ق.
اطفیش، محمد بن یوسف. شرح *کتاب النیل و شفاء العلیل*، جده، مکتبه الارشاد، ۱۳۹۲ق.
امین السندی، محمد، *دراسات اللبیب فی الأسوه الحسنه بالحبیب*، تحقیق: محمد النعمانی، لجنه احیاء الادب السندی، کراتشی، ۱۹۵۷ م.
تاج الدین سبکی، عبدوهاب بن علی، *التوشیح علی التصحیح*، دارالکتب الظاهریه، [دون تا].
الترمذی، محمد بن عیسی، سنن *الترمذی*، تحقیق: احمد شاکر و عبدالباقی، مصر المکتبه مصطفی البابی الحلبی، الطبعه الثانیه، ۱۳۹۵ق.
ترمذی، ابو عیسی محمد بن عیسی بن سوره، *جامع الترمذی*، تحقیق، احمد شاکر، بیروت، داراحیاء التراث العربی، الطبعه الثانیه، ۱۴۰۳ق.
التتائی، محمد بن ابراهیم، تنویر المقاله، تحقیق: محمد عایش بشیر، الطبعه الاولی، ۱۴۰۹ق.
احمد الاصبهانی، ابونعیم. *المسند المستخرج علی صحیح مسلم*، التحقیق: محمدحسن، بیروت، دارالکتب العلمیه، الطبعه الاولی، ۱۴۱۷ق.
الجزیری، عبدالرحمن، *الفقه علی المذاهب* الاربعه، تحقیق: محمود الدمیاطی، بیروت، دارالکتب العلمیه، الطبعه الثالثه، ۱۴۲۴ق.
الجصّاص، ابوبکر احمد علی، *احکام القرآن*، وزراه الاوقاف الاسلامیه، ۱۳۳۵ ق.
الحاکم، ابو عبدالله محمد بن عبد الله نیشابوری، *معرفة علوم الحدیث*، تحقیق: السید

معظم حسین، بیروت، دارالکتب العلمیه، الطبعه الثانیه، ۱۳۹۷ق.
الحاکم، ابی عبدالله محمد، *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۸ ق.
حافظ العراقی، ابی الفضل زین الدین عبدالرحیم، *طرح التثریب فی شرح التقریب*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، [دون تا].
حافظ المزی، یوسف بن عبدالرحمن، *تهذیب الکمال*، تحقیق: بشار عواد معروف، بیروت، الرساله، الطبعه الاولی، ۱۴۰۰ق.
حافظ مزی، یوسف بن عبدالرحمن، *تحفه الاشراف بمعرفه الاطراف*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ج ۷، ۱۴۲۰ق.
الحطاب، شمس الدین أبو عبدالله محمد صمد، مواهب الجلیل شرح الخلیل، بیروت، دارالفکر، الطبعه الثانیه، ۱۳۹۸ق.
حنبل، امام احمد بن، مسند، بیروت، المکتب الاسلامی، ط. الثانیه، ۱۳۹۸ق.
حنبل، الامام ابوعبدالله احمد ابن، *المسند*، ریاض، موسسه الرساله، الطبعه الاولی، ج ۳، ۱۴۲۱ق.
حنبل، احمد بن، *العلل و معرفه الرجال*، الدارالسلفیه، تحقیق: وصی الله عباس، الهند، الطبعه الاولی، ۱۴۰۸ق.
الحنبلی، ابن رجب، شرح *علل الترمذی*، الاردن، تحقیق: همام سعید، مکتبه المنار، الطبعه الاولی، ۱۴۰۷ق.
الخطابی، ابن سلمان احمد بن محمد، *معالم السنن*، المکتب العلمیه، الطبعه الثانیه، ۱۴۰۱ق.
الخطابی، ابی سلیمان، *أعلام الحدیث فی شرح البخاری*، تحقیق: محمد بن سعد، جامعه ام القری، الطبعه الاولی، ۱۴۰۹ق.
الخرشی، ابو عبدالله محمد، شرح *الخرشی علی مختصر خلیل*، مصر، المطبعه القاهره، الطبعه الاولی، ۱۳۱۶.
الخطیب، ابوبکر احمد، موضح *اوهام الجمع و التفریق*، تحقیق: قلعجی، بیروت، دارالمعرفه، الطبعه الاولی، ۱۴۰۷ق.
الدار قطنی، علی بن عمر، *السنن الدار قطنی*، عالم الکتب، الطعبه الثانیه، ۱۴۰۳ق.
الدار قطنی، *العلل*، تحقیق: محفوظ زین الله السلفی، الریاض، دارطیبه، الطبعه الاولی، ۱۴۰۵ق.

الـدلر قطنی، علی بن عمر، *الموتلف و المختلف*، تحقیق: موفق بن عبـدالله، بیروت، دارالمغرب الاسلامی، ج ۱، ۱۴۰۶.
الدردیر، احمد، *الشـرح الصغیر*، تحقیق: محمد محی الدین، مصر، مطبعه المدنی، الطعبه الثانیه، ۱۳۸۵ق.
الدردیر، أحمد طه، شرح *الکبیر*، بیروت، دارالفکر، [دون تا].
الدَسـوقی، محمد بن احمد، *حاشیه الدسوقی علی الشرح الکبیر*، مصر، دارعیسی الحلبی، [دون تا].
الدمیاطی، ابی بکر عثمان بن محمد، *حاشیه اعانة الطالبین*، تحقیق: محمد سالم، بیروت، دارالکتب العلمیه، [دون تا].
الـذهبی، شـــمس الدین ابو عبدالله محمد، *میزان الاعتدال*، تحقیق: علی محمد، بیروت، دارالمعرفه، الطبعه الاولی، ۱۳۸۲ق.
الذهبی، شــمس الدین ابو عبد الله محمد، *الســیر*، تحقیق: جماعه من الباحثین، بیروت، موسه الرساله، الطبعه الاولی، ۱۴۰۲ق.
الذهبی، محمد بن احمد، *المغنی فی الضعفاء*، تحقیق، نورالدین عتر، [دون تا].
الذهبی شمس الدین ابو عبدالله، *تذکره الحفاظ*، محقق: عبدالرحمن بن یحی المعلمی، هند، حیدرآباد: دائرة المعارف العثمانیة، ۱۳۷۴ق.
الرافعی، ابی القاســم عبدالکریم، *فتح العزیز فی شــرح الوجیز*، المدینه، المکتبه السلفیه، [دون تا].
الراغب الاصــفهانی، ابولقاســم الحســین بن محمد، *المفردات*، تحقیق: صــفوان الداودی، بیروت، دارالقلم، الطبعه الاولی، ۱۴۱۲ش.
الرملی، شــمس الدین محمد، *نهایه المحتاج الی شرح المنهاج*، دارالفکر، الطبعه الاخیره، ۱۴۰۴ ق.
الزحیلی، وهبه، *الفقه الاسلامی و ادله*، دمشق، دارالفکر، ۲۰۰۶م.
الزرقانی، محمد، شرح *الرزقانی علی الموطا*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ق.
زکریا الانصاری، ابویحی، *فتح الوهاب*، مصر، المطعیه مصطفی الحلبی، ۱۳۶۷ق.
الزیلعی، جمال الدین ابی محمد عبدالله، *نصب الرایه*، المکتبه الاسلامیه، الطبعه الثانیه، ۱۳۹۳ق.
زیدان، عبدالکریم، *المفصـل فی أحکام المراه*، بیروت، مؤســـه الرســاله، الطبعه الثالثه،

۲۰۰۰م.
السامری، نصیرالدین محمد بن عبدالله، *المستوعب*، تحقیق: مساعد الفالح، الریاض، مکتبه المعارف، الطبعه الاولی، ۱۴۱۳ق.
الساعاتی، احمد عبدالرحمن البنی، الفتح الربانی، داراحیاء التراث العربی، ج ۵، [دون تا].
السجستانی، ابی داود، *مسائل الامام احمد*، تحقیق و تقدیم: محمد رشید رضا، بیروت، دارالمعرفه، [دون تا].
السرخسی، شمسَ الدین ابی بکر محمد بن احمد، *المبسوط*، بیروت، دارالمعرفه، الطبعه الثالثه، ۱۳۴۵ق.
السندی، ابی الحسن نور الدین بن عبدالهادی، *حاشیه السندی علی النسائی*، ذیل سنن النسائی، دارالفکر، الطبعه الاولی، ۱۳۴۸ق.
السهار نفوری، خلیل احمد، *بذل المجهود فی حل ابی داود*، بیروت، دارالکتب العلمیه، [دون تا].
السهمی الجرجانی، ابوالقاسم حمزه بن یوسف، *تاریخ جرجان*، تحقیق: محمدعبدالمعیدخان، بیروت، عالم الکتب، الطبعه الرابعه، ۱۴۰۷ق.
السیوطی، جلال الدین عبدالرحن، تنویر *الحوالک علی شرح موطا مالک*، بیروت، دارالفکر، [دون تا].
السیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، *الاشباه و النظائر*، بیروت، دارالکتب العلمیه، الطبعه الاولی، ۱۳۹۹ق.
السیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، *التعقبات علی الموضوعات*، تحقیق: عبدالله شعبان، دار مکة المکرمة، المنصورة / مصر، ط ۱، ۱۴۲۵ هـ
السیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، *الازهار المتناثره فی الاخبار المتوارة*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۶ق.
شاکر، محمد احمد، شرح مسند *الامام احمد*، [دون تا].
الشاشی القفال، ابی بکر محمد بن احمد، *حلیه العلماء فی معرفه مذاهب الفقهاء*، تحقیق: یاسین درادکه، بیروت، مکتبه الرساله، الطبعه الاولی، ۱۴۰۰ق.
الشاطبی، أبی اسحاق ابراهیم بن موسی، *الموافقات*، تحقیق: ابی عبیده، مشهور به آل سلمان، الرمام، دار بن عثمان، الطبعه الاولی.

الشافعی، [الامام]، ابی عبدالله محمد بن ادریس، *الام*، بیروت، دارالفکر، الطبعه الثانیه، ۱۴۰۴ق.
الشافعی، امام محمد بن ادریس، *السنن الماثوره*، روایه ابی جعفر الطحاوی الحنفی، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ ق.
الشربینی، محمد الخطیب، *الاقناع*، بیروت، دار ابن حزم، ۱۴۳۴ق.
الشربینی، الخطیب، *المغنی المحتاج*، دار احیاء التراث العربی، [دون تا].
الشروانی، عبدالحمید، *حاشیه علی تحفه المحتاج بشرح المنهاج*، قاهره: المطبعه المیمنیه، ۱۳۱۵ق
الشوکانی، محمد بن علی بن محمد، *نیل الاوطار*، بیروت، دارالجیل، ۱۹۷۳م.
الشویکی، احمد بن محمد، *التوضیح*، تحقیق: ناصر بن عبدالله، مکه، المکتبه المکیه، الطبعه الاولی، ۱۴۱۸ق.
الشوکانی، محمد بن علی، *السیل الجرار*، تحقیق: محمود زید، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵ق.
الشیبانی، الحسن، ابی عبدالله محمد، *الحجه علی اهل المدینه*، تحقیق: السید مهدی حسن الکلیلانی، الهند؛ حیدرآباد ، مطبعه الشرقیه، ۱۳۸۵ق.
الشیبانی، ابی تغلب عبدالقادر بن عمر، *نیل المآرب*، تحقیق: محمد سلیمان الاشقر، الکویت، مکتبه الفلاح، الطبعه الاولی، ۱۴۰۳ق.
شیخ فلاته، عمربن حسن، *الوضع فی الحدیث*، دمشق، مکتبه الغزالی، ج ۲، 1401 هـ .
الصنعانی، ابوبکر عبدالرزاق، مصنف *عبدالرزاق*، بیروت، تحقیق: حبیب الرحمن، المکتب الاسلامی، الطبعه الثانیه، ۱۴۰۳ق.
صنعانی، محمد بن اسماعیل، *سبل السلام*، تحقیق: حلاق محمد صبحی حسن، عربستان سعودی، دار ابن جوزی، ۱۴۱۸ق.
صنعانی، محمد بن اسماعیل، *العده علی احکام الاحکام*، تحقیق: قلعجی، الطبعه الاولی، ۱۴۱۰ق.
صدیق بن حسن خان، ابی الطیب، *حصول المأمول من علم الاصول*، القسطنطنیه، مطبعه الجوائب، ۱۲۹۶ق.
صدیق بن حسن خان، ابی الطیب، *الروضه الندیه*، تحقیق: احمد شاکر، بیروت، دارالمعرفه، ۱۳۹۸ق.

الطبرانی، سلیمان بن احمد، *المعجم الکبیر*، تحقیق: خمدی السفی، القاهره، مکتبه ابن تیمیه، الطبعه الثانیه، ۱۴۱۵ق.

الطبرانی، سلیمان بن احمد. *المعجم الاوسط*، تحقیق: طارق بن عوض الله، القاهره، دارالحرمین، ۱۴۱۵ق.

الطحاوی، ابی جعفر احمد بن سلامه الازدی، *شرح معانی الآثار*، تحقیق: محمد زهری النجار، بیروت، دارالکتب العلمیه، الطبعه الثالثه، ۱۴۱۶ق.

الطحاوی، احمد بن محمد، *حاشیه الطحاوی علی مراقی الفلاح*، دمشق، دارالایمان، ۱۳۱۸ق.

الطوسی، ابوعلی، *مختصر الاحکام*، مکتبه الغرباء، تحقیق: انیسن بن احمد، الطبعه الاولی، ۱۴۱۹ق.

الطیالسی، ابی داود، مسند، تحقیق: محمد عبدالمحسن الترکی، مصر، دارهجر، الطبعه الاولی، ۱۴۱۹ق.

العثیمین، محمدبن صالح، *الشرح الممتع علی زادالمستقنع*، تحقیق: عمر سلیمان الحفیان، مملکه العربیه السعودیه، دار ابن الجوزی، ۱۴۲۲ق.

العاملی، حسین یوسف مکی، *رساله فی الجمع بین الصلاتین*، ناشر: الیحفوفی، الطبعه الاولی، ۱۳۸۸ق.

عبدالسمیع الازهری، صالح، *الثمر الدانی شرح رساله القیروانی*، بیروت، دارالکتب العلمیه، [دون تاریخ].

عبدالهادی، محمد بن أحمد بن، *تنقیح التحقیق*، تحقیق: عاصرحسن جبری، الامارات العربیه، المکتبه الحدیثه، الطبعه الاولی، ج ۲، ۱۴۰۹ ق.

العدوی، علی الصعیدی، *حاشیه العدوی علی کفایه الطالب الربانی*، المحقق: یوسف الشیخ محمد البقاعی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۴هـ

العسقلانی، الحافظ ابن حجر، شهاب الدین احمد بن علی، *التلخیص الحبیر*، تصحیح: عبدالله هاشم الیمانی، المدینة المنورة، ۱۳۸۴ هـ

العسقلانی الشافعی، أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل، *فتح الباری شرح صحیح البخاری*، الناشر: دار المعرفة، بیروت، ۱۳۷۹.

العسقلانی، ابن حجر. تقریب *التهذیب*، تحقیق: محمدعوامه، سوریا، دارالرشید، الطبعه الاولی، ۱۴۰۶ق.

العسقلانی، ابن حجر، *المطالب العالیه بزوائد المسانید الثمانیه*، تحقیق: سعدبن ناصر، السعودیه، دارالعاصمه، الطبعه الاولی، ۱۴۱۹ق.
العسقلانی، ابن حجر، *النکت علی کتاب ابن صلاح*، الجامعة الإسلامیة، ۱۴۰۴ق.
العسقلانی، الحافظ ابن حجر، تهذیب *التهذیب*، دارالفکر، الطبعه الاولی، ۱۴۰۴ق.
العسقلانی، ابن حجر، *اللسان*، بیروت، دارالفکر، [دون تا].
العسقلانی، ابن حجر، *لسان المیزان*، الهند؛ حیدر آباد الدکن، ۱۳۲۹ هـ
العسقلانی، ابن حجر، *الإصابة فی تمییز الصحابة*، بیروت: دلرالکتب العلمیة، ۱۴۱۵.
العسقلانی، ابن حجر، *المطالب العالیه بزوائد المسانید الثمانیة*، تحقیق: ایمن علی و اشرف صلاح، القاهر، موسسه قرطبه، الطبعه الاولی، ج ۱، ۱۴۱۸ق.
العسقلانی الحافظ ابن حجر، *التلخیص الحبیر*، تصحیح: عبدالله هاشم الیمانی، المدینة المنورة، ۱۳۸۴ هـ
العقیلی، ابی جعفر بن عمر و مکی، *الضعفاءالکبیر*، تحقیق: قلعجی، بیروت، دارالکتب العلمیه، الطبعه الاولی، ۱۴۰۴ق.
العینی، بدرالدین ابی محمد محمود بن احمد، عمده *القاری، شرح صحیح البخاری*، داراحیاء التراث العربی، [دون تا].
الغزالی، محمد بن محمد، *الوسیط*، تحقیق: احمد محمود إبراهیم و محمد محمد تامر، دارالسلام، ۱۴۱۷ق.
الغماری، ابوالفضل، *ارشاد السالک*، القاهره، مکتبه القاهره، ۱۳۹۱ق.
الغماری، ابی الفیض احمد بن محمد، ازاله الخطر عمن جمع بین الصلاتین فی الحضر، مکتبة القاهرة، الطبعة الثانیة ۲۰۰۹م.
القاسمی، محمد جمال الدین، *قواعد التحدیث*، بیروت، دارالکتب العلمیه، [دون تا].
قاضی عیاض، بن موسی، اکمال *المعلم بفوائد مسلم*، مصر، دارالوفا، تحقیق: یحیی اسماعیل، ط الاولی، ۱۴۱۹ق.
قاضی عیاض، بن موسی، ترتیب *المدارک و تقریب المسالک*، تحقیق: احمد بکیر، بیروت، مکتبه الحیاه، ۱۳۸۷ق.
القرافی، شهاب الدین احمد بن ادریس، *الذخیره*، تحقیق: محمد حجی، دارالمغرب الاسلامی، الطبعه الاولی، ۱۴۰۴ق.
القرطبی، ابن عبدالله محمد، *الجامع الاحکام القرآن*، دارالکتب العلمیه، الطبعه الثانیه،

۱۹۸۸م.
القرطبی، احمد بن عمر، *المفهم*، دار ابن کثیر، تحقیق: جمعی، الطبعه الاولی، ۱۴۱۷ق.
القرطبی، محمد ابن رشد، *بدایه المجتهد*، بیروت، مطبعة دار المعرفة، الطبعة السادسة، سنة ۱۴۰۳ هـ
القرطبی، محمد ابن رشد، ابو الولید، مقدمات، دمشق، دارالفکر، الطبعه الثانیه، ۱۴۰۰ق.
القسطلانی، شهاب الدین احمد بن محمد ابی العباس، *ارشاد الساری لشرح صحیح البخاری*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق.
القنوجی، ابی الطیب صدیق بن حسن، فتح العلام شرح بلوغ المرام، المدینه، المکتبه العلمیه، [دون تا].
قلیوبی، احمد بن سلام و شیخ عمیره، حاشیه *قلیوبی و عمیره علی شرح المحلی*، مصر، مطبعه عیسی حلبی، [دون تا].
القیروانی، ابن ابی زید، *الرساله الفقهیه*، بیروت، دارالکتب العلمیه، [دون تا].
الکاسانی علاءالدین ابوبکر، *بدائع الصنائع*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ق.
الکاندهلوی، محمد زکریا، *اوجز المسالک لشرح موطا الامام مالک*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۰ق.
الکتانی محمد بن جعفر، *نظم المتناثره من الحدیث المتواتر*، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۹۸۷م.
الکرمانی، شمس الدین، شرح *الکرمانی علی صحیح البخاری*، المطبعه المصریه، الطبعه الاولی، ۱۳۵۲ق.
الکشناوی، ابی بکر بن حسن، *اسهل المدارک*، دارالفکر، الطبعه الثانیه بیروت، ۱۴۲۰ق.
کشمیری، محمد انور، فیض *الباری شرح صحیح البخاری*، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۶ق.
الکَلْوَذانی الحنبلی، ابی الخطاب محفوظ بن أحمد، *الانتصار فی المسائل الکبار*، تحقیق: سلیمان بن عبدالله العمیر، ریاض: مکتبه العبیکان، ۱۴۱۳ق.
الکوهجی، عبدالله بن حسن، *زاد المحتاج بشرح المنهاج*، تحقیق: عبد الله بن ابراهیم الانصاری، قطر، الشؤون الدینیة، الطبعه الاولی، ۱۴۰۲.
المازری، محمد بن عمر، شرح *التلقین*، تحقیق: محمد المختار السلامی، المغرب، دارالمغرب الاسلامی، الطبعه الاولی، ۱۹۹۷ م.

الماوردی، ابی الحســـن علی، *الحاوی الکبیر*، تحقیق: محمود مطرجی، بیروت، دارالفکر، الطبعه الأولی، 1419هـ

المبارکفوری، محمد عبدالرحمن بن عبدالرحیم، *تحفه الاحوذی*، بیروت، دارالفکر، الطبعه الثالثه، ۱۳۹۹ق.

المحلی، جلال الدین، شرح *المحلی*، مصر، المطبعه عیسی الجلبی.

محمد، علیش، شرح *منح الجلیل*، طرابلس، مکتبه النجاح، ۱۴۰۴.

المدنی، ابی عبدالله محمد، *حاشیه المدنی علی کنون*، بولاق، الطبعه الامیریه، ۱۳۰۶ق.

الرهونی، محمد بن احمد، *حاشــیه الرهونی علی شــرح الزرقانی لمختصــر خلیل*، بولاق، الطبعه الامیریه، ۱۳۰۶ق.

المرداوی، علاء الدین ابی الحســن علی، *الانصاف فی معرفه الراجح من الاخلاف*، تحقیق: محمد حامد الفقی، بیروت؛ دار إحیاء التراث العربی، الطبعه الاولی، ۱۳۷۴ق.

المرداوی، ابو الحسن علی، تصحیح *الفروع*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.

المرعی، ابن یوسف، *دلیل الطالب*، بیروت، المکتب الاسلامی، ۱۳۸۱ق.

المزنی، إسماعیل بن یحیی، مختصر *المزنی*، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۰ق.

المغربی، حسین بن محمد، بدر التمام شرح بلوغ المرام من *أدلة الأحکام*، تحقیق: محمد شحود خرفان، مصر؛ دار الوفاء، الطبعة الأولی، ۱۴۲۵هـ

المواق، ابی عبدالله محمد بن یوسف، *التاج و الاکیل لمختصرخلیل*، دار الکتب العلمیة، الطبعة: الأولی، ۱۴۱۶هـ

المنقور النجدی، احمد بن محمد، *الفواکه العدیده فی المســائل المفیده*، دمشق، المکتب الاسلامی، ۱۳۸۰ق.

المیدانی، عبدالغنی الغنیمی، *اللباب فی شـــرح الکتاب*، بیروت، المکتبه العلمیه، ج ۱، ۱۴۰۰ق.

النسائی، ابوعبدالرحمن احمد، *السنن الکبری*، تحقیق: حسن عبدالمنعم، بیروت، الرساله، الطبعه الاولی، ۱۴۲۱ق.

النسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، *السنن الصغری*، ریاض؛ دارالسلام، ج ۱، ۱۴۰۲ق، ص ۲۹۰.

النسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، الضعفا و المتروکین، تحقیق: محمود ابراهیم، حلب، دارالوعی، الطبعه الاولی، ۱۳۹۶ق.

نووی، ابی زکریا یحیی، *شرح النووی علی صحیح مسلم*، بیروت، دارالقلم، ۱۴۰۷ق.
نووی، ابی زکریا یحیی بن شرف، *روضه الطالبین*، دمشق، المکتب الاسلامی، ۱۳۸۶ق.
نووی، ابی زکریا یحیی بن شرف، *تصحیح التنهیه*، تحقیق: محمد عقله الأبراهیم، الرساله، بیروت، ۱۴۱۷.
نووی، ابی زکریا یحیی، *المجموع*، مصر، ۱۳۴۴ق.
النیشابوری، مسلم بن الحجاج، *صحیح مسلم*، تحقیق: محمد فؤاد، بیروت، داراحیاء التراث العربی، [دون تا].
الهیثمی، شهاب الدین احمد ابن حجر، *تحفه المحتاج*، بیروت، دارالفکر، [دون تا].
الهیثمی، ابوالحسن نور الدین علی، *مجمع الزوائد*، تحقیق: حافظ حکمی، الطائف، نشر مکتبه القدس، ۱۴۱۲ق.
هیتو، محمد حسن، *الوجیز فی اصول التشریع الاسلامی*، دمشق، مؤسسه الرساله، الطبع الأولی، ۱۹۸۲م.
الونشریسی احمد بن یحیی، *المعیار المعرب و الجامع المغرب*، المحقق: محمد حجی، مملکة المغربیة: دار الغرب الإسلامی، ۱۴۰۱ق.

ب) منابع فارسی:
الخن، مصطفی، مصطفی البغاء، علی الشربجی، *فقه منهجی*، ترجمه: محمد عزیز حسامی، فرزاد پارسا، انتشارات کردستان، ۱۳۸۳.
جلالی زاده، جلال، *مبادی و اصطلاحات علم فقه*، نشر احسان، ۱۳۸۷.
زیدان، عبدالکریم، *الوجیز در اصول الفقه*، مترجم: فرزاد پارسا، انتشارات کردستان، ۱۳۸۹.
قرضاوی، یوسف، *دیدگاههای فقهی معاصر*، ترجمه: احمد نعمتی، ج ۴، چاپ اول، تهران، نشر احسان، ۱۳۸۹.

جمع نماز

در مذاهب اربعه‌ی اهل سنت

دین اسلام دین یُسر و آسان‌گیری است و هدف خداوند از تشریع احکام، آن نبوده که مردم در حرج واقع شده و در انجام تکالیف دینی خویش در عُسری فراتر از حد معمول واقع شوند. این تیسیر در اسلام در نماز هم نمود یافته است.
حدیث صحیح دور از شذوذ و علت ابن عباس امکان پاسخ به پرسش‌های مطرح شده در مورد جمع نماز را فراهم کرده است. و همانطور که یوسف قرضاوی هم اشــاره می‌کند، از ویژگی‌های دین مبین اســلام این است که انســان مسلمان می‌تواند براساس وقایع و قضایای تازه‌ای که پیش می‌آیند، نصوص شریعت را توسعه و گسترش دهد.



Wata Books

ISBN 600-95705-1-4





طراح جلد
0919 723 0133